



سر مقاله وقتی «فجر» رنگ می‌بازد

تقریباً ده سال پیش از انقلاب اسلامی، از سال ۱۳۴۸ سینمای ایران یک جشنواره‌ی غیردولتی به نام «سپاس» داشت که با همکاری وزارت فرهنگ و هنر وقت برگزار می‌شد و جوایزی نیز به همین نام به هنرمندان فیلم‌های تولید داخلی اعطا می‌شد. یک جشنواره دیگر هم از سال ۱۳۵۱ با پشتیبانی دفتر شهبانو فرح با نام «جشنواره بین‌المللی فیلم تهران» آغاز به کار کرد که فیلم‌های ایرانی و خارجی در آن شرکت داشتند. هر دو این رویدادهای هنری با وقوع جمهوری اسلامی در ایران متوقف شدند و پس از چهار سال یک مراسم حکومتی به نام «جشنواره فجر» به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی که به نام «دهه فجر» توسط حکومت برگزار می‌شود جای آنها را گرفت. «جشنواره» ای که با توجه به دامنه‌ی سانسور آثار هنری اعم از سینمایی و غیرسینمایی در ایران و همچنین تیغ حذف بر گلولی آثار خارجی، هرگز نتوانست در عرصه جهانی که سهل است، حتا در کشورهای منطقه و یا مسلمان‌نشین نیز اعتباری پیدا کند! وقتی با گذشت زمان، سینما هم به تصرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آمد و به یکی از مراکز پولشویی و زد و بندهای مافیایی تبدیل شد، آن تئمه‌ای هم که از اعتبار سینما در داخل باقی مانده بود دود شد و هوا رفت. اعتبار هنر به استقلال و آزادی بیان آن است!

همزمان با حذف هنرمندان پیش از انقلاب و همچنین هنرمندان مستقل از صحنه‌ی فرهنگ و هنر و انباشت پول‌های کثیف در عرصه‌ی سینما که دستمزدهای نجومی افرادی را تأمین می‌کرد که در جامعه به «هنرپند» و «سلبریتی‌های حکومتی» معروف شده‌اند و حضور تکراری آنها سبب شد که این جشنواره‌ی بی‌مایه و ضد هنری به یک کلیشه‌ی سالانه کاهش پیدا کند و جولانگه افرادی شود که در نبود آزادی هنر، جایی برای خودنمایی و ثروت‌اندوزی یافته‌اند.

در عرصه‌ی سیاست جهانی نیز، توجه جشنواره‌های بین‌المللی که جوایز حسابگرانه به برخی از فیلم‌های این سینمای وابسته می‌دادند، از آن برگشت و مدت‌هاست که هیچ فیلمی از جمهوری اسلامی راهی به جشنواره‌ها پیدا نمی‌کند تا به کلکسیون جوایز سینمایی نظام چیزی اضافه کند!

در شرایطی که این هنرمندان زیر پرچم «سیاسی نبودن» هر بار موقع انتخابات استصوابی با انگشتان رنگی به تبلیغ برای مراسم رای گیری می‌پرداختند، ابعاد شلیک موشک به پرواز ۷۵۲ هواپیمای مسافربری اوکراینی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حوالی تهران و برج‌های گذاشتن ۱۷۶ گشته از کشورهای مختلف چنان گسترده است که هیچکس نمی‌توانست به بهانه‌ی «سیاسی نبودن» آن را نادیده بگیرد! اکنون، کمی مانده به برگزاری مراسم حکومتی «دهه فجر» تحریم جشنواره‌های آن چنان گسترده شده که برگزارکنندگان دولتی و «هنرپندان» به تلاش افتاده‌اند که آن را با چه کسانی برگزار کنند! اما دیگر برگزار شدن یا نشدن «فجر» هیچ اهمیتی ندارد. آنچه اهمیت دارد این است که خشم و انزجار مردم از سیاست‌های نظام و موشک‌پرانی‌ها و خرابکاری‌های آن در داخل و خارج کشور به حدی رسیده که «فجر» بی‌رمق‌تر از هر سال در برابر چشم همگان رنگ می‌بازد.



پیامدهای سرنوشت‌ساز یک سقوط



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

مکانیسم ماشه یا رولت روسی با یک بازیکن!؟



سرانجام مکانیسمی که در توافق موسوم به برجام پیش‌بینی شده بود تا در صورت عدم پایبندی و نقض مفاد آن از سوی جمهوری اسلامی فعال شود، فعال شد. و روسیه و چین و انگلیس و فرانسه به بیابید نخست یک تصویر از ماجرای

در صفحه ۲

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اسر خلیان) برای نخستین بار ایجاد کرده «صور نظامی و ناگفته‌های دخال رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و با انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کانترول‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
 Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
 Ithex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
 Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
 UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
 Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کارشناسان نظامی به کیهان لندن می‌گویند:

سپاه پاسداران همچنان در مورد دلایل سقوط هواپیمای پوئینگ اوکراینی دروغ می‌گوید

در صفحه ۱۸

رئیس کمیته ملی المپیک: بین زن و مرد در اسلام و ورزش تبعیض وجود ندارد!

جهانگیری: باید هر چه زودتر استقلال و پرسپولیس را به بخش خصوصی بفروشیم

سعید معروف، کاپیتان تیم ملی والیبال ایران: کاش امید داشتم این آخرین پرده از نمایش تزویر و بی‌خردی این بی‌کفایتان است

منابع عربی مدعی شدند میزبانی نمایندگان فوتبال ایران در لیگ قهرمانان لغو می‌شود

در صفحه ۱۰

کیهان منتشر کرد:

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده

کتاب سقوط بهشت را از تاریخ ۲۳ فوریه تنها از کیهان لندن می‌توان خریداری کرد

قیمت: ۲۵ پوند + هزینه بسته بندی و پست



پیامدهای سرنوشت‌ساز یک سقوط

- مسافران خارجی و دوتابعیتی و تعلق پرواز ۷۵۲ به خطوط هوایی یک کشور اروپایی، دروغگویی و جنایت هولناک نظام را برملا کرد!
- ناظران این سقوط را با نقش تاریخی سقوط پرواز ۰۰۷ هواپیمایی کره جنوبی در سال ۱۹۸۳ و فاجعه اتمی چرنوبیل در سال ۱۹۸۶ مقایسه می‌کنند که کمی پیش از سقوط اتحاد شوروی روی دادند.

جدا از انتقاداتی که برخی چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب مطرح کردند، تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران و هنرمندان نزدیک به این جریان نیز خود را از دروغگویی نظام «میبهوت» نشان داده و حتی در دعوت مردم به تجمع اعتراضی همراه شدند. تعدادی از مدیران خبرگزاری‌های دولتی و روزنامه‌نگاران نیز در شبکه‌های اجتماعی از مردم عذر خواستند که در سه روز کتمان جمهوری اسلامی، بلندگوی دروغ‌پردازی شده و حتی به افرادی که بر اساس شواهد احتمال پرتاب موشک به هواپیما را مطرح می‌کردند، توهین کرده و برچسب می‌زدند. بخشی از سینماگران و همچنین رشته‌های مختلف هنری اعلام کردند که جشنواره فیلم «فجر» و دیگر جشنواره‌های دهه‌ی انقلاب اسلامی را تحریم می‌کنند. در این میان البته هستند روزنامه‌نگاران و هنرمندانی که همچنان در قالب مدافعان نظام ظاهر می‌شوند. اما به دلیل بی‌اعتمادی عمیق در جامعه، همراهی اصلاح‌طلبان و بخشی از جامعه هنری و مطبوعاتی که همواره از رانت حکومتی بهره برده و ارتزاق کرده است، با مردم معترض و خانواده‌جانبختگان این حادثه با «اما و اگر» روبروست.

برخی معتقدند هنرمندان که عمدتاً قشر متوسط و متمول جامعه هستند و مجوز اقامت کشورهای دیگری از جمله کانادا را نیز دارند، به این دلیل در ماجرای سقوط هواپیما بالاخره واکنش نشان دادند و اعتراضاتی را مطرح کردند که با مسافران جانبخته هواپیما همزادپنداری کرده و این هراس در برابر چشم آنان قرار گرفته که آنها نیز از هیچ حاشیه‌ی امن در این نظام برخوردار نیستند و چنین سرنوشتی ممکن است روزی برای آنها نیز رقم بخورد چرا که هیچکس از گزند جمهوری اسلامی در امان نیست!

در این میان، اصلاح‌طلبان برای سوار شدن بر موج اعتراضات سراسری مردم از پتانسیل نیروهای به اصطلاح چپگرا و مدافع اصلاحات در دانشگاه‌ها نیز استفاده و تلاش کردند اعتراضات را دانشگاه‌ها را به پای اهداف خود بنویسند. با اینهمه وزن شعارهای مخالفان نظام در دانشگاه‌ها نیز بسی سنگین‌تر از شعارهای چپ‌ها و اصلاح‌طلبان مذهبی و غیرمذهبی است

مطالعات بین‌المللی میدلبوری آمریکا گفته است: «کادر پرواز این هواپیما به احتمال زیاد حتی نمی‌توانستند نزدیک شدن موشک را مشاهده کنند و در آن زمان کوتاه پس از بلند شدن از باند فرودگاه نیز خلبان کاملاً درگیر هدایت هواپیما بوده است.» از سوی دیگر کارشناسان و تحلیلگرانی نیز طی روزهای گذشته پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند که با توجه به عدم همکاری نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دولت جمهوری اسلامی با تیم‌هایی که از دو کشور کانادا و اوکراین برای بررسی این اتفاق به ایران سفر کرده‌اند، هنوز بی‌پاسخ باقی‌مانده است.

در بیانیه ستاد کل نیروهای مسلح ادعا شده این هواپیما «به یک مرکز حساس نظامی سپاه» نزدیک می‌شده و علت شلیک همین بوده است اما اسناد موجود از مسیری که هواپیما تا لحظه برخورد نخستین موشک پیموده، دروغ بودن این ادعا را برملا کرده است. مقامات سپاه پاسداران سپس به دروغ مدعی شدند که هواپیما با موشک کروز اشتباه گرفته شده. این در حالیست که موشک کروز مورد ادعای آنها اگر به «یک مرکز حساس نظامی سپاه» نزدیک می‌شده، می‌بایست دست‌کم در ارتفاع ۱۱۰ متری از سطح زمین می‌بوده و نه مانند پرواز ۷۵۲ در ارتفاع چند هزار پایی! پرسشی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که چرا به هواپیمای اوکراینی که در ارتفاع حدود ۸ هزار پا (حدود ۲۲۰۰ متر) پرواز می‌کرده و پدافند نیز «ترانسپوندر کد» و «اسکواک کد» را دریافت کرده فرمان شلیک صادر شده است؟! بر اساس آخرین اطلاعات، دو تیم کانادایی و یک تیم اوکراینی در ایران در حال بررسی ابعاد و جزئیات سرنوشتی هواپیما هستند اما سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای بررسی اسناد پدافند مستقر در «بیدگنه» همکاری نمی‌کند.

دروغ‌های پیاپی مقامات جمهوری اسلامی پس از چند روز فریبکاری موجب شده است که احتمال شلیک عمدی به این هواپیمای مسافربری قوت بیشتری بگیرد. در این میان انگیزه‌ی این اقدام فرضی چندان مشخص نیست؛ برخی معتقدند شاید مسافر یا مسافران ویژه‌ای در این هواپیما بوده‌اند و برخی نیز این فرض را مطرح می‌کنند که



که بتوانند آن را کتمان کنند! یکی از رد پاهای پررنگ اصلاح‌طلبان را می‌توان در شعارهایی دید که فقط بر مخالفت با شخص خامنه‌ای تمرکز می‌کنند و خود را در «خامنه‌ای استعفا، استعفا» لو می‌دهند. شعاری که سال ۸۸ مطالبه اصلی اصلاح‌طلبان است! آنها همچنین با بازسازی شعارهای ملودیک دوران انقلاب و حتا سر دادن «الله اکبر» تلاش می‌کنند «بازگشت به انقلاب» و «دوران طلایی امام» را جانشین شعارهای مردم علیه نظام جمهوری اسلامی و مطالبه‌ی تغییر رژیم و جایگزینی یک دموکراسی پارلمانی کنند. **دروغ‌های پی‌درپی و دامن‌گیر!**

از سوی دیگر، در اطلاعیه ستاد کل نیروهای مسلح، علت پرتاب دو موشک به هواپیمای اوکراینی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی «خطای انسانی غیرعمد در تشخیص شیء پرنده» اعلام شده است. برخی با توجه به شیوه پرتاب دو موشک به سوی این هواپیما احتمال عمدی بودن سقوط آن را مطرح می‌کنند. مایکل دویتسمن پژوهشگر موسسه

ساعت ۶:۱۲ دقیقه بامداد ۱۸ دی ۱۳۹۸ برابر با ۸ ژانویه ۲۰۲۰ هواپیمای بوئینگ ۷۳۷-۸۰۰ اوکراین در پرواز شماره ۷۵۲ با ۱۷۶ سرنشین پس از یک ساعت تأخیر فرودگاه «مام خمینی» تهران را به مقصد کی‌یف پایتخت اوکراین ترک می‌کند. قرار بود هواپیما بعد از اوج گرفتن و گذشتن از آسمان استان‌های قزوین، زنجان و آذربایجان غربی از کشور خارج شود، اما تقریباً شش دقیقه پس از برخاستن در ساعت ۶:۱۹ بامداد در شهرک لاله شاهدشهر در نزدیکی صباشهر شهریار سقوط کرد.

مقامات نظام دقایقی پس از سقوط این هواپیما علت این حادثه را نقص فنی عنوان کرده و خبر جان باختن همه سرنشینان آن را تأیید کردند. در مقابل این اعلام سریع و بدون هرگونه بررسی درباره دلایل سقوط، احتمال شلیک و اصابت موشک با این هواپیما بر اساس شواهد اولیه در برخی گزارش‌ها از جمله در کیهان لندن مطرح شد. اما هواداران جمهوری اسلامی و رسانه‌های وابسته این احتمال را «دروغ»، «شیدایی»، «جنگ روانی»، «ویرانی طلبی» و «سناریوسازی» توسط «دشمنان»، «ضدانقلاب»، «ایران‌ستیزان» و «مزدوران» اعلام می‌کردند.

همزمان گزارش‌هایی از سوی مقامات آمریکایی مبنی بر برخورد دو موشک به هواپیما منتشر شد و این موضوع از سوی مقامات کانادا، استرالیا و بریتانیا نیز تأیید و تکرار شد.

در این میان مقامات جمهوری اسلامی که امیدوار بودند علت اصلی این سقوط هرگز افشا نشود، به دلیل حضور مسافران خارجی و دوتابعیتی و تعلق این هواپیما به خطوط هوایی یک کشور اروپایی، نتوانستند دروغگویی خود را ادامه دهند و در نهایت ستاد کل نیروهای مسلح در چهارمین روز انکار، با صدور اطلاعیه‌ای مسئولیت انفجار هواپیما توسط موشک از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را پذیرفت.

فریب دروغ نظام بار دیگر مردم را به خیابان کشاند

پرواز شماره ۷۵۲ شامل ۷۰ مرد، ۸۱ زن، ۱۵ کودک و یک نوزاد و ۹ کادر و خدمه پرواز بوده است. بر اساس گزارش‌ها اکثر مسافران این هواپیما ایرانیان مقیم کانادا بودند که پس از سفر به ایران برای تعطیلات زمستانی به خانه باز می‌گشتند.

۱۴۷ نفر از سرنشینان این هواپیما ملیت ایرانی و ۳۲ نفر دیگر خارجی بودند. در مجموع ۶۳ مسافر تابعیت کانادا داشتند و ۱۱ مسافر اوکراینی، ۱۰ مسافر سوئدی، ۴ مسافر افغانستانی، ۳ مسافر آلمانی و ۳ مسافر بریتانیایی بودند.

پنهنکاری و فریبکاری نظام پس از چند روز تکذیب پرتاب موشک به هواپیما، موجی از خشم و نفرت را در میان مردم و بازماندگان جانبختگان این حادثه‌ی غم‌انگیز ایجاد کرد.

وجود چندین دانشجوی ایرانی در میان کشته‌شدگان که در اوکراین و کانادا به تحصیل مشغول بودند، موجب آغاز اعتراضات پیوسته یا مردم را به دادخواهی فرا بخواند. خشم مردم زمانی بیشتر شد که مقامات جمهوری اسلامی بی‌اعتنا به جنایتی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام داده بود، حتی از اعلام عزای عمومی خودداری کردند. بسیاری این شیوه برخورد مقامات را نشانه‌ی عمیق‌تر شدن فاصله میان مردم و حکومت ارزیابی کرده‌اند.

موج‌سواری اصلاح‌طلبان براندوه عمومی
هر چند مردم اینبار در اعتراضات خود شعارهای تندتری علیه نظام سر دادند اما بخشی از اصلاح‌طلبان و هواداران نظام که قافیه را بدجور به مردم باخته‌اند تلاش کردند با اعتراضات مردم همراه شوند. آنها همصدا با مردم دهان به انتقاد از نظامی گشودند که خود بخشی از آن و همواره مدافع آن بوده و هستند.

مکانیسم ماشه یا رولت روسی با یک بازیکن؟!!

داشته تا نقاط ضعف توافق اتمی را پیش از شکست دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ تشخیص داده و خود را برای خروج از آن آماده کند. به ویژه آنکه ناتوانی‌های سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی و گسترش نارضایتی‌های عمومی و اعتراضات سراسری، در هر جامعه‌ای، چیزی نیست که نتوان آنها را پیش‌بینی کرد.

از این رو، دلیل شکست برجام را نه در خروج آمریکا بلکه درون جمهوری اسلامی باید جستجو کرد چرا که دلیل خروج آمریکا نیز چیزی جز آن نیست: تباہکاری و دروغگویی و ماجراجویی که به اعتراف مقامات نظام، از جمله عباس عراقچی، در زمان اجرای برجام نیز جریان داشت و طبق این توافق پس از ۱۵ سال بدون محدودیت‌های قبلی می‌توانست ادامه یابد!

جاه‌طلبی‌های مرگبار در گرو یک گلوه

جمهوری اسلامی همزمان با گفتگو درباره برنامه هسته‌ای، از یکسو به تقویت برنامه‌های موشکی خود و گسترش گروه‌های شبه‌نظامی در کشورهای منطقه ادامه داد و از سوی دیگر سرکوب اعتراضات مردم را شدت بخشید. رژیم ایران در واقع برنامه موشکی را موازی با برنامه اتمی پیش برد تا پانزده سال دیگر پس از پایان محدودیت‌های برجام، موشک‌هایی داشته باشد که بتواند کلاک اتمی را بر سر آنها بنشاند!

با خروج آمریکا از برجام در مه ۲۰۱۸، کشاکش‌های اتمی از سر گرفته شد. تکمیل این خروج با تحریم‌های کمرشکن که شرکت‌های خارجی از جمله اروپایی را با خطر جریمه‌های سنگین روبرو می‌کرد، سبب شد تا تلاش اروپا برای کمک مالی به جمهوری اسلامی ناکام بماند. اروپا با یک بار دیگر نه تنها دریافت که بدون آمریکا قادر به هیچ توافقی با جمهوری اسلامی نیست بلکه تهدیدات موشکی، قاچاق مواد مخدر و صدور «بناهو» که از سوی حسن روحانی رئیس دولت «همانه‌رو» جمهوری اسلامی نیز مطرح شد، آنها را کمی به خود آورد.

همزمان عملیات خرابکارانه و ایذانی رژیم ایران علیه منافع و مواضع آمریکا برای کشاندن آن به یک درگیری نظامی، با فشار یک دکمه در حمله پهپادی، به محو شدن «سردار محور مقاومت» و چند تن از مهم‌ترین رفقایش انجامید! آنهم در حالی که از ماه‌ها پیش بمباران پایگاه‌های وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه و عراق توسط اسرائیل تلفات جانی و خسارات عظیم به بار می‌آورد. پاسخ رژیم ایران به این شکست‌های پی در پی، پس از لاف و گراف‌های فراوان، شلیک موشک به دو پایگاه تقریباً خالی آمریکا در عراق، شلیک موشک به هواپیمای مسافربری پرواز ۷۵۲ اوکراین با ۱۷۶ سرنشین در حوالی تهران و کشته شدن مردم در تشیع جنازه سلیمانی زیر دست و پا در کرمان بوده است!

امروز آن تصویر چرایی و ضرورت توافق اتمی در سال ۲۰۱۵، به ضرورت یک «توافق تازه» تغییر کرده است اما با تفاوتی از زمین تا آسمان! خامنه‌ای در سخنان نماز جمعه ۲۷ دی ۹۸ با اعلام چندباره‌ی مخالفت خود با مذاکرت و شانه خالی کردن از مسئولیت «برجام»، دولت تدارک‌ناچی و «بی‌تفنگ»

سرنجام مکانیسمی که در توافق موسوم به برجام پیش‌بینی شده بود تا در صورت عدم پایبندی و نقض مفاد آن از سوی جمهوری اسلامی فعال شود، فعال شد. بیابید نخست یک تصویر از ماجرای چرایی و ضرورت توافق اتمی ترسیم کنیم. تصویری که در عبارت ۵+۱ نیز نشان داده می‌شود. این کشورها عبارتند از پنج عضو شورای امنیت یعنی آمریکا و روسیه و چین و انگلیس و فرانسه به اضافه آلمان که به دلیل نقش تعیین‌کننده سیاسی و اقتصادی در اتحادیه اروپا جایگاهی برایش در مشاوره‌های شورای امنیت نیز در نظر گرفته شد. در تصویر برجام، پنج علاوه یک در یکسو و جمهوری اسلامی در سوی دیگر قرار دارد زیرا جامعه جهانی پس از افشای برنامه مخفی اتمی می‌خواست حکومت اسلامی در ایران را وادار کند به دنبال «تکمیل چرخه هسته‌ای» که راه را برای تولید بمب اتمی باز می‌کند، نرود. سابقه‌ی تلاش اتمی در جمهوری اسلامی به «جام زهر» و آتش‌بس جنگ هشت ساله ایران و عراق باز می‌گردد که خمینی در نامه معروف خود رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی را به داشتن «سلاح‌های اتمی و لیزر» موکول کرد! از همان زمان رژیم که پیشرفت‌های مربوط به استفاده از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز در پیش از انقلاب ۵۷ در خیانت نامیده بود، تلاش مخفیانه برای به دست آوردن آن را آغاز کرد. نخستین پرسش در همین‌جاست: برای تأمین انرژی هسته‌ای جهت مصارف صلح‌آمیز چرا نباید مانند پیش از انقلاب در برابر چشم همه تلاش شود؟! چرا باید چنین فعالیتی که خلاف قانون و پیمان‌های بین‌المللی نیست، مخفیانه پیش برود؟! **دور بی‌پایان و ناکام گفتگوهای اتمی**

مبتکر گفتگوهای اتمی سه کشور اروپایی انگلیس و آلمان و فرانسه بودند. نه جمهوری اسلامی حضور آمریکا را در مذاکرات علنی می‌پذیرفت و نه آمریکا که رژیم ایران را «محور شرارت» خوانده بود علاقه‌ای به گفتگوی علنی با رژیم ملان داشت.

اما سال‌ها رفت و آمد و گفتگوی اروپاییان در دولت‌های حجت‌الاسلام محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد هر بار نافرجام ماند و به جایی نرسید چرا که یک عامل مهم در آن غایب بود: ایالات متحده آمریکا! هنگامی که با روی کار آمدن دولت باراک اوباما زمینه برای گفتگوهای چندجانبه فراهم شد، اوباما با پشت کردن به اعتراضات مردم ایران، با پیام نوروژی به علی خامنه‌ای چراغ سبز نشان داد و در جمهوری اسلامی نیز مقدمات روی کار آوردن دولت حجت‌الاسلام حسن روحانی برای «ترمش قهرمانانه» فراهم شد تا زمانی که به قول خمینی، حکومت اسلامی برای رسیدن به اهداف خود به «سلاح‌های اتمی و لیزر» مجهز شود. آن زمان در توافق اتمی، پانزده سال پس از زوییه ۲۰۱۵ یعنی سال ۲۰۲۵ تعیین شده است!

به این ترتیب توافق اتمی تنها زمانی به دست آمد که آمریکا در مذاکرات حضور یافت. بدیهی است، توافقی که بدون آمریکا نمی‌توانست به دست آید، امکان ندارد بدون آمریکا باقی بماند!

یک توافق بد در شرایط بد

انگیزه‌ی دولت اوباما برای تن دادن به چنین توافقی



که هزینه‌های آن از حساب مردم ایران پرداخته شده (از جمله چمدان پول و مبادله‌ی قاچاقچیان جمهوری اسلامی با گروگان‌های خارجی و دوتابعیتی در ایران!) هر چه بوده باشد، نمی‌تواند در واقعیت تغییر دهد. اگر «جام زهر» برای توقف جنگ ایران و عراق از موضع ضعف جمهوری اسلامی نوشیده شد، «ترمش قهرمانانه» اما در شرایطی انجام شد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در داخل بر مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد کشور سلطه داشته و سپاه قدس به عنوان بازوی خارجی آن در منطقه و فراتر از آن به پرورش شبه‌نظامیان و خرابکاری‌های تروریستی مشغول بوده! عبارت «ترمش قهرمانانه» نیز بر اساس همین «اقتدار» و اعتماد به نفس جمهوری اسلامی درباره «محور مقاومت» انتخاب شد. محوری که با هزینه‌های میلیاردی در جنگ‌های نیابتی و با شبه‌نظامیان مزدور از ایران و افغانستان و پاکستان و عراق و دیگر کشورها، «عمق استراتژیک» جمهوری اسلامی را تأمین کرده و گسترش می‌دهد. در برابر جهان‌بینی «آخ‌الزمانی» جمهوری اسلامی، ۱۵ سال پایبندی به «برجام» از ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵، فقط یک چشم بهم زدن است!

دولت ترامپ نه تنها در رقابت با حزب دموکرات بلکه از نظر منافع ملی ایالات متحده از زمان اشغال سفارت آمریکا توسط «خط امامی»‌ها به اندازه کافی انگیزه



روحانی را سکه یک پول کرد و با ستایش از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سپاه قدس بر تقویت «دولت با تفنگ» تأکید نمود و آنها را «زمندگان بدون مرز» نامید که «هر جا نیاز باشد حضور پیدا می‌کنند!» وی در واقع هم به اقدامات نظامی- تروریستی جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای ایران اعتراف کرد و هم مسئولیت آنها را بر عهده گرفت! خامنه‌ای در پیروی از آمل خمینی که «جام زهر» را سر کشید تا زمانی که نظام به «سلاح‌های اتمی و لیزر» مجهز شود، آن را به «جهش فناوری» تغییر نام داد و تأکید کرد: «باید تلاش کنیم قوی بشویم... ما از مذاکره ابایی نداریم اما نه از موضع ضعف بلکه از موضع قدرت!»

امروز تصویری که در برابر چشم است، پایان برجام به همراه انزوا‌ی بیشتر جمهوری اسلامی و درگیری بیشتر آن با نهاد‌های بین‌المللی است. نارضایتی‌های عمومی، اعتراضات سراسری، خشم و انزجار مردم از سیاست‌های داخلی و خارجی نظام همزمان با نزدیک شدن سیاست‌های اروپا و آمریکا در مورد ایران و فعال شدن مکانیسم ماشه، نظام را به تنها بازیکن یک «رولت روسی» تبدیل کرده که همه منتظر شنیدن صدای گلوله‌ای هستند که دیر یا زود به مغز خویش شلیک می‌کند.

سه سناتور جمهوریخواه خواستار رسیدگی به نقض احتمالی قوانین آمریکا به دلیل فعالیت‌های حمایتی نایاک از جمهوری اسلامی شدند



برایان هوک

● هوک به تلویزیون اورینت می‌گوید در توافق جدید مورد نظر ترامپ ممنوعیت دائمی غنی‌سازی اورانیوم در ایران براساس قطعنامه شورای امنیت بازگردانده خواهد شد.

● «این توافق با تصویب نهایی سنا به یک معاهده و سپس قانون بین‌المللی تبدیل خواهد شد، چون توافق اوپاما تنها در حد یک تعهد سیاسی بود.»

نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، پنجشنبه ۱۶ ژانویه (۲۶ دی‌ماه)، در مصاحبه با شبکه تلویزیونی «اورینت»، به تشریح توافق جدید مورد نظر دونالد ترامپ برای جایگزینی با برجام پرداخت. برایان هوک نخست به بیان برنامه‌ها و دستاوردهای دولت ترامپ در برابر رژیم ایران پرداخت و گفت: «سیاست‌های کاخ سفید در دوره فعلی کارآمدتر از گذشته بوده است.»

هیفی بوظو مجری شبکه اورینت درباره تفاوت توافق مورد نظر ترامپ با توافق اتمی سال ۲۰۱۵ پرسید که برایان هوک پاسخ داد: «در این توافق ممنوعیت دائمی غنی‌سازی اورانیوم در ایران بر اساس قطعنامه شورای امنیت بازگردانده خواهد شد چون در حال حاضر نیز نیمی از کشورهای دارای برنامه اتمی، غنی‌سازی انجام نمی‌دهند و ایران نیز نیازی به غنی‌سازی ندارد.»

این مقام وزارت خارجه آمریکا ادامه داد: «این توافق با تصویب نهایی سنا به یک معاهده و سپس قانون

بین‌المللی تبدیل خواهد شد، چون توافق اوپاما تنها در حد یک تعهد سیاسی بود. همچنین در این توافق موضوعات بسیار گسترده‌تر از مسائل اتمی و شامل برنامه‌های موشکی و تجاوزات منطقه‌ای و شبه نظامیان خواهد بود.»

بسیاری از تحلیلگران معتقدند پس از فعال شدن «مکانیسم ماشه» با تصمیم سه کشور اروپایی باقی‌مانده در توافق اتمی «برجام» در استانه نابودی است. دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در دو سال گذشته دائم تاکید کرده است که هدف از کارزار فشار حداکثری به جمهوری اسلامی تغییر رفتار جمهوری اسلامی و رسیدن به یک توافق جدید بر اساس شروط ۱۲ گانه است و تهدید کرده در غیر این صورت تحریم‌ها تا فروپاشی اقتصادی رژیم ادامه خواهد داشت. روز ۱۴ ژانویه (۲۴ دی‌ماه)، نخست وزیر بریتانیا گفت طرح ترامپ درباره برنامه اتمی ایران می‌تواند جایگزین برجام شود. بوریس جانسون برای آینده بهتر ایستاده است، به مقامات رژیم ایران هشدار داده بود که آنها حق داشتن سلاح هسته‌ای ندارند و نباید اینترنت را قطع کرده و معترضان را بکشند.

«مکانیسم ماشه» علیه جمهوری اسلامی فعال شد؛ فرانسه، بریتانیا و آلمان: با توجه به اقدامات ایران هیچ انتخاب دیگری نداریم!



جمهوری اسلامی تا کنون «پنج‌گام» در نقض تعهدات برجامی خود برداشته و میزان تولید و غنی‌سازی و ذخایر اورانیوم خود را افزایش داده است

این موضوع، مواجهه نیست. با توجه به اقدامات ایران، ما هیچ انتخاب دیگری نداریم و برای ثبت نگرانی‌های خود و اینکه ایران به تعهداتش در برجام پایبند نیست به کمیسیون مشترک رجوع می‌کنیم که در پاراگراف ۳۶ توافق جامع اتمی آمده است.

ما این را با حسن نیت و با هدف حفظ برجام انجام می‌دهیم و امیدواریم یک راهی برای خروج از این بن‌بست از طریق گفتگوی دیپلماتیک سازنده پیدا کنیم. برای انجام این کار، سه کشور اروپایی به کمیون فشار حداکثری علیه ایران نمی‌پیوندم. امید ما بازگشت ایران به همراهی کامل با تعهداتش ذیل برجام است.»

در بخش دیگری از این بیانیه آمده «ما این استدلال را که ایران حق دارد تعهداتش را کاهش دهد نمی‌پذیریم. برخلاف اظهاراتش، ایران هرگز مکانیسم حل اختلاف را فعال نکرده و هیچ دلیل قانونی برای توقف اجرای مفاد این توافق ندارد. ما صراحتاً نگرانی‌ها خود را به همراه مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در روز ۱۱ نوامبر ۲۰۱۹ اعلام کردیم. در کمیسیون مشترک در روز ۶ دسامبر، ما بطور شفاف به ایران گفتیم که اگر به تعهداتش برنگردد ما چاره‌ای جز اقدام در چارچوب برجام، از جمله شروع مکانیسم حل اختلاف، نداریم. بجای معکوس کردن شرایط، ایران کاهش بیشتر همراهی با برجام را انتخاب کرد و در روز ۵ ژانویه اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران در گام پنجم کاهش تعهدات خود را هم خواهد داشت که محدودیت در تعداد سانتریفیوژها است و اینکه جمهوری اسلامی ایران دیگر با هیچ محدودیت عملیاتی، از جمله در زمینه غنی‌سازی و مسائل مربوط به

نگرانی‌های ایران، آن را به تعهداتش بازگردانیم. ما حتی از تلاش‌های دیپلماتیک نیز حمایت کرده و به کار بستیم از جمله ابتکارات فرانسه، که شاید تنش‌ها را کاهش دهد و ایران و آمریکا را به پای میز مذاکره بیاوریم تا بر سر یک راه حل جامع مذاکره کنیم. اروپا به مسیر دیپلماتیک کاملاً پایبند است و در صورت مهیا بودن شرایط خواستار آغاز آن در اسرع وقت است.

به هر حال در این لحظه، ایران در حال نقض کلیدی محدودیت‌های درج شده در برجام است. اقدامات ایران با مفاد توافق اتمی و معیارهای غیرقابل بازگشت منع گسترش تسلیحات اتمی ناسازگار است.»

در متن این بیانیه طولانی آمده: «ما وزیرای خارجه آلمان، فرانسه و انگلیس در منافع امنیتی مشترک و بنیادین با دیگر متحدان اروپایی مشترک هستیم. یکی از آنها حمایت از پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی است و اطمینان از اینکه ایران هرگز به سلاح اتمی دست نخواهد یافت. توافق اتمی یک نقش کلیدی در این مسئله دارد، همانطور که رهبران ما نیز بر آن تاکید کرده‌اند. برجام یک دستاورد کلیدی با دیپلماسی چندجانبه بوده است. ما در برجام مذاکره کردیم و مطمئن شدیم که برنامه اتمی ایران صلح‌آمیز است و باعث ایجاد صلح و ثبات بین‌المللی خواهد شد.

همچنین ما نگرانی و تاسف خود را از خروج آمریکا از برجام و بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران بیان کردیم. از ماه مه ۲۰۱۸ ما با یکدیگر کار کردیم تا توافق را حفظ کنیم. بر تعهدات برجامی خود از جمله لغو تحریم‌ها همانطور که در برجام پیش‌بینی شده بود تاکید کردیم. علاوه بر آن برای برداشتن همه تحریم‌ها، بر اساس تعهد ما در این توافق، بی‌وقفه کار و تلاش کردیم تا از تجارت مشروع با ایران حمایت کنیم از جمله از طریق کانال مالی اینستکس.»

به دنبال بیانیه‌ی مه ۲۰۱۹ ایران که بر اساس آن برخی از تعهداتش تحت برجام را تعلیق می‌کرد، ما تلاش کردیم ایران را نسبت به تغییر مسیرش متقاعد کنیم. سه کشور اروپایی و اتحادیه اروپا سخت کار کردند تا با به رسمیت شناختن

فرصت ۹۰ روزه آمریکا به شرکت‌های خارجی برای تطبیق با تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی

و همچنین هشت مقام دیگر رژیم وضع کرد. این تحریم‌ها شامل پیشبرد اهداف بی‌ثبات کننده در منطقه دست دارند.

در این دستور اجرایی آمده تمامی بخش‌های اقتصاد ایران شامل ساخت و ساز، معدن، نساجی و سایر بخش‌های اقتصاد ایران همگی شامل تحریم می‌شوند و تمامی افراد و نهادهایی که در این بخش‌ها فعال هستند، تولید انجام می‌دهند یا هرگونه کالا و خدمات برای اقتصاد ایران تامین می‌کنند، در لیست تحریم آمریکا قرار می‌گیرند. بانک‌ها و موسسات مالی نیز در صورت انجام تراکنش برای این بخش‌ها از نظام مالی آمریکا محروم می‌شوند.

کارزار فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی اقتصاد ایران را به شدت زیر فشار قرار داده است. استیون منوچین وزیر خزانه‌داری آمریکا اخیراً گفته در

حالت مذاکره با چین است تا واردات نفت از ایران را متوقف کند. نشریه فوربس با اشاره به تاثیر تحریم‌های آمریکا علیه رژیم ایران، به نقل از اندیشکده موسسه مالی بین‌المللی می‌گوید که انتظار می‌رود اقتصاد ایران از این هم محدودتر شود. به گزارش بخش فارسی صدای آمریکا گاربیس ایرادیان و تیم او در اندیشکده موسسه مالی بین‌المللی، مستقر در واشنگتن، می‌گویند که تا پایان سال مالی جاری در ایران (پایان ماه مارس)، انتظار می‌رود که اقتصاد ایران ۷.۲ درصد کوچک شود. طبق گزارش آنها، سال گذشته نیز اقتصاد ایران ۴.۶ درصد کوچک شده بود. به نوشته نشریه فوربس، مشکل فوری در این مسئله ناشی از تحریم‌های آمریکا است که صادرات نفت ایران را محدود و دولت ایران را از بخش عمده‌ای از درآمدهایش محروم کرده است.

● وزارت خزانه‌داری آمریکا در پی اعمال تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران، فرصت ۹۰ روزه به شرکت‌های خارجی برای انطباق فعالیت‌های خود با این تحریم‌ها داده است.

● تمام شرکت‌ها باید طی این مدت تراکنش‌های خود با ایران را قطع کنند.

● وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد فرصتی ۹۰ روزه برای توقف تراکنش‌ها در بخش‌هایی که تحریم‌های جدید آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال شده در نظر می‌گیرد.

به گزارش رویترز این مهلت سه ماه دیگر در ۹ آوریل سال ۲۰۲۰ (۲۱ فروردین ۱۳۹۹) به پایان خواهد رسید و تراکنش‌ها با ایران در حوزه صنایع و معدن، نساجی شامل مجازات آمریکا خواهد شد.

ایالات متحده از جمعه گذشته ۲۰ دی‌ماه (۱۰ ژانویه) در واکنش به حمله‌های موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به پایگاه‌های آمریکا در عراق تحریم‌های تازه‌ای علیه جمهوری اسلامی وضع کرده است. آمریکا تهدید کرده که اگر جمهوری اسلامی ایران همچنان به «فعالیت‌هایی تروریستی» خود و تلاش برای دستیابی به بمب هسته‌ای ادامه دهد، با تشدید تحریم‌ها روبرو خواهد شد.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده ۲۰ دی‌ماه در واکنش به موشک‌پرانی‌های جمهوری اسلامی ایران به پایگاه‌های نظامی خود در عراق، تحریم‌های جدیدی را علیه صنایع فولاد و آهن

پوتین به اسد: ترامپ را تشویق می‌کنم به سوریه بیاید؛ او را دعوت کن!



پوتین و اسد در یک کلیسای ارتدکس؛ دمشق؛ ۷ ژانویه ۲۰۲۰

دعوت روی خوش نشان دهد. بنابراین شما در اینباره کوتاهی نکن. هنگامی که بشار اسد برای ارسال دعوتنامه برای رئیس جمهوری آمریکا اعلام آمادگی کرد، پوتین به او گفت: من با دونالد ترامپ در اینباره صحبت می‌کنم.

پوتین در سفر هفته گذشته خود به دمشق در جریان مذاکره با بشار اسد ابتدا هر دو به گزارش فرماندهان نظامی آن کشور گوش دادند و سپس

ولادیمیر پوتین در دیدار اخیر خود با بشار اسد رئیس جمهوری سوریه در دمشق به او توصیه کرده دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا را برای دیدار از آن کشور و گفتگو درباره مسائل و روابط متقابل به دمشق دعوت کن! من هم او را تشویق می‌کنم این دعوت را بپذیرد!

یکشنبه شب خبرگزاری تاس نیوش: پوتین در مصاحبه با شبکه خبری کانال یک روسیه گفته: برای فرستادن این دعوتنامه به کاخ سفید و راضی نمودن رئیس جمهوری آمریکا برای پرواز به آن کشور با اسد همکاری خواهد کرد.

بشار اسد نیز در پاسخ به پیشنهاد پوتین، واکنش مثبت نشان داده و گفته: اگر ترامپ راضی به این دیدار شود، چرا که نه؟ او ضمن اشاره به سفر تاریخی پل حواری یکی از حواریون از اورشلیم (بیت‌المقدس) به دمشق، از دیدار احتمالی رئیس جمهوری آمریکا از کشورش استقبال کرده است.

پوتین به اسد گفته، در رئیس جمهوری آمریکا می‌بینم که به این

دارالترجمه بین‌المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن:

020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

شاهزاده رضا پهلوی در انستیتو هادسن خطاب به جهان آزاد:

با این رژیم هیچ چشم‌انداز خردمندانه‌ای برای تنش‌زدایی پایدار وجود ندارد



تن را قتل عام و بیش از ۷ هزار تن دستگیر شدند از جمله پدران و مادران سوگوار جوانانی که کشته شدند. و اخیرا پس از حمله موشکی به عراق، پرواز ۷۵۲ هواپیمای اوکراینی را در حوالی تهران هدف موشک قرار داد که در آن ۱۷۶ تن کشته شدند که اکثر آنها ایرانی بودند.

همانقدر که این رژیم یک الگوی رفتاری غیرقابل انکار از تغییرناپذیری را به نمایش می‌گذارد، همانقدر رفتار دموکراسی‌های غربی به سوی آن تمایل داشته‌اند در بیشتر این چهل سال رهبران جهان آزاد تلاش کردند با رژیم «تعامل» کنند، هم در تجارت و هم در سیاست. در این مسیر دوره‌هایی هم از فشار سیاسی تقریباً همیشه از سوی ایالات متحده وجود داشته است. اما دوره‌هایی هم وجود داشته که به تقویت رژیم پرداخته‌اند از جمله از سوی ایالات متحده. همه این تلاش‌ها در درجه اول بر اساس منافع اقتصادی تنظیم شده بودند تا رفتار رژیم را تغییر بدهند. اما همه این تلاش‌ها شکست خوردند.

دیگر مدت‌هاست که زمان آن رسیده تا دریافت که جمهوری اسلامی یک رژیم عادی نیست و رفتارش را تغییر نخواهد داد. برای نمونه تازه‌ترین تباهکاری رژیم را در نظر بگیرید. کدام رژیم عادی یک حمله موشکی را در حریم هوایی خود به حریم هوایی همسایه آغاز می‌کند و همزمان پروازهای مسافربری و تجاری را متوقف نمی‌کند؟! کدام رژیم عادی امنیت و اداره فرودگاه‌ها و پروازها را در اختیار نیروهای سرکوبگر شبه‌نظامی قرار می‌دهد؟!

است که نزدیکان و ماله‌کش‌های رژیم در رسانه‌های غربی و محافل سیاسی، سخت تلاش می‌کنند تا مانع هرگونه حمایت مردم از سوی جهان آزاد شوند اعم از کاهش منابع مالی جهت آموزش‌های شهروندی و یا فعالیت‌های حقوق بشری و یا حتی با این استدلال پوچ که سخن گفتن از حنای‌های رژیم به روند دمکراسی در ایران ضربه می‌زند! یک بار دیگر به جدیدترین جنایت رژیم علیه بشریت، ساقط کردن پرواز ۷۵۲، توجه کنیم. رژیم پس از چهار روز پنهانکاری مجبور شد مسئولیت کشتن ۱۷۶ زن و مرد و کودک بی‌گناه را قبول کند آنهم فقط به دلیل پیگیری و فشارهای بین‌المللی.

حالا یک نمونه دیگر با یک هواپیمای ایرانی را در خطوط داخلی و بدون مسافران خارجی یا دوتابعیتی تصور کنید. ما هرگز از حقیقت با خبر نمی‌شویم! دموکراسی‌های برجسته مانند کانادا و ایالات متحده نقش تعیین‌کننده در پاسخگو کردن رژیم بازی می‌کنند. این رویداد اخیر یک مثال قانع‌کننده درباره‌ی تأثیر سیاست‌ها که آنها می‌توانند داشته باشند. درست مانند قربانیان پرواز ۷۵۲ مردم ایران نیز به توجه و حمایت شما نیاز دارند. امروز مشتاق هستم درباره مسیر جدیدی گفتگو کنیم که تمرکزش روی خدمت به حاکمان اصلی ایران است: مردم ایران!

این رژیم سزاوار هر نوع فشار حداکثری است! اما مردم من شایسته‌ی برخورداری از هر ذره پشتیبانی حداکثری هستند.

● در پی افشای همیاری و همکاری دروغ‌پردازی رسانه‌ها و روزنامه‌ها و حتی در مواردی لاپوشانی و اتهام‌زنی برخی از آنها، روز دوشنبه ۲۳ دی‌ماه انجمن روزنامه‌نگاران تهران رسانه بوق نیست و پنهانکاری دست‌اندرکاران، از رسانه رفع مسئولیت نمی‌کند.

در پی افشای دروغ‌پردازی سهروزه‌ی رسانه‌ها در پنهانکاری قصور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در هدف قرار دادن هواپیمای اوکراینی، انجمن روزنامه‌نگاران تهران نقش و مسئولیت رسانه‌ها را یادآوری کرده و می‌نویسد «رسانه بوق نیست و پنهانکاری دست‌اندرکاران، از رسانه رفع مسئولیت نمی‌کند»

در پی افشای همیاری و همکاری دروغ‌پردازی رسانه‌ها و روزنامه‌ها و حتی در مواردی لاپوشانی و اتهام‌زنی برخی از آنها، روز دوشنبه ۲۳ دی‌ماه انجمن روزنامه‌نگاران تهران در بیانیه‌ای تند نوشت که رسانه بوق نیست و پنهانکاری دست‌اندرکاران، از رسانه رفع مسئولیت نمی‌کند.

در پی انتشار گسترده اخبار و گزارش‌ها دروغین و مصاحبه‌ها با کارشناسان دروغ‌پرداز و فعالیت علیی رسانه‌های داخلی در راستای سیاست‌های رژیم ایران در جریان سقوط هواپیمای اوکراینی، انجمن روزنامه‌نگاران تهران بیانیه‌ای صادر کرد.

در این بیانیه‌ی انجمن روزنامه‌نگاران تهران آمده است: «کنون در حال تشییع اعتماد عمومی هستیم و

با این رژیم هیچ چشم‌انداز خردمندانه‌ای برای تنش‌زدایی پایدار وجود ندارد.

اما با مردم ایران امکان برقراری صلح و دوستی وجود دارد چرا که هیچ درگیری برای از سر گرفتن وجود ندارد بلکه فقط منافع مشترک، ارزش‌های مشترک و در حال حاضر یک دشمن مشترک داریم!

برای هم‌میهدان من این رژیم یک رژیم اشغالگر ضد ایرانی است که هیچ احترامی برای تاریخ و فرهنگ و منافع ملی ایران و ایرانیان قائل نیست. و برای شما این رژیم بزرگترین تهدید علیه صلح و ثبات و رفاه در خاورمیانه است. نه فقط به این دلیل که بذر تفرقه و نابودی و مرگ در تمام منطقه می‌کارد بلکه همچنین به این دلیل که این رژیم بین شما و مردم ایران ایستاده است! مردمی که یکی از بهترین متحدان طبیعی شما در تمام جهان به شمار می‌روند.

هم‌میهدان من درک می‌کنند که این رژیم اصلاح‌پذیر نیست و باید ساقط شود. آنها سال‌هاست زندگی خود را در مبارزه با این رژیم به خطر می‌اندازند. آنها همین هفته دوباره علیه آن دست به اعتراض زدند. دیگر زمان آن فرا رسیده که شما صدای آنها را بشنوید. شما با طرح مذاکره بدون پیش‌شرط آنها را دلسرد می‌کنید و خواست آنها را برای پشتیبانی بدون قید و شرط نادیده می‌گیرید. در حقیقت، شما در مماشات با سرکوبگران آنها به آنان خیانت می‌کنید.

توجه و همبستگی جامعه جهانی برای هر جنبشی اهمیت حیاتی در برانداختن یک رژیم تمامیت‌خواه دارد. مبارزه‌ی مردم ایران از این امر مستثنی نیست. دقیقاً به همین دلیل

● مدت‌هاست که زمان آن رسیده تا دریافت که جمهوری اسلامی یک رژیم عادی نیست و رفتارش را تغییر نخواهد داد.

● برای هم‌میهدان من این رژیم یک رژیم اشغالگر ضد ایرانی است که هیچ احترامی برای تاریخ و فرهنگ و منافع ملی ایران و ایرانیان قائل نیست. و برای شما این رژیم بزرگترین تهدید علیه صلح و ثبات و رفاه در خاورمیانه است. نه فقط به این دلیل که بذر تفرقه و نابودی و مرگ در تمام منطقه می‌کارد بلکه همچنین به این دلیل که این رژیم بین شما و مردم ایران ایستاده است! مردمی که یکی از بهترین متحدان طبیعی شما در تمام جهان به شمار می‌روند.

● درست مانند قربانیان پرواز ۷۵۲ مردم ایران نیز به توجه و حمایت شما نیاز دارند.

تاریخ جمهوری اسلامی و حاکمیت ترور آن در ایران و خارج از کشور به چهل سال قبل بازمی‌گردد. یک نگاه به این تاریخ نشان می‌دهد که چیز زیادی تغییر نکرده است. من فقط چند مورد از این تاریخ را برای شما یادآوری می‌کنم. در سال ۱۹۷۹ رژیم سدها تن را به دلیل تعلقات دینی، قومی، فرهنگی، عقیدتی و شغلی اعدام کرد از جمله فرخ‌رو پارسا نخستین وزیر زن و حبیب‌القانیان از رهبران یهودیان ایران.

در همان سال ۵۲ دیپلمات آمریکایی را به مدت ۴۴۴ روز به گروگان گرفت. از سال ۱۹۸۰ خرابکاری‌های بین‌المللی خود را آغاز کرد؛ از جمله قتل ایرانیان تبعیدی مانند نخست‌وزیر بختیار، ارتشبد ابوسی و عبدالرحمان برومند در فرانسه، فریدون فرخزاد در آلمان و علی اکبر طباطبایی اینجا در واشنگتن.

هم‌زمان از کودکان ایرانی به عنوان مین‌یاب استفاده کرده و آنها را در جنگ فاجعه‌بار با عراق به کام مرگ فرستاد؛ جنگ بی‌فرجامی که هشت سال ادامه یافت.

در سال ۱۹۸۳ حمله به پایگاه سربازان آمریکایی در لبنان را سازمان داد که طی آن ۲۴۱ سرباز در پناهگاه‌های خود کشته شدند.

در سال ۱۹۸۸ به دستور آیت‌الله خمینی هزاران تن از جوانان ایرانی به خاطر عقاید سیاسی چپ‌گرایانه اعدام شدند.

در سال ۱۹۹۴ رژیم ایران بمب‌گذاری مرکز یهودیان در بوئنوس آیرس را سازماندهی کرد که در آن ۸۵ تن کشته و ۳۰۰ تن زخمی شدند. در سال ۱۹۹۶ برج‌های الخبار در عربستان سعودی را منفجر کرد که طی آن ۱۹ سرباز آمریکایی کشته شدند.

در سال ۱۹۹۹ در دولت محمد خاتمی به اصطلاح اصلاح‌طلب و فشار قاسم سلیمانی موج اعتراضات دانشجویی با حمله به دانشگاه‌ها و کشتن دانشجویان در خوابگاه‌ها سرکوب شد.

مدتی بعد در سال ۲۰۰۹ تظاهرات کاملاً مسالمت‌آمیز مردم بطرز خشن و خونینی در هم کوبیده شد و بسیاری از معترضان بی‌گناه کشته شدند مانند ندا آقاسلطان که در خیابان با شلیک گلوله کشته شد.

در سال‌های بعد سپاه قدس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تلاش کرد تا رژیم خونخوار بشار اسد را در سوریه به هر قیمتی نگه دارد که طی آن چندصد هزار سوری کشته شدند که بیست هزار تن از آنان کودک بودند و میلیونها تن دیگر مجبور به ترک کشورشان شدند.

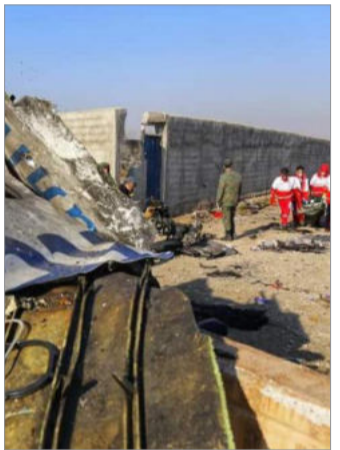
پس از دو سال تظاهرات سراسری در ایران، همین چند هفته پیش در اوج اعتراضات ضد رژیم در بیش از ۱۵۰ شهر و مناطق مختلف ایران، رژیم در حالی که اینترنت را قطع کرد تا ارتباط بین مردم را مختل کند، تقریباً ۱۵۰۰

وضعیت نامشخص «جعبه سیاه» بوئینگ اوکراینی؛ خانواده قربانیان سقوط تحت فشار قرار دارند

ایرانی‌هاست» و کانادا آماده‌ی کمک کردن در رمزگشایی جعبه‌هاست. او همچنین توضیح داده تمام گزارش‌های مربوط به پرواز و اطلاعات جعبه سیاه از ایران خارج نشده است. علاوه بر تیم ۱۰ نفره تحقیقات، یک هیات امنیت حمل و نقل نیز کارشان را برای بررسی علت سقوط هواپیما آغاز کرده‌اند. گارنیو اعلام کرده تا پایان کار در مورد هیچ اطلاعاتی صحبت نخواهد کرد تا زمانی که کار بطور کامل انجام شود. هیات امنیت حمل و نقل کانادایی یک تیم دوم از محققان دیگر دارد تا در «دانلود کردن» اطلاعات ثبت شده و «آنالیز» آن همکاری کنند. این هیات دوم زمانی کارش را آغاز می‌کند که محل بررسی تحقیقات مشخص شود.

هر دو جعبه سیاه دست مقامات ایران است و تحقیقات توسط ایران

برای یافتن جزئیات این سانحه نیاز به بررسی جعبه سیاه هواپیماست. با وجود این اخیراً شبهاتی در مورد اینکه جعبه‌ها کجا هستند ایجاد شده است. یکی از این جعبه‌ها صدای خلبان و کابین را ضبط می‌کند و دیگری برای ثبت اطلاعات پرواز است. روز سه‌شنبه سخنگوی هیات امنیت حمل و نقل به گلوبال نیز گفت تا کنون نتوانسته‌اند جای این جعبه‌ها را تایید کنند. سه‌شنبه صبح گزارشی از شبکه NBC پخش شد که از قول غلامحسین اسماعیلی سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی اعلام شد جعبه‌ها به فرانسه منتقل شده‌اند. هر دو جعبه سیاه در این مقامات ایران است و تحقیقات توسط ایران



دیهداند هنوز در ایران هستند.

● دو تیم کانادایی در ایران در حال بررسی جزئیات سقوط هواپیمایی بوئینگ اوکراینی هستند. ● مقام‌های قضایی جمهوری اسلامی از انتقال این جعبه سیاه به فرانسه سر باز زدند. ● هیات امنیتی کانادا برای رمزگشایی جعبه سیاه ابراز آمادگی کرده اما ایران هنوز هیچ درخواست رسمی برای این کار به کانادا ارائه نداده است. همچنین گزارش‌های تایید نشده که از شلیک دو موشک در دست داریم موضوعی است که با استخراج اطلاعات جعبه سیاه مشخص خواهد شد و امیدواریم که این جعبه‌های سیاه اطلاعات کافی در مورد آنچه اتفاق افتاده به ما نشان دهند. هنوز نمی‌دانیم که پروسه کاری آنها اسپاه پاسداران] وقتی می‌خواهند در آسمان پرندانی را هدف بگیرند دو موشک نیاز داشتند یا یک موشک! جمهوری اسلامی تابعیت دوم قربانیان دوتابعیتی این سانحه را به رسمیت نشناخته و گزارش‌ها حاکمیت که خانواده قربانیان از طرف مقامات ایرانی تحت فشارند.

گازنیو گفته کانادا می‌تواند یک هواپیمای نظامی برای بازگرداندن بقایا و وسایل این قربانیان به ایران اعزام کند. برخی منابع کانادایی می‌گویند دولت این کشور قصد دارد به خانواده این قربانیان نوعی غرامت موقت پرداخت کند اما بطور دقیق مشخص نیست شامل چه چیزی می‌شود.

خبرها از ایران حاکمیت کمیته کانادایی تحقیق در مورد سانحه بوئینگ اوکراینی از محل سقوط این هواپیما بازید کرده است. مارک گرونو وزیر حمل و نقل کانادا، چهارشنبه ۱۵ ژانویه (۲۵ دی‌ماه)، گفته هیات ۱۰ نفره بررسی سانحه در ایران مستقرند و تحقیقات خود در مورد ابعاد این سقوط ادامه می‌دهند. به گزارش «گلوبال نیوز» دو تیم از کانادا به ایران رفته‌اند تا سقوط این حادثه را که هدف موشک‌های پدافند سپاه پاسداران قرار گرفت از نزدیک بررسی کنند. ماموریت یکی از این تیم‌ها آنالیز جعبه سیاه هواپیماست و استخراج صدا و مکالمات کابین خلبان و همچنین لاشه هواپیما نیز بررسی خواهد شد. مارک گارنیو گفته «جعبه سیاه هواپیما دست

انجمن روزنامه‌نگاران تهران: رسانه بوق نیست!

حکومت و کارگزارانش نظارت مدنی و مؤثر داشته باشد.»

انجمن روزنامه‌نگاران تهران «پنهانکاری و انتشار مطالب دروغ» را «ضربه سنگینی به اعتماد مردم و افکار عمومی» توصیف کرد که «جایگاه لرزان رسانه‌ها را لرزان تر کرد.»

این انجمن اذعان داشتن دست‌اندرکاران صداوسیما حکومت به زیر سوال رفتن اعتبارشان در وضعیت کنونی را به آشپزی تشبیه کرد و افزود شور شده که صدای سراسرپز را هم در آورده است.

در ادامه این بیانیه آمده است: «غافل از اینکه اعتبار این رسانه و بسیاری از رسانه‌های داخلی، خیلی پیش از این از میان رفته بود با این تفاوت که سایر رسانه‌ها معترض این وضع بودند، ولی صداوسیما مدافع آن بود. این واقعه نشان داد که مردم نمی‌توانند به داده‌های رسمی اعتماد کنند و روزنامه‌نگاران باید با کوشش خود این خلاء را تا حد ممکن پر کنند.»

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران نوشت که «ریشه این بحران را باید در نگاه مسئولان به کارکرد و نقش رسانه و نیز نگرش مدیران رانتی رسانه‌های غیرمستقل و وابسته جستجو کرد.»

در این بیانیه به بخشی از اظهارات امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یک خبرنگار صداوسیما حکومت برای رفع اختیار از رسانه‌ها اشاره شده و آمده است: «این دو ارزیابی معرف

اولین تابلوهای آن شامل جنازه‌های رسانه‌های رسمی به ویژه صداوسیما و سپس مطبوعات و سایت‌ها است.» در بخش دیگری از این بیانیه آمده که «انتقال مرجعیت رسانه‌ای به فراسوی مرزها و نیز شبکه‌های غیررسمی و غیرحرفه‌ای تکمیل شده است. اکنون ماییم و این جنازه روی دست مردمی که باید با اتکا و اعتماد به آن در فرایندهای جامعه خود مشارکت می‌کردند.»

در بیانیه تأکید شد که «رسانه بوق نیست و پنهانکاری دست‌اندرکاران، از رسانه رفع مسئولیت نمی‌کند.»

این انجمن در این بیانیه که روز دوشنبه به مناسبت «توافق تانسفبار سقوط هواپیمای مسافربری و سیاست خبری رسانه‌های کشور» منتشر شد، از فقدان «سامانه پدافندی رسانه‌ای» در ایران ابراز تأسف کرده و از همه همکاران رسانه‌ای خواسته است «از این پس بدون ملاحظات مرسوم در تهیه خبر، گزارش و تحلیل اقدام کنند و پرسشگری را به مرکز فعالیت رسانه‌ای خود بازگردانند.»

این انجمن با اشاره به اینکه سه روز پنهانکاری در رابطه با سقوط هواپیمای مسافربری اوکراینی نشانگر فقدان «سامانه پدافندی رسانه‌ای» است، آورده: «آنچه که در شرایط کنونی می‌تواند این جامعه را با خطر مواجه کند، فقط حملات نظامی یا موشکی نیست، بلکه بیش از هر چیز فقدان رسانه آزاد است؛ رسانه‌ای که بتواند مطالبات مردمی را پاسخ دهد و بر

وجود این دیدگاه مشترک است که رسانه یعنی بوق، رسانه یعنی روابط عمومی، رسانه یعنی آنچه که مسئولین ابلاغ و رسانه منعکس کند.»

انجمن روزنامه‌نگاران تهران نوشت: «در حالی که پنهانکاری دست‌اندرکاران رفع مسئولیت از رسانه نمی‌کند، وظیفه رسانه کشف حقیقت و بیان آن است و نه انتظار برای اعلام آن از سوی مسئولان و این مستلزم تأمین امنیت حرفه‌ای و شغلی روزنامه‌نگاران است.» این انجمن درباره‌ی تیترو روزنامه‌های ایران در صبح روز شنبه ۲۱ دی‌ماه نوشت: «فاجعه رسانه‌ای ایران به‌وضوح قابل مشاهده بود؛ در حالی که مردم تیتروهای شرم‌آور برخی از رسانه‌ها مبنی بر توطئه‌آمیز بودن اتهام سقوط با موشک را روی دک‌ها مشاهده می‌کردند، هم‌زمان از طریق دیگر در حال خواندن اطلاعیه‌های ستاد مشترک نیروهای مسلح و نیز ریاست‌جمهوری در خصوص اصابت موشک به هواپیما بودند.»

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران در انتهای پیام خود آورده: «از تمامی همکاران می‌خواهیم که از این پس بدون ملاحظات مرسوم که تماماً نیز غیرقانونی است در تهیه خبر، گزارش و تحلیل اقدام کنند و پرسشگری را به مرکز فعالیت رسانه‌ای خود بازگردانند. امیدواریم که مدیران محترم مسئول مطبوعات و سایت‌ها و... نیز با همراهی و بدون ملاحظه‌های غیرقانونی امکان انتشار مطالب را فراهم کنند و تنها معیار آنان برای جلوگیری از انتشار مطالب چارچوب‌های قانونی و نه فشارهای این و آن باشد. اطمینان داریم که همکاران محترم در هر صورت می‌توانند تولیدات خود را منتشر نمایند و به اطلاع مردم برسانند.»

دومینوی تحریم «فجر»؛ تلاش برای عادی سازی با فهرست پیشنهادی «دهنمکی»!



● در ادامه‌ی تحریم گسترده‌ی جشنواره‌های «فجر» توسط هنرمندان در عرصه‌های مختلف، مسعود دهنمکی کارگردان حزب‌اللهی و عضو سابق نیروی فشار، در حساب توئیتری خود، فهرست پیشنهادی خود برای هیات داوران جشنواره فیلم «فجر» را اعلام کرده که شامل محمدرضا شریفی‌نیا، حسن عباسی و الهام چرخنده است.

تحریم جشنواره‌های «فرهنگی و هنری فجر» چنان ادامه پیدا کرده که حالا نیروهای حزب‌اللهی طرفدار حکومت برای برگزار کنندگان «فجر» فهرست پیشنهادی هیات داوران منتشر می‌کنند و رسانه‌های نظام از تهدید و ارباب لحظه‌ای فروگذار نمی‌کنند. کیهان تهران در نسخه امروز صبح خود، هنرمندان تحریم‌کننده را «سخنگوی دونالد ترامپ» نامیده که قابل اطمینان نیستند!

موج گسترده‌ی تحریم جشنواره‌های هنری «فجر» توسط هنرمندان عرصه‌های مختلف ادامه دارد و از شامگاه دیروز تا کنون فاطمه معتمدآریا، پیمان معادی، سارا بهرامی، پگاه آهنگرانی، منیژه حکمت، حسن معجونی، نغمه ثمنی، هایدی صفی‌یاری نیز به جمع معترضان و تحریم‌کنندگان پیوستند.

شازده گروه دیگر تئاتر نیز امروز دوشنبه ۲۳ دی‌ماه اعلام کردند که از شرکت در جشنواره تئاتر «فجر» انصراف می‌دهند. این اهالی تئاتر در بیانیه‌ی خود نوشته‌اند که «در این روزها اجرایی در سرزمین‌مان به وقوع پیوسته که صداقت را نشانه رفته و سوغات‌رمان کرده است. ما نیز به یاد کشته‌شدگان و برای آن‌که فراموش نکنیم، از صحنه‌ی جشنواره خارج می‌شویم و در این جشن شرکت نمی‌کنیم»

کارستان هنرمندان داخلی، برگزاری جشنواره‌های «فجر» را چنان با خطر ریزش مواجه کرده که مقامات

مجازی مواجه شده است. دهنمکی عضو سابق نیروی فشار که با ساختن فیلم «آخراچی‌ها» به کمک محمدرضا شریفی‌نیا وارد عالم سینما شد، در توثیت خود نوشت: «باید تنگ‌نظرانه حلقه خودی‌ها را تنگ کرد و نباید درونگرایی‌ها نگاه به درون باشد. به عنوان سرباز هنری کوچک انقلاب این لیست پیشنهادی داوران جشنواره فجر را شایسته حمایت انقلابی‌ها می‌دانم.» فهرست پیشنهادی دهنمکی شامل شان علی استون پسر الیور استون، نادر طالب‌زاده کارگردان ولایی سینما، دراین حمزه بازیگر لبنانی، حسن عباسی، محمدرضا شریفی‌نیا، محمود رضوی تهیه‌کننده فیلم «درباره‌ی الی»، داریوش ارجمند، علی فروغی مدیر شبکه سوم صداوسیما جمهوری اسلامی و بشیر حسینی کارشناس ارتباطات و داور برنامه «عصر جدید» است.

این حزب‌اللهی نفوذی در عالم سینما، در حالی ادعا کرده فهرست‌اش فارغ از تنگ‌نظری حلقه خودی و غیرخودی است که «خودی‌تر» از این افراد برای حکومت وجود ندارد! اسامی این فهرست در طول همه این سال‌ها همواره جانبداری و فرمانبرداری خود از حکومت را به اثبات رسانده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۷

(رضا مقصدی)

زیرا که از تبارِ دروغید!

از بامداد تازه، سخن گفتید؟
باور نمی‌کنند -
دل‌بستگان خنده‌ی خورشید.

در صبح‌تان، سپاهی خوف‌انگیز.
در ظهرتان، تلاوت تاریکی.
در شام‌تان، تباهی بیدادست.
خورشید را ستاره، صدا کرده‌ست.

توصیه‌ی «لطیف» برخی هنرمندان به مردم:

با «شهر خاموش» کلهر و «مدیتیشن» معتمد آریا آرام شوید!



نادر مشایخی و کیهان کلهر

میرسه از زبان ساز و آواز، شما گویا آثار عارف قزوینی رو نشنیده‌اید که اینگونه موضعگیری می‌کنید. موسیقی همیشه در فضای گل و بلبل نیست که امثال شما دم از آن می‌زنید. رسالت موسیقی همدردی و همراهی با خاستگاه اجتماعی است. شما از کدام آرامش حرف می‌زنید؟ این سخن شما به این معنی‌ست که صدای مردم در خیابان نوعی آناش‌گری است و شما با کمانچه‌ها می‌خواهی آرامش به جامعه برگردانی. موضعگیری شما جز بی‌اعتنایی به وضعیت جامعه چیز دیگری نیست.»

کلهر در رابطه با تحریم جشنواره «فجر» و صداوسیما جمهوری اسلامی نوشت: «از زمان آغاز جشنواره فجر، درین جشنواره شرکت نکرده‌ام و در آینده هم نمی‌کنم لذا تحریم آن را هم باعث مزیتی در هنرمند مردمی و بهتر بودن، نمی‌دانم چون از آغاز آن با هویت و ذات این جشنواره در ضدیت بوده و هشتم، همانطور که با مشی و سیاست‌های صداوسیما در تضاد بوده‌ام و هیچوقت طی این چهار دهه حاضر به همکاری با این سازمان نشده‌ام.»

وی در انتهای یادداشت خود نوشت: «... لغو نمی‌کنم چرا که ما چهل سال با کسانی مبارزه کرده‌ایم که کمر به از بین بردن فرهنگ علی‌الخصوص موسیقی بسته‌اند. در پایان از مردم غم‌دیده و ستم‌کشیده کشورم می‌خواهیم که مانند همیشه در کنار هم باشند.»

کیهان کلهر در کنسرت «شهر خاموش» خود که ۲۳ دی‌ماه در «تالار وحدت» تهران برگزار کرد، درباره لغو کنسرت‌ها گفته بود: «بجای عصبانی بودن و پرخاشگری این جو زمخت و خشن را با موسیقی تلطیف کنیم!»

مسعود جاهد نوازنده نی و آهنگساز در صفحه اینستاگرام خود درباره پیشنهاد اجرای موسیقی برای «تلطیف» شرایط کنونی نوشت: «لطیف چیست؟ مردم در کف خیابان زیر فشار امنیتی فریاد می‌زنند و این آقا دم از آرامش می‌زنه. آخه فرصت‌طلبی تا چه میزان؟ آقای کلهر نسل من و تو تصنیف برادر نوجوونه برادر غرق خونه را چهل سال پیش با صدای استاد شجریان را خوب یادمنم. یعنی اینکه کف خیابان که خور ریخته همیشه موسیقی به فریاد

مرحمتشان می‌دانم چند جمله سخن دارم.»

کیهان کلهر در اینستاگرامش تحریم و لغو کنسرت‌های موسیقی را از سوی کسانی دانسته که «مواجب‌گیری ارشاد» هستند و وی به عنوان «یک هنرمند کاملا مستقل» که فاقد بیمه درمانی و وابستگی به «ارگان، سازمان یا اداره‌ی دولتی» است، «با جدیت به فعالیت» خود می‌پردازد.

او نوشت: «در کنار مردمم هستم و معتقدم که صلح و اعتراض و موسیقی از هم جدایی ناپذیرند.»

کلهر در رابطه با تحریم جشنواره «فجر» و صداوسیما جمهوری اسلامی نوشت: «از زمان آغاز جشنواره فجر، درین جشنواره شرکت نکرده‌ام و در آینده هم نمی‌کنم لذا تحریم آن را هم باعث مزیتی در هنرمند مردمی و بهتر بودن، نمی‌دانم چون از آغاز آن با هویت و ذات این جشنواره در ضدیت بوده و هشتم، همانطور که با مشی و سیاست‌های صداوسیما در تضاد بوده‌ام و هیچوقت طی این چهار دهه حاضر به همکاری با این سازمان نشده‌ام.»

وی در انتهای یادداشت خود نوشت: «... لغو نمی‌کنم چرا که ما چهل سال با کسانی مبارزه کرده‌ایم که کمر به از بین بردن فرهنگ علی‌الخصوص موسیقی بسته‌اند. در پایان از مردم غم‌دیده و ستم‌کشیده کشورم می‌خواهیم که مانند همیشه در کنار هم باشند.»

● کاربران فضای مجازی از تزه‌های کیهان کلهر، نادر مشایخی و فاطمه معتمد آریا برای اجرای موسیقی و انجام مدیتیشن برای کسب آرامش و کاهش تنش‌های کنونی، به شدت انتقاد کردند.

● مسعود جاهد نوازنده نی و آهنگساز در صفحه اینستاگرام خود درباره پیشنهاد اجرای موسیقی برای تلطیف شرایط کنونی نوشت: «لطیف چیست؟ مردم در کف خیابان زیر فشار امنیتی فریاد می‌زنند و این آقا دم از آرامش می‌زنه. آخه فرصت‌طلبی تا چه میزان؟»

● منتقدان می‌گویند اگر هنرمندان می‌خواهند کنسرت اجرا کنند، چرا به میان مردم نرفته و برای آنها در میدان و خیابان اجرا نمی‌کنند؟!

در پی انتقادهای گسترده کاربران فضای مجازی به عدم لغو کنسرت‌های کیهان کلهر و نادر مشایخی به حرمت کشته‌شدگان هواپیمای اوکراینی و شرایط کنونی کشور و در پی تحریم گسترده‌ی جشنواره‌های حکومتی «فجر» از سوی هنرمندان، شامگاه دیروز کیهان کلهر در یادداشتی نوشت: «از زمان آغاز جشنواره فجر در این جشنواره شرکت نکرده‌ام و در آینده هم نمی‌کنم، لذا تحریم آن را هم باعث مزیتی در هنرمند مردمی و بهتر بودن، نمی‌دانم چون از آغاز آن با هویت و ذات این جشنواره در ضدیت بوده و هشتم، همانطور که با مشی و سیاست‌های صداوسیما در تضاد بوده‌ام و هیچوقت طی این چهار دهه حاضر به همکاری با این سازمان نشده‌ام.»

وی در انتهای یادداشت خود نوشت: «... لغو نمی‌کنم چرا که ما چهل سال با کسانی مبارزه کرده‌ایم که کمر به از بین بردن فرهنگ علی‌الخصوص موسیقی بسته‌اند. در پایان از مردم غم‌دیده و ستم‌کشیده کشورم می‌خواهیم که مانند همیشه در کنار هم باشند.»

کیهان کلهر در کنسرت «شهر خاموش» خود که ۲۳ دی‌ماه در «تالار وحدت» تهران برگزار کرد، درباره لغو کنسرت‌ها گفته بود: «بجای عصبانی بودن و پرخاشگری این جو زمخت و خشن را با موسیقی تلطیف کنیم!»

مسعود جاهد نوازنده نی و آهنگساز در صفحه اینستاگرام خود درباره پیشنهاد اجرای موسیقی برای «تلطیف» شرایط کنونی نوشت: «لطیف چیست؟ مردم در کف خیابان زیر فشار امنیتی فریاد می‌زنند و این آقا دم از آرامش می‌زنه. آخه فرصت‌طلبی تا چه میزان؟ آقای کلهر نسل من و تو تصنیف برادر نوجوونه برادر غرق خونه را چهل سال پیش با صدای استاد شجریان را خوب یادمنم. یعنی اینکه کف خیابان که خور ریخته همیشه موسیقی به فریاد

حسین رجبیان فیلمساز محکوم به زندان:

به هیچ هنرمند جیره‌خوار دیروز و فرصت‌طلب امروز امید نبندید



حسین رجبیان

● رجبیان برای فعالیت غیرمجاز سینمایی و تبلیغ علیه نظام و توهین به مقدسات به شش سال زندان و جریمه نقدی محکوم شده است.

حسین رجبیان فیلمساز و عکاس که به شش سال زندان توسط دادگاه انقلاب محکوم شده، اعلام کرد که فیلم تازه خود را به طور رایگان در اینترنت منتشر می‌کند تا گامی به سوی هنر آزاد و بدون سانسور بردارد. او در صفحه اینستاگرام خود از مردم خواست: «تنها به دنبال عقیده راسخ خود باشید و به هیچ هنرمند جیره‌خوار دیروز و فرصت‌طلب امروز امید نبندند.»

حسین رجبیان فیلمساز و عکاس که به همراه برادرش مهدی رجبیان از مهرماه سال ۱۳۹۲ بازداشت و به شش سال زندان و جریمه نقدی محکوم شده، در صفحه اینستاگرام خود از انتشار رایگان نسخه‌های از تازه‌ترین فیلم‌اش در اینترنت خبر داد. وی در این پست نوشت که «من حسین رجبیان فیلمساز کاملاً مستقل، فیلم «آفرینش بین دو سطح» که به تازگی به اتمام رسیده و تا کنون در هیچ جا به نمایش در نیامده است را با افتخار جهت ایجاد امید و همدلی

علیه خود شد. سپس با وثیقه ۸۰۰ میلیون تومانی در اواخر آذرماه همان سال به صورت مشروط آزاد و در انتظار حکم دادگاه خود ماند.

پرونده وی پس از دو سال در تابستان ۱۳۹۴ در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه جریان یافت تا در نهایت وی طی حکمی برای فعالیت غیرمجاز سینمایی و تبلیغ علیه نظام و توهین به مقدسات به شش سال زندان و جریمه نقدی محکوم شود.

همزمان سیروان خسروی خواننده پاپ نیز در توبیتی به هنرمندان فرصت‌طلب انتقاد کرده و آنها را «آفتاب‌پرست» توصیف کرده که هر روز به رنگی در می‌آیند و در واقع نان به نرخ روز می‌خورند.

برای هموطنانم در این بزنگاه تاریخی به زودی به صورت رایگان در اینترنت منتشر خواهیم کرد تا گامی به سوی آزادی هنر و سینمای بدون سانسور برداشته باشیم.»

این فیلمساز در اینستاگرامش از مردم خواست تا «تنها به دنبال عقیده راسخ خود باشند و به هیچ هنرمند جیره‌خوار دیروز و فرصت‌طلب امروز امید نبندند.»

حسین رجبیان به همراه برادرش در ۱۳ مهر ۱۳۹۲ پس از اتمام اولین فیلم‌بلندش توسط نیروهای امنیتی در مقابل دفتر فیلمسازیش دستگیر و به بند دو الف زندان اوین انتقال یافت و پس از آن متحمل بیش از دو ماه زندان انفرادی و تهدید به اعترافات تلویزیونی

همراهی بی سابقه‌ی هنرمندان با اعتراضات مردم؛ «فجر» حکومتی سرانجام تحریم می‌شود: نه تاب ادامه دادن داریم و نه توان خاموش نگرستن...



● دبیر، مدیر هنری، همه‌ی دبیران و داوران جشنواره هنرهای تجسمی «فجر» در تمامی بخش‌ها کناره‌گیری کردند.

● صدها تن از اهالی تئاتر از جشنواره «فجر» انصراف دادند و ده‌ها تئاتر از برنامه‌های این جشنواره بیرون کشیده شد.

● تسنیم نوشته، گروهی از سینماگران در حال رایزنی برای جلب نظر سینماگران برای اعلام انصراف هستند!

● گروه‌های موسیقی و نوازندگان با انتشار بیانیه‌هایی نوشتند که دیگر نمی‌خواهند در جشنواره «فجر» شرکت کنند.

● استعفای دو مجری صدا و سیما جمهوری اسلامی، مجری حکومتی برنامه «تفسیر سیاسی روز» را عصبانی کرده. وی گفته، کار ما لنگ نمی‌ماند! ببینیم به کجا می‌رسند!

● همبستگی کم‌نظیر هنرمندان و استادان در عرصه‌های مختلف که جامعه دست‌کم از دی ۹۶ به اینسو در انتظار آن بسر می‌برد و سرانجام در دی ۹۸ شاهد آن شد، واکنش‌های منفی رسانه‌های وابسته به حکومت از جمله خبرگزاری تسنیم را در پی داشت.

در پی فاجعه کشته‌شدن ۱۷۶ مسافر هواپیمای اوکراینی در حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اعتراضات گسترده‌ی خیابانی مردم، سرانجام جامعه هنری کشور بطور گسترده دست از همکاری با حکومت کشیده و به تحریم جشنواره حکومتی «فجر» و امتناع از همکاری با صداوسیما جمهوری اسلامی می‌پردازد.

در پی اعتراف ستاد کل نیروهای مسلح کشور به حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۷۶ مسافر و خدمه‌ی این پرواز، و همزمان با اعتراضات خیابانی مردم از شامگاه دیروز ۲۱ دی تا کنون، کلیه‌ی جشنواره‌های «فجر» حکومتی توسط هنرمندان عرصه‌های مختلف تحریم شده و آنان همکاری خود را با سیستم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این جشنواره را قطع می‌کنند. مسعود کیمیایی فیلمساز شناخته شده همزمان با اعتراضات مردمی دی‌ماه، با انتشار ویدئویی در فضای مجازی اعلام کرد که از حضور در جشنواره فیلم «فجر» با فیلم «خون شد» انصراف می‌دهد. این فیلمساز پیشکسوت همچنین اظهار داشت که «دل نمی‌خواهد فیلم را در جشنواره فجر نشان دهد، به دلیل تسلیتی که به این همه آدم دارم، مردمی که مسافر بودند».

او مدعی شد که هیچوقت اهل شرکت در جشنواره فیلم «فجر» نبوده و سمت و سوی‌اش همیشه مردم هستند.

برخی منابع خبری سینما نوشتند، هومن سیدی بازیگر و کارگردان سینما، پیشنهاد دآوری این دوره از جشنواره «فیلم فجر» را نپذیرفته است. خبرگزاری تسنیم در واکنش به تحریم جشنواره‌های «فجر» این ادعا را مطرح کرد که تعدادی از اهالی سینما از جمله یک منتقد سینمایی در حال رایزنی با کارگردانان شرکت‌کننده در این دوره از این جشنواره هستند تا آنان را نسبت به تحریم جشنواره ترغیب کنند. هرچند با پذیرفته شدن پنج اثر تولیدشده توسط سازمان رسانه‌ای و فرهنگی «اوج» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط هیات انتخاب جشنواره امسال، سینماگران مستقل از ابتدا هم حضوری در این رویداد حکومتی نداشتند. بهمن فرمان‌آرا فیلمساز پیشکسوت پیشتر گفته بود، در پذیرش آثار «مهندسی» صورت گرفته است.

از دیگر سو، رسانه‌های تخصصی سینما، چون «کافه سینما» و «سینمافا» نیز اعلام کردند که در جشنواره‌ها سالن‌رسانه‌هایش حضور نخواهند داشت. کیوان ساکت نوازنده‌ی تار، موسیقیدان و آهنگساز با انتشار پیامی در صفحه اینستاگرام خود نوشت که «به نشانه همدلی با مردم داغدار و دستم‌زده» در هیچ‌یک از جشنواره‌های هنری فجر شرکت نمی‌کند.

او نوشت که «نه به عنوان هنرمند شرکت‌کننده، نه در مقام داور یا کارشناس مدعو و نه در نقش مخاطب و بیننده هیچیک از آثار» در جشنواره‌های حکومتی در بهمن‌ماه شرکت نخواهد کرد.

ارکستر موسیقی آرکو، حسام اینانلو، مانی جعفرزاده، ناصر نظر، هانا کامکار، کیابوش صاحب‌نسق، رضا پرویززاده، آرمان نوروزی، علی قمری، نیلوفر محبی، علی اصغر عرشاهی،

ارژنگ سیفی‌زاده و... نیز جشنواره موسیقی «فجر» را تحریم کردند. علیرضا قربانی خواننده نیز برنامه‌های کنسرت خود در دی‌ماه را لغو کرد و نوشت که مگر می‌شود دید و دم برنیارود؟! در این میان، انصراف گسترده و بی‌سابقه‌ی چهره‌های برجسته و استادان بنام هنرهای تجسمی از شرکت در جشنواره هنرهای تجسمی «فجر»، شوک بزرگ دیگری بر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهادهای فرهنگی و هنری «حکومت از جمله «انجمن هنرهای تجسمی انقلاب» وارد آورده است.

در این اقدام بی‌سابقه، ابراهیم حقیقی دبیر و کیانوش غریب‌پور مدیر هنری جشنواره هنرهای تجسمی «فجر» و دبیران و داوران بخش‌های نقاشی، تصویرگری، گرافیک، مجسمه، عکس، سرامیک، عکس، کارتون، خوشنویسی از ادامه همکاری با این جشنواره سر باز زده‌اند.

ابراهیم حقیقی گرافیکست و دبیر انصرافی این جشنواره در اینستاگرامش نوشت که «در فضای تلخکامی و دروغ، ناتوانم از برگزاری جشنواره‌ای که قرار بود نشان شادمانی باشد و پیوند. چرا که شادمان نیستیم و نیستیم». کیانوش غریب‌پور هم ضمن اعلام این انصراف در صفحه اینستاگرام خود، کوتاه نوشت: «به طاقتی که ندارم، کدام بار کشم؟»

خبرگزاری تسنیم دبیران و داوران انصرافی جشنواره هنرهای تجسمی «فجر» را «معلوم‌الحال» نامید!

همبستگی کم‌نظیر هنرمندان و استادان هنرهای تجسمی که جامعه دست‌کم از دی ۹۶ به اینسو در انتظار آن بسر می‌برد و سرانجام در دی ۹۸ شاهد آن شد، واکنش‌های منفی رسانه‌های وابسته به حکومت از جمله خبرگزاری تسنیم را در پی داشت. تسنیم با تیتراژ «از آغوش باز جشن هنر شیراز تا تحریم جشنواره تجسمی فجر» از انصراف گروهی داوران انتقاد کرد و آنها را «افراد معلوم‌الحالی» خطاب کرد که «پیش از این نیز در آزمون وفاداری به آرمان‌های فجر انقلاب اسلامی مردود شده‌اند».

تسنیم همچنین انتقاد کرد که «چرا باید «مهنوش مشیری» که در کارنامه هنری خود سابقه همکاری با جریان هنری منحن رژیمل پهلوی را دارد، در ترکیب داوران دوازدهمین جشنواره تجسمی فجر حضور داشته باشد؟!»

مهنوش مشیری دبیر و عضو هاشمی شهرکی، علی خدایی و پیمان رحیمی‌زاده داوران حوزه تصویرگری این دوره از جشنواره، ضمن تسلیت و ابراز همدردی با بازماندگان «حوادث اخیر» اعلام کردند که «به دلیل تألمات روحی قادر به ادامه همکاری با جشنواره» نیستند.

اونیش امین‌اللهی، مهدی مهدیان، علی باقری، مهدی فاتحی دبیر و داوران بخش گرافیک جشنواره «فجر» نیز با انتشار بیانیه‌ای از همکاری با این جشنواره انصراف داده و نوشتند که «در شرایط فعلی نه تاب ادامه دادن داریم و نه توان خاموش نگرستن».

دبیر و داوران این بخش از جشنواره تجسمی «فجر» از کسانی که در این مدت به خاطر آنها در این جشنواره شرکت کرده بودند، پوزش خواستند و برای ایران روزهای بهتری را آرزو کردند. کیارنگ علایی عضو هیات داوران بخش عکس جشنواره تجسمی «فجر» در صفحه اینستاگرام خود از انصراف، رومین محتشم و سیف‌الله صمدیان، شهریار توکلی و خودش از مشارکت در این جشنواره خبر داد و نوشت: «در همدلی با قربانیان فاجعه اخیر و درک شرایط اجتماعی و حال عمومی جامعه انسانی و فرهنگی، ما، دبیر و هیات داوران...» «به عنوان هنرمندانی مستقل که با هدف تداوم فعالیت‌های فرهنگی و هنری این مسئولیت را پذیرفته بودیم، از ادامه همکاری با این رویداد معذوریم و ضمن تشکر از عکاسان شرکت‌کننده، تأثر و همدلی عمیق خود را با مردم داغدار ایران اعلام می‌کنیم، چرا که همواره و در هر شرایطی مسائل انسانی بر فعالیت‌های هنری ارجحیت دارد.»

«مگر جمهوری اسلامی تا دهه فجر ۱۳۹۸

پابرجاست که من مسئولیت بپذیرم؟» محمدحسین نیرومند گرافیکست «انقلابی» در واکنش به موج گسترده‌ی تحریم جشنواره «فجر» از سوی هنرمندان در گفتگویی با خبرگزاری «مهر»، انصراف از جشنواره «فجر» را سیاسی و نه انسانی خوانده است.

وی این اقدام دبیران و داوران این جشنواره را درس عبرتی برای «مدیریت هنری کشور» خواند که «به کسانی اعتماد کنند که حداقل فجر انقلاب اسلامی را باور دارند یا عنادی با آن ندارند».

نیرومند به نقل از یکی از مسئولان جشنواره گفت: «سال گذشته با یکی از مدیران هنری جلسه‌ای داشتیم و آن مدیر هنری می‌گفت «از مدیر یکی از تشکل‌های هنری برای مسئولیت دبیری یک جشنواره فجر کمک خواستیم که آن هنرمند بیان کرده بود، مگر جمهوری اسلامی تا دهه فجر ۱۳۹۸ پابرجاست که من مسئولیت بپذیرم؟» این موضوع بسیار دردناک است.

معلوم نیست مدیریت هنری کشور به کدام سو می‌رود و چه تفکری دارد و چرا به این جماعتی که جمهوری اسلامی را باور ندارند، امید بسته است!»

تحریم جشنواره‌های «هنری فجر» توسط اهالی تئاتر نیز به شکل وسیعی صورت گرفته است. ۱۰۰ هنرمند اهل مشهد در قالب سه گروه نمایشی «آدیداس»، «جانی سکیکی»، و «خدای جنگ»، با ابراز همدردی با مردم داغ‌دیده ایران از حضور در جشنواره «فجر» انصراف دادند.

همچنین، ده‌ها گروه تئاتر مستقل، نویسندگان و بازیگران تئاتر تا کنون از تحریم این جشنواره خبر داده‌اند از جمله گروه نمایش «پروانه الجزایری» (سعید حسنلو)، «کبک» (ارش دادگر)، «همان چهاردقیقه» (صابر ابر)، «شک» مهدی کوشکی، «روایت فرزانه» (محمد حسین زیکساری)، «شوق شب» (امیر نجفی)، «آواز قو» (پریزاد سیف)، «من» (سیاوش پاکراه)، «کرونوس» (امیر نجفی)، «آن دیگری» (سمانه زندی‌نژاد)، «در اتاق باد می‌وزد» (سجاد تابش) «قصر موروثی خاندان فرانکشتاین» (آتیلا پسیانی).

کانون روابط عمومی و تبلیغات تئاتر «خانه تئاتر» هم با انتشار بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن این فاجعه انسانی و ابراز همدردی با خانواده‌های کشته‌شدگان از جامعه هنری خواست تا در محکومیت این فاجعه شنیع با مردم همصدا باشند. امین عظیمی مدیر ارتباطات، آموزش و پژوهش تئاتر شهر نیز از سمت خود کناره‌گیری کرد.

علاوه بر این، همراه با تجمعات اعتراضی گسترده‌ی مردم در تهران و شهرهای دیگر علیه نظام حاکم و انتقاد از سیاست‌های مردم‌ستیز این حکومت، هنرمندانی از جمله جعفر پناهی، هدیه تهرانی، رضا درمیشیان، پرستو صالحی در تجمع اعتراضی در مقابل دانشگاه پلی‌تکنیک (امیرکبیر) شرکت کردند و یاد کشته‌شدگان هواپیمای اوکراینی را گرامی داشتند.

صدها تن از چهره‌های هنری و فرهنگی نیز با انتشار پست‌هایی در فضای مجازی به انتقاد از سیستم حاکم پرداخته و با خانواده‌های کشته‌شدگان ابراز همدردی کردند. همچنین شامگاه دیروز، صبارا و زهرا خاتمی، در پستی اینستاگرامی از قطع همکاری خود با صداوسیما جمهوری اسلامی خبر دادند.

صبا راد در پست اینستاگرامی خود نوشت: «این روزها می‌خواهیم دلمان گرم شود نه سرما... ضمن تشکر از حمایت‌های بی‌وقفه شما مردم عزیز در تمام سال‌های فعالیتیم، از این طریق اعلام می‌کنم پس از ۲۱ سال کار در رادیو و تلویزیون، قادر به ادامه فعالیت در رسانه نیستیم. دیگر نمی‌توانم...»

حسن سلطانی مجری برنامه «تفسیر سیاسی روز» درباره تحریم سیمای حکومت توسط این مجریان به تسنیم گفت: «لازم است این مجریان بدانند تلویزیون لنگ آدم‌ها نمی‌ماند. به هر حال تشخیص داده‌اند که بروند و نباشند؛ ببینیم به کجا می‌رسند!»

از تولد تا اشتغال

● جناب انصاری، شروع کنیم با سؤالی که مرسوم است به‌عنوان فتح باب. اندکی از سوابق زندگی، خانواده، تحصیلات، جوانی خودتان بگوئید و بعد بپردازیم به چگونگی ورودتان به کارهای دولتی.

- پدرم سرهنگ محمدحسین انصاری بود که در بیست و شش‌سالگی در بجنورد کشته شد، در سال ۱۳۰۴ یعنی همان سالی که من به دنیا آمدم. مادرم نیز دختر سرتیپ احمدخان شیرلو بود که در آن زمان فرمانده ارتش در کرمانشاه بود.

پدرم به‌نوبه خود در کودکی پدرش را از دست می‌دهد و تحت سرپرستی دایی‌اش سرلشکر محمود انصاری (امیراقتدار) قرار می‌گیرد، با بچه‌های او به مدرسه می‌رود، وارد ارتش می‌شود، به درجه سرهنگ دومی می‌رسد و مأموریت پیدا می‌کند به خراسان. مقدمات ازدواج او در تهران فراهم می‌شود و در حالی که داماد در مشهد بوده و پدر عروس در کرمانشاه، عروس را سوار کالسکه می‌کنند و همراه تعدادی تفنگچی می‌فرستند به مشهد. آنها هفت ماه در کنار هم زندگی می‌کنند و پدرم برای مأموریتی به بجنورد می‌رود و در جریان درگیری با ترکمن‌ها به شهادت می‌رسد. بنابراین مادرم برمی‌گردد به تهران و در خانه پدرش به سرپرستی من ادامه می‌دهد.

نکته قابل ذکر این که مردان خانواده ما همه ارتشی بودند. پدرم، پدر بزرگم، اقوام پدری و مادری و تقریباً همه کسانی که می‌شناختم، غلش هم این بود که اجداد من از مهاجران قفقاز بودند. از ایرانیانی که قبل از جنگ‌های ایران و روس سرکردگان طوایف و ایلات مناطق قره‌باغ و ایروان و نخجوان بودند و پس از آن که هفده شهر قفقاز به تصرف روسها درآمد، حاضر نشدند زیر بیرق روس زندگی کنند، به این سوی ارس، مهاجرت کردند و چون مردان جنگ‌دیده‌ای بودند و تا اندازه‌ای هم به زبان روسی آشنایی داشتند، وارد سازمان ارتشی ایران شدند که در آن زمان قزاقخانه نامیده می‌شد و اکثراً به درجات بالای نظامی رسیدند. بعد از تشکیل ارتش نوین، اعلیحضرت رضاشاه که از همان دوران آنها را می‌شناخت مناصب و مقامات لشکری و کشوری برایشان در نظر گرفت. مثلاً در سال ۱۳۰۰ یعنی چند ماهی پس از کودتای سوم حوت، وقتی سردار سپه کلنل کاظم خان سیاح را از فرمانداری نظامی تهران برکنار کرد، جای او را به سرتیپ محمودخان انصاری (امیراقتدار) سپرد و بعد هم سرلشکر انصاری در کابینه سردار سپه وزیر پست و تلگراف و متعاقباً وزیر کشور شد.

محل زندگی ما در دوران کودکی و نوجوانی منطقه امیریه و خیابان شاهپور و بازارچه آقا شیخ هادی و اطراف چهارراه حسن آباد بود. تقریباً تمام فامیل ما در آن محدوده می‌زیستند و چون خانه‌هایمان نزدیک به هم بود ما هم رفت و آمد زیاد و معاشرت دائمی داشتیم. در محیطی که از آن یاد می‌کنم دو خصوصیت چشمگیر وجود داشت. یکی احساس شدید وطنپرستی بود و یکی هم قناعت و سادگی زندگی سربازی. مردمانی بودند بسیار متعصب نسبت به مسائل میهنی و شاعر ملی و کم‌اعتنا به تجملات و تشریفات. می‌توانم بگویم این محیط در روحیه من تأثیر عمیقی باقی گذاشت و از این بابت شکرگزارم. به‌هر حال کودکی من در منزل پدر بزرگم گذشت و تحصیلات ابتدایی را در دبستان شرف آغاز کردم که از همکلاسانم در آنجا منوچهر نیکپور بود و ما دو تن که کوچکترین شاگردان کلاس بودیم کنار هم، در صف جلو می‌نشستیم.

دوران دبیرستان را در مدارس شرف، فیروزبهرام و البرز گذراندیم و از دبیرستان البرز در رشته علمی دیپلم گرفتیم. منوچهر کلالی که بعدها در کارهای سیاسی کشور نقش مهمی پیدا کرد و وزیر مشاور و دبیر کل حزب ایران نوین شد، در دبیرستان البرز با من همکلاس بود. هر دو در سال آخر دبیرستان معدل ۱۵/۱۷ گرفتیم و متفکراً نفر دوم امتحانات نهائی در تهران شدیم. شاگرد اول تهران هم از همکلاسان ما بود.

یادتان می‌آید کی بود؟

- پسر جوانی بود به‌نام تقوی، اهل شیراز بود و خیلی خوب درس می‌خواند. برادرش هم در ششم طبیعی شاگرد اول شد. آنها خودشان در تهران بودند و پدر و مادرشان در شیراز. هیچ کاری نداشتند جز درس خواندن. ما مثل بقیه ورزش می‌کردیم، بازی می‌کردیم ولی آنها فقط درس می‌خواندند و شاگرد اول شدند.

● آن زمان رئیس مدرسه البرز دکتر مجتهدی بود یا هنوز مجتهدی نیامده بود؟

- دکتر مجتهدی معلم جبر ما بود. رئیس مدرسه دکتر لطفعلی صورتگر بود. دکتر مجتهدی بعداً رئیس دبیرستان البرز شد. بعد از دوره دبیرستان ابتدا تصمیم داشتیم بروم به دانشکده فنی اما به دلایلی منصرف شدم. رشته‌های تحصیلی در آن زمان محدود بود و مثل امروز دانشگاهها و دانشکده‌های متعدد وجود نداشت. بعد خواستیم طب بخوانیم که مادرم مخالف بود و چون آب و ملکی داشتیم تشویق شدم بروم به دانشکده کشاورزی.

= بستگان شما، همانطور که اشاره کردید، عموماً نظامی بودند. شما احساس علاقه به ورود در ارتش نمی‌کردید؟

- بده‌بچه‌ها. کارهای نظامی برایم جاذبه‌ای نداشت. از همان دوران کودکی به کتاب علاقه داشتم و ترجیح می‌دادم بیشتر وقت را صرف کتاب خواندن کنم. بچه‌های فامیل که با من هم‌دوره بودند اغلبشان به مدرسه نظام رفتند ولی من بالاخره وارد دانشکده کشاورزی شدم.

● یعنی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران را گذراندید و از آنجا لیسانس گرفتید؟

- بله، در آن زمان به لیسانس‌های دانشکده کشاورزی عنوان مهندسی می‌دادند و به همین دلیل است که هنوز هم بعضی‌ها به من می‌گویند مهندس انصاری. دانشکده کشاورزی را که تمام کردم دیدم آن چیزی نیست که بخواهم آینده‌ام را بر پایه آن بنا کنم. رفتم به دانشکده حقوق و همان وقت هم وارد خدمت دولت شدم. فارغ‌التحصیلان دانشکده کشاورزی اکثرشان در صورتی که می‌خواستند وارد بخش دولتی شوند می‌رفتند به وزارت کشاورزی. دوست هم‌دوره من، امیرحسین امیرپرویز، که بعدها مدیر کل و معاون وزارت کشاورزی و در کابینه مهندس شریف امامی وزیر شد، از این جمله بود، ولی من رفته به وزارت کار. وزارت کار تازه تأسیس شده بود و به آن می‌گفتند محمودخان انصاری چون امور تبلیغات بعد هم سرلشکر انصاری در کابینه سردار سپه وزیر پست و تلگراف و متعاقباً وزیر کشور شد.

محل زندگی ما در دوران کودکی و نوجوانی منطقه امیریه و خیابان شاهپور و بازارچه آقا شیخ هادی و اطراف چهارراه حسن آباد بود. تقریباً تمام فامیل ما در آن محدوده می‌زیستند و چون خانه‌هایمان نزدیک به هم بود ما هم رفت و آمد زیاد و معاشرت دائمی داشتیم. در محیطی که از آن یاد می‌کنم دو خصوصیت چشمگیر وجود داشت. یکی احساس شدید وطنپرستی بود و یکی هم قناعت و سادگی زندگی سربازی. مردمانی بودند بسیار متعصب نسبت به مسائل میهنی و شاعر ملی و کم‌اعتنا به تجملات و تشریفات. می‌توانم بگویم این محیط در روحیه من تأثیر عمیقی باقی گذاشت و از این بابت شکرگزارم. به‌هر حال کودکی من در منزل پدر بزرگم گذشت و تحصیلات ابتدایی را در دبستان شرف آغاز کردم که از همکلاسانم در آنجا منوچهر نیکپور بود و ما دو تن که کوچکترین شاگردان کلاس بودیم کنار هم، در صف جلو می‌نشستیم.

دوران دبیرستان را در مدارس شرف، فیروزبهرام و البرز گذراندیم و از دبیرستان البرز در رشته علمی دیپلم گرفتیم. منوچهر کلالی که بعدها در کارهای سیاسی کشور نقش مهمی پیدا کرد و وزیر مشاور و دبیر کل حزب ایران نوین شد، در دبیرستان البرز با من همکلاس بود. هر دو در سال آخر دبیرستان معدل ۱۵/۱۷ گرفتیم و متفکراً نفر دوم امتحانات نهائی در تهران شدیم. شاگرد اول تهران هم از همکلاسان ما بود.

● یعنی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران را گذراندید و از آنجا لیسانس گرفتید؟

- بله، در آن زمان به لیسانس‌های دانشکده کشاورزی عنوان مهندسی می‌دادند و به همین دلیل است که هنوز هم بعضی‌ها به من می‌گویند مهندس انصاری. دانشکده کشاورزی را که تمام کردم دیدم آن چیزی نیست که بخواهم آینده‌ام را بر پایه آن بنا کنم. رفتم به دانشکده حقوق و همان وقت هم وارد خدمت دولت شدم. فارغ‌التحصیلان دانشکده کشاورزی اکثرشان در صورتی که می‌خواستند وارد بخش دولتی شوند می‌رفتند به وزارت کشاورزی. دوست هم‌دوره من، امیرحسین امیرپرویز، که بعدها مدیر کل و معاون وزارت کشاورزی و در کابینه مهندس شریف امامی وزیر شد، از این جمله بود، ولی من رفته به وزارت کار. وزارت کار تازه تأسیس شده بود و به آن می‌گفتند محمودخان انصاری چون امور تبلیغات بعد هم سرلشکر انصاری در کابینه سردار سپه وزیر پست و تلگراف و متعاقباً وزیر کشور شد.

محل زندگی ما در دوران کودکی و نوجوانی منطقه امیریه و خیابان شاهپور و بازارچه آقا شیخ هادی و اطراف چهارراه حسن آباد بود. تقریباً تمام فامیل ما در آن محدوده می‌زیستند و چون خانه‌هایمان نزدیک به هم بود ما هم رفت و آمد زیاد و معاشرت دائمی داشتیم. در محیطی که از آن یاد می‌کنم دو خصوصیت چشمگیر وجود داشت. یکی احساس شدید وطنپرستی بود و یکی هم قناعت و سادگی زندگی سربازی. مردمانی بودند بسیار متعصب نسبت به مسائل میهنی و شاعر ملی و کم‌اعتنا به تجملات و تشریفات. می‌توانم بگویم این محیط در روحیه من تأثیر عمیقی باقی گذاشت و از این بابت شکرگزارم. به‌هر حال کودکی من در منزل پدر بزرگم گذشت و تحصیلات ابتدایی را در دبستان شرف آغاز کردم که از همکلاسانم در آنجا منوچهر نیکپور بود و ما دو تن که کوچکترین شاگردان کلاس بودیم کنار هم، در صف جلو می‌نشستیم.

دوران دبیرستان را در مدارس شرف، فیروزبهرام و البرز گذراندیم و از دبیرستان البرز در رشته علمی دیپلم گرفتیم. منوچهر کلالی که بعدها در کارهای سیاسی کشور نقش مهمی پیدا کرد و وزیر مشاور و دبیر کل حزب ایران نوین شد، در دبیرستان البرز با من همکلاس بود. هر دو در سال آخر دبیرستان معدل ۱۵/۱۷ گرفتیم و متفکراً نفر دوم امتحانات نهائی در تهران شدیم. شاگرد اول تهران هم از همکلاسان ما بود.

● یعنی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران را گذراندید و از آنجا لیسانس گرفتید؟

- بله، در آن زمان به لیسانس‌های دانشکده کشاورزی عنوان مهندسی می‌دادند و به همین دلیل است که هنوز هم بعضی‌ها به من می‌گویند مهندس انصاری. دانشکده کشاورزی را که تمام کردم دیدم آن چیزی نیست که بخواهم آینده‌ام را بر پایه آن بنا کنم. رفتم به دانشکده حقوق و همان وقت هم وارد خدمت دولت شدم. فارغ‌التحصیلان دانشکده کشاورزی اکثرشان در صورتی که می‌خواستند وارد بخش دولتی شوند می‌رفتند به وزارت کشاورزی. دوست هم‌دوره من، امیرحسین امیرپرویز، که بعدها مدیر کل و معاون وزارت کشاورزی و در کابینه مهندس شریف امامی وزیر شد، از این جمله بود، ولی من رفته به وزارت کار. وزارت کار تازه تأسیس شده بود و به آن می‌گفتند محمودخان انصاری چون امور تبلیغات بعد هم سرلشکر انصاری در کابینه سردار سپه وزیر پست و تلگراف و متعاقباً وزیر کشور شد.

طرف تشکیل مجلس موسسان و قانون اساسی پیش رفت. ولی همه اینها یک روند است که باید در نظر بگیریم و برایش آماده باشیم. مسئله فقط سر رفتن این رژیم نیست بلکه پس از این رژیم مهم‌تر است که چگونه خواهد بود. در ۵۷ همین بود که فقط شاه، پدر من، برود تا بعد ببینیم! درواقع شما در این معادله در سمت درست ایستاده‌اید. قرار نیست شما دخالت کنید بلکه فقط حمایت کنید! از مردم حمایت کنید در مقابل این رژیم که یک ملت را زندانی کرده! باید گام برداشت به سوی این هدف. ما به عنوان ایرانی داریم کار خودمان را انجام می‌دهیم. خودم در تمام سال‌های گذشته گفتگوهای زیادی داشتم با مردم با افراد متخصصی با توانمندی‌های مدیریتی؛ با آنها صحبت کردم و آنها می‌توانند فضا را پر کنند. ایرانیان در داخل و در خارج کشور این دوران گذار را پر خواهند کرد هم برای نشان دادن به دنیا و هم به عنوان مشوق مردم که این رژیم به پایان خود رسیده. ما پیشنهادات مشخصی هم داریم. موضوع ما فقط رفتن این رژیم نیست بلکه برنامه داریم ولی دنیا می‌بایست به مردم ایران کمک کند و به دوران انتقال هم کمک کند.

● یک پرسش از طرفداران شما رسیده: چرا فراخوان اعتراض و اعتصاب همگانی نمی‌دهید؟

اعتصاب همگانی زمانی اتفاق می‌افتد که توانایی ما افزایش یافته باشد. واقعیت این است که مدیریت کوتاهمدت کارزارهای روزانه را داریم. اما منابع در داخل کشور و همچنین منابع مالی نداریم. زمانی می‌توانیم فراخوان همگانی بدهیم که همه مطمئن باشند که تأمین مالی می‌شوند و وقتی اعتصاب می‌کنند خانواده‌های آنها در نمی‌مانند. سخت است که بخواهیم مردم زندگی خود را به خطر بیندازند بدون آنکه زندگی آنها تأمین باشد. ولی این شرایط هم نمی‌تواند همینطور ادامه پیدا کند و در نهایت به حد بحرانی خود خواهد رسید. برای رسیدن به آن مرحله انتقالی، جامعه مدنی در بخش‌های مختلف بسیار خوب عمل می‌کند و با توجه به شرایط موجود آنها باید ارتباطات خودشان را داشته باشند و مثلاً اگر اطلاع‌رسانی و اینترنت دوباره قطع شود، رسانه‌های اجتماعی باید بتوانند به عنوان یک عامل اساسی برای هماهنگی و اقدامات تاکتیکی و روزانه عمل کنند. ما گفتگوهای ابتدایی با برخی دولت‌ها داشتم که علاقمند به کمک در این زمینه هستند ولی به عهده متخصصان می‌گذارم که ببینند چه کارهایی باید انجام بشود. موضوع دیگر گفتگو آیین نیروهای مختلف است که باید پیش برده شود.

● یک پرسش دیگر از طرف مخاطبان: آیا از یک شورای مشروطه یا قانون اساسی مشروطه حمایت می‌کنید؟

یکی از پرسش‌هایی که در سال‌های اخیر زیاد مطرح شده این است که چرا دولت در تبعید تشکیل نمی‌دهیم. این کار عملی نیست چون کشورهای دیگر اول باید آن حکومت در ایران را به رسمیت شناسند تا بعد بتوانند ما را به رسمیت بشناسند! این دولت در تبعید بر اساس کدام مبانی و بر چه اساسی مشروعیت پیدا می‌کند؟ ما باید هماهنگی داشته باشیم؛ دستور کار و برنامه‌ی مشترکی داشته باشیم که مردم ایران از نخله‌های مختلف فکری و سیاسی در آن قرار بگیرند. پروسه تدوین قانون اساسی باید در ایران اتفاق بیفتد و انتخابات باید در ایران و پس از این رژیم باشد؛ گروه یا دولت انتقالی و یا شورای گذار مسئولیت این را دارد که ببیند چه کسانی می‌توانند کارها را انجام بدهند و پس از آن بتوانند مقدمات انتخابات آزاد را فراهم بکنند. کارهای ابتدایی انجام شده. ممکن است مرحله‌ی انتقال چند سال، یک یا سه سال طول بکشد ولی بر اساس کدام قوانین؟ قوانین این رژیم؟ یا می‌توانیم به قوانینی برگردیم که پیش از این رژیم بوده؟ نیروی انتظامی چی؟ آنها باید امنیت را حفظ بکنند. این دولت گذار باید مطمئن باشد که یک قدرتی نظامی امنیت کشور را حفظ می‌کند. و تازه در آنموقع نقش احزاب سیاسی هست و فرآیندومی که شکل نظام بعدی را تعیین می‌کند و بعد انتخابات پارلمانی و پس از آن نخستین دولت با مشارکت احزاب سیاسی شکل می‌گیرد.

● ادامه در صفحه ۱۷



شاهزاده رضا پهلوی و مایکل دوران در بخش پرسش و پاسخ نشست موسسه هادسن

ببینیم که چقدر و تا کی می‌خواهید برای دیپلماسی تلاش بکنید که تا حالا هیچ نتیجه‌ای از آن نگرفتید؟! چند سال دیگر؟! آیا هنوز معلوم نشده که این رژیم صداقت ندارد و حتا حاضر است مردم را هم قربانی بکند؟! این پیام شما درباره مذاکره با رژیم ایران به مردمی که می‌خواهند خود را از شر آن آزاد کنند، اصلاً مشوق مردم نیست بلکه آنها را دلسرد می‌کند. الان وقت آن رسیده که برای تغییر رژیم تلاش کرد؛ به کاری به غیر از تغییر رژیم بپیووده است! گفتگو باید با مردم ایران انجام بگیرد. اجازه بدهید مردم به شما پیشنهاد بدهند که چه بکنید. ما ارزش‌های مشترک داریم و باید اجازه داد که مردم هم در این راهکارها نقش داشته باشند. آیا هیچ کشوری بدون توجه به منافع ملی خودش می‌تواند ضمانت بدهد که با دیگران صحبت بکند؟! رژیم‌ها می‌آیند و می‌روند ولی مردم می‌مانند. ما دیگر در قرن بیستم نیستیم. دنیا عوض شده و مردم در قرن بیست و یکم نمی‌نشینند که بقیه برای آنها تصمیم بگیرند. مردم، ما را می‌شنوند و حمایت معنوی کافی نیست. آنها می‌خواهند در تنهایی رها نشوند؛ به اسم مذاکره کشته نشوند! دولت آمریکا اگر واقعا می‌خواهد به طرف تنش‌زدایی برود، بهترین راه این است که به این رژیم اعتماد نکند! باور کنید که در میان نیروهای نظامی هر روز بیشتر می‌خواهند به مردم بپیوندند. اگر شما به دنبال جنگ و خشونت نیستید باید کشته شدن مردم ایران را کاهش بدهید! هیچکس به دنبال جنگ نیست. مردم، راه حل هستند. مشکل، این رژیم است.

● یک موضوع دیگر این است که برخی در دولت ترامپ با نگرانی به اوضاع نگاه می‌کنند. آنها نگرانند که مبادا دولت گرفتار درگیری و مسئولیت‌های سیاسی در کشور دیگری بشود که اصلاً ربطی به ما ندارد ولی برایش کشته بدهیم!

در عراق و افغانستان درواقع دخالت خارجی بود که این اوضاع را به وجود آورد. مردم ایران دنبال دخالت شما نیستند بلکه خواهان تغییر سیاست خارجی شما هستند! کمک می‌خواهند ولی در عین حال نمی‌خواهند وارد بازی‌های حزبی کشورهای دیگر بشوند. سیاست دو حزب در کشور شما سیاست داخلی آمریکاست و مردم ایران نمی‌خواهند وارد این رقابت‌ها بشوند!

● امیدوارم دمکرات‌ها این حرف‌ها را شنیده باشند! آخنده حاضران! شما چه توقعی دارید؟ چون جمهوری اسلامی به آسانی کنار نمی‌رود.

با توجه به اتفاقاتی که در رژیم‌های خودکامه و اقتدارگرا در زمان فروپاشی روی می‌دهد در لحظات حساس تاریخی، در کشورهای گوناگون، فردی که مردم را سرکوب می‌کند چگونه و چقدر می‌تواند دوام داشته باشد؟! فقط می‌تواند سرکوب کند آنهم بدون توجه به پیامدایش. ولی آنها هم سرانجام به این نتیجه می‌رسند که دیگر فایده ندارد. خنامه‌ای هم فهمیده که مردم علیه‌اش شعار می‌دهند و می‌خواهند این نظام نباشد. شاید معجزه بشود و آنها در سایه یک مذاکره کمی بیشتر دوام بیاورند ولی ما به لحظات پایانی رسیده‌ایم و تنها راه برای رسیدن به آینده‌ی بهتر این است که راه حل داشته باشیم و مردم و دنیا بدانند که این یک روند است و برای رسیدن به مشکلات و مسائل جامعه باید به

سر نوشت خودشان حاکم بشوند و ما الان نزدیک به این هدف هستیم ولی احتیاج به کمک و حمایت داریم. مردم باید بدانند در پایان این تاریکی به نور خواهند رسید و اگر بدانند که حمایت می‌شوند به مبارزه ادامه خواهند داد.

● نقش شما چیست؟ شما نقش خودتان را در آینده و این سال‌های پایانی رژیم جمهوری اسلامی چطور می‌بینید؟

با توجه به اعتمادی که مردم به من دارند تمام تلاش خود را به کار گرفتم که هماهنگی بین مردم ایجاد کنم. ما یک دستور کار و هدف داریم: آزادی کشورمان! بعد می‌توانیم بنشینیم و مشکلاتمان را حل کنیم. تنها راه برای اینکه بدانیم مردم چه می‌خواهند، صندوق رأی هست! تا آزاد نباشیم حرف بزنیم چطور می‌خواهیم مشکلات را حل کنیم؟! ما باید انتخابات را برنامه‌ریزی کنیم و صندوق رأی داشته باشیم تا بدانیم مردم چه می‌خواهند ما هرگز انتخابات آزاد نداشتیم. وقت آن رسیده که بپیوندیم به قرن بیست و یکم!

ایرانیان وقتی این رژیم و این دیکتاتوری را به چالش می‌کشند باید صدای آنها شنیده شود و به آن پاسخ داده شود. یکی از کارهایی که از من خواستند این هست که صدای آنها را به دنیا برسانم و تا جایی که می‌توانم حمایت جهان را جلب کنم و آن را در خدمت اهداف و آرزوهای آنها قرار بدهم. ما ممکن است اعتقادات مختلف داشته باشیم ولی باید یک برنامه ملی داشته باشیم و تفکرات گروهی و سیاسی را کنار گذاشته و مطابق آن برنامه عمل کنیم. ما پیشینه تاریخی و تمدن قدیمی داریم ولی باید یک چشم‌اندازی داشته باشیم و به سوی آینده حرکت کنیم. و این فقط با گفتگوی ملی اتفاق می‌افتد و این زمانی ممکن است که سرکوب ایده‌ها نباشد و در جامعه آزادی باشد.

ممکن است کسانی توانایی مردم را قبول نداشته باشند ولی آنها باید این بخت را داشته باشند که شانس خود را امتحان کنند. باید گذاشت که آنها برای خودشان تصمیم بگیرند

● وقتی خبر برگزاری این جلسه اعلام شد، خیلی پیام گرفتیم. خیلی‌ها سپاسگزاری کردند و برخی نیز مثلاً از مجاهدین یا از گروه‌های قومی گفتند که شما نماینده آنها نیستید! یا اینها چه صحبتی دارید؟

آنچه من می‌گویم برای من و درباره من نیست! من فقط پیام‌رسان هستم و پیام مردم را می‌رسانم...

● برداریم به قدرت‌های خارجی؛ فکر می‌کنم مهم است که گفتید دولت ترامپ الان دیگر نباید مذاکره کند. پس چه بکنند؟ شما چه انتظاری دارید؟

در تمام چهل سال گذشته در میان تمام دولت‌های آمریکا چه دمکرات و چه جمهوریخواه، این اولین دولتی است که بیشتر از همه به مردم ایران واکنش نشان داده و بین مردم و رژیم تفاوت قائل شده. همیشه ممکن است نسبت به تغییر رژیم حساسیت وجود داشته باشد. ولی شما می‌خواهید ملتی به آزادی برسد. بسیار عالی! چرا که دموکراسی و لیبرالیزه کردن کشورها، جهان را امن‌تر کرده است. ولی اصرار بر این شرایط موجود در ایران و این اقتدارگرایی و خودکامگی در تضاد هست با دموکراسی! البته که ما می‌دانیم دیپلماسی بهترین راهکار است ولی باید

در سال‌های گذشته رژیم از افراد غیرایرانی نیز برای سرکوب مردم ایران استفاده می‌کرد. چیزی که می‌تواند شکاف عمیق‌تری بین مردم و رژیم ایجاد کند این هست که نیروهای بسیج و سپاه به مردم بپیوندند. الان فرق کرده با ۱۹۹۷ اجنبش دانشجویی! و ۲۰۰۹ اجنبش سبز! نسل جدید ایران زیر بار این مسائل نمی‌رود. آنها می‌خواهند به طرف آزادی و مدرنیته بروند. رژیم منابع ملی را بجای مردم خرج نیروهای نیابتی می‌کند. رژیم نمی‌تواند مدعی شود که در چهل سال گذشته این موقعیت را نداشته که مثل یک رژیم عادی عمل کند! می‌بینید که مردم در خوزستان و سیستان و بلوچستان گرفتار سیل می‌شوند ولی این رژیم منابع کشور را خرج نیروهای نیابتی می‌کند. اگر قدرت در دست افراد شایسته قرار می‌داشت حتماً ایران جور دیگری می‌بود. اینها ایرانی نیستند. اینها خودشان را نماینده امت می‌دانند نه ملت! مردم ایران اما ملت هستند با هزاران سال تمدن و اقوام و ادیان مختلف که قرن‌ها در کنار هم زندگی کرده‌اند. این رژیم نماینده این ملت نیست. ایرانیان می‌خواهند از این زندان آزاد بشوند و به دنیا برگردند. ما می‌توانیم این روند را تسریع کنیم؛ اگر بخواهیم به پرسش شما پاسخ بدهم باید بگویم؛ ما شاهد پایان این رژیم هستیم. وقت آن رسیده که خامنه‌ای قدرت را رها کند و اجازه بدهد که مردم خودشان درباره سر نوشت خود تصمیم بگیرند. چقدر می‌خواهند آدم بکشند تا بمانند؟! وقت آنست که نیروهای نظامی به مردم ایران بپیوندند.

● شما گفتید که تفاوت وجود دارد بین نگاه اسلامی و امت با ملت؛ و شما می‌خواهید با امت باشید؛ و اشاره کردید به اعضای سپاه پاسداران و طرفداران رژیم که ریزش می‌کنند. من می‌دانم که حتا افراد بسیجی هم از چند سال پیش به دنبال خارج شدن از ایران بودند. شما چه پیشنهادی دارید؟ آنها که قلب‌شان با رژیم نیست ولی به خاطر معیشت مجبورند با آن باشند، چطور از آن جدا شوند؟

واقعیت این هست که آنها می‌توانند در رژیم آینده کار و زندگی بهتری داشته باشند. اروپای شرقی یا آفریقای جنوبی را در نظر بگیرید. کسانی که تصمیم می‌گیرند رژیم را سرنگون کنند، فرق نمی‌کند در کجا باشند، به حمایت جهان آزاد نیاز دارند. امروز سخت است که مردم ایران بعد از اینهمه مدت که زیر فشار این حکومت بودند، باز هم ببینند که کسانی می‌خواهند با این رژیم مذاکره بکنند! این برای مردم ایران قابل قبول نیست. مردم ایران می‌خواهند از شر این رژیم راحت بشوند. این رژیم همیشه اینطور بوده. شما می‌توانید اسب و شیر و حتا کوسه را رام کنید ولی دزدکی در دی‌ان‌ای آنهاست! این رژیم هم همینطور است؛ خشونت در سرشت آن است. خمینی وقتی به ایران برمی‌گشت گفت من هیچ احساسی ندارم! همان هیچی که خمینی گفت امروز دشمن رژیم شده چون مردم ایران با احساس هستند و کشورشان را دوست دارند. وقت آن رسیده این گفت‌وگو بپیووده. مذاکره و تغییر رفتار رژیم! تمام شود. جامعه آزاد باید با مردم ایران به گفتگو بنشیند. وگرنه هیچ تغییری پیدا نمی‌شود. مردم به فرد و رهبری خاصی احتیاج ندارند و خودشان می‌توانند بر

رضا پهلوی به کشورهای غربی می‌گوید: مردم ایران دنبال دخالت شما نیستند بلکه خواهان تغییر سیاست خارجی شما هستند!

می‌توان به بهترین شکل از مانورهای پریزیدنت ترامپ استفاده کرد؟ ایالات متحده برای دستیابی به بهترین نتایج هم برای خودش و هم برای مردم ایران چه راهکارهایی را باید در پیش بگیرد؟

در شروع نشست انستیتو هادسن، شاهزاده رضا پهلوی در سخنانی به شرایط امروز ایران و وضعیت جمهوری اسلامی اشاره کرد.

وی با اشاره به اینکه مدتی پیش، هنگامی که دعوت برای این نشست را دریافت کرد، نمی‌دانست برگزاری آن با چنین رویدادهای مهمی در ایران مصادف می‌شود، گفت: «نخستین بار است که پس از چهل سال می‌توانم در شرایطی حساس پیام خود را مستقیم به هم‌میهن‌انم برسانم.»

پس از سخنان رضا پهلوی، مایکل دوران پژوهشگر ارشد اندیشکده هادسن پرسش‌هایی را با وی مطرح کرد.

● احساس من درباره گزارش‌های اعتراضاتی که ماه نوامبر [آبان] در ایران اتفاق افتاد این بود که رسانه‌های غربی به اندازه کافی آن را پوشش ندادند. نظر شما چیست؟ -این همان پرسشی است که هر روز ایرانی‌ها می‌پرسند. مثلاً در پوشش تظاهرات [حکومتی] که پس از کشته شدن قاسم سلیمانی برگزار شد همینطور گزارش‌ها یکجانبه بود. مسئولیت بر شانه رسانه‌های آزاد هست. اگر شما از مردم و آزادی در گوشه و کنار دنیا مثلاً در هنگ کنگ و ونزوئلا حمایت می‌کنید همین کار را باید برای مردم ایران هم انجام بدهید. الان شرایط فرق کرده. شما اطلاعات زیادی از شبکه‌های اجتماعی دریافت می‌کنید. دوره‌ای نیست که بگویید اطلاعات کم است و نداریم! بلکه اطلاعات هست ولی پوشش داده نمی‌شود! ایرانی‌هایی که دست به اعتراض می‌زنند باید مطمئن باشند که گردش اطلاعات وجود دارد و این اقدامات شجاعانه‌ی آنها منعکس شده و گزارش داده می‌شود. رژیم با پارازیت جلوی خبررسانی را می‌گیرد و اینترنت را قطع کند به همین دلیل رسانه‌های آزاد نقش مهمی دارند.

● اینطور تبلیغ می‌شد که کشتن قاسم سلیمانی باعث اتحاد مردم در مقابل آمریکا شده. ولی می‌بینیم که اینطور نیست!

صحبت‌های زیادی در اینباره شده و ویدئوهای زیادی هست که نشان می‌دهد رژیم چطور عمل کرده و آن جمعیت را چطور اجارهای به خیابان آورده است. بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی هم تعداد زیادی مخالف به خیابان آمدند تعداد این ویدئوها زیاد است ولی پوشش داده نشده. مردم علیه رژیم مبارزه می‌کنند و این رژیم مردم را سرکوب می‌کند و دست به کشتار می‌زند. رژیم چهل سال است که نشان می‌دهد ایرانی نیست و چهره واقعی ایران چیز دیگریست. همین ماه گذشته ۱۵۰۰ نفر را در تظاهرات مسالمت‌آمیز قتل عام کرد.

● آیا واقعا به پایان جمهوری اسلامی رسیده‌ایم و یا ممکن هست که این رژیم لنگان لنگان ادامه بدهد؟ می‌بینیم که سرکوب مؤثر بوده. در چه مرحله‌ای هستیم؟ آیا ممکن است شاهد سال‌های بیشتری از حکومت جمهوری اسلامی باشیم یا این رژیم در سال ۲۰۲۰ ساقط می‌شود؟

● با توجه به اعتمادی که مردم به من دارند تمام تلاش خود را به کار گرفتم که هماهنگی بین مردم ایجاد کنم. ما یک دستور کار و هدف داریم: آزادی کشورمان! بعد می‌توانیم بنشینیم و مشکلاتمان را حل کنیم. تنها راه برای اینکه بدانیم مردم چه می‌خواهند، صندوق رأی هست! تا آزاد نباشیم حرف بزنیم چطور می‌خواهیم مشکلات را حل کنیم؟! این پیام شما درباره مذاکره با رژیم ایران به مردمی که می‌خواهند خود را از شر آن آزاد کنند، اصلاً مشوق مردم نیست بلکه آنها را دلسرد می‌کند. الان وقت آن رسیده که برای تغییر رژیم تلاش کرد؛ هر کاری به غیر از تغییر رژیم بپیووده است! گفتگو باید با مردم ایران انجام بگیرد. اجازه بدهید مردم به شما پیشنهاد بدهند که چه بکنید.

● البته که ما می‌دانیم دیپلماسی بهترین راهکار است ولی باید ببینیم که چقدر و تا کی می‌خواهید برای دیپلماسی تلاش بکنید که تا حالا هیچ نتیجه‌ای از آن نگرفتید؟! چند سال دیگر؟! آیا هنوز معلوم نشده که این رژیم صداقت ندارد و حتا حاضر است مردم را هم قربانی بکند؟! دولت آمریکا اگر واقعا می‌خواهد به طرف تنش‌زدایی برود، بهترین راه این است که به این رژیم اعتماد نکند! باور کنید که در میان نیروهای نظامی هر روز بیشتر می‌خواهند به مردم بپیوندند. اگر شما به دنبال جنگ و خشونت نیستید باید کشته شدن مردم ایران را کاهش بدهید! هیچکس به دنبال جنگ نیست. مردم، راه حل هستند. مشکل، این رژیم است.

مؤسسه هادسن یکی از اندیشکده‌های شناخته شده‌ی ایالات متحده آمریکا روز، چهارشنبه ۱۵ ژانویه ۲۰۲۰، میزبان شاهزاده رضا پهلوی با مضمون گفتگو درباره آینده‌ی ایران بود. این گفتگو بطور مستقیم توسط کانال یوتیوب همین اندیشکده در اینترنت و همچنین بخش فارسی صدای آمریکا و تلویزیون ایران اینترنت‌شال با ترجمه فارسی پخش شد. مایکل دوران پژوهشگر ارشد مؤسسه هادسن این نشست را اداره کرد و به طرح پرسش‌هایی پرداخت که مؤسسه هادسن پیش از این در وبسایت خود به آن اشاره کرده بود.

مؤسسه هادسن هفته پیش در خبر مربوط به اعلام این نشست نوشته بود: «مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی از درون خود ایران نیز به شدت ضربه خورده است. در ماه نوامبر موج دیگری از اعتراضات علیه رژیم در سراسر ایران گسترده شد. همه گروه‌های قومی و طبقات اجتماعی در تظاهرات‌هایی حضور داشتند که در نهایت با کشته شدن ۱۵۰۰ تن و بازداشت هزاران تن خاموشی گرفت. معترضان در سراسر کشور شعارهایی به سود رضا پهلوی فرزند محمدرضا شاه پهلوی سر می‌دادند.

رضا پهلوی برجسته‌ترین چهره مخالف جمهوری اسلامی بطور فزاینده به نماد اتحاد و همبستگی بین ایرانیانی تبدیل می‌شود که به دنبال جایگزینی رژیم فعلی با یک دموکراسی لیبرال و سکولار هستند. از همین رو او در موقعیت منحصر به فردی قرار دارد تا این مسیر سرنوشت‌ساز را روشن کند. آیا رضا پهلوی می‌تواند این مجموعه‌ی بی‌سابقه از چالش‌های تاریخی را که با آن روبروست مدیریت کند؟ چگونه

زنان شاخص

آشرف الملوك (فخرالدوله) (۱۳۳۴ - ۱۲۶۱)



آشرف الملوك (فخرالدوله) شاهزاده قاجار، دختر مظفرالدین شاه و سرور السلطنه، خواهرزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما، دخترخاله محمد مصدق و مادر علی امینی بود. او زنی با درایت و نیکوکار بود. فخرالدوله واسط بین رضا شاه و خاندان قاجار بود و با آرام نگاه داشتن ایل قاجار تلاش کرد تا از وقوع خونریزی‌ها جلوگیری کند.

فخرالدوله بنیانگذار نخستین مؤسسه تاکسیرانی در تهران بود. او قصد تأسیس یک مؤسسه بورس ملی را در ایران داشت که به علت فراهم نبودن شرایط موفق نشد. فخرالدوله سرپرستی تعدادی فرزند یتیم را برعهده گرفته بود و امکان تحصیل برای آنان فراهم کرده بود. در هنگام وفات او تعداد آنان ۲۸ تن بودند. فخرالدوله در اواخر عمر بر اثر از دست دادن پسرش حسین مرد و نیم داشت، مردش فخرالدوله، و نیم‌مردش آقا محمد خان بود.

میوه‌هایی که در دوران بارداری نباید خورد

بارداری بیش از ۹ ماه یک روند سخت اما شیرین است. هنگام تولد فرشته کوچک شما، تمامی ناراحتی و درد‌ها از بین می‌رود. برای اینکه بتوانید برای کودک خود بهترین مادر باشید، باید از سلامتی خود به خوب مراقبت کنید. زمان آن فرا رسیده است تا لیست بدترین میوه‌هایی که باید در دوران بارداری از آن اجتناب کنید، را ببایید.

۱- آناناس
آناناس یکی از میوه‌های خوشمزه و مغذی‌ای است که بسیاری از افراد خوردن آن را دوست دارند. آناناس فواید زیادی دارد. این میوه استخوان‌ها را قوی‌تر می‌کند. آناناس حاوی تقریباً ۷۰٪ منگنز است که بدن ما به آن نیاز دارد. این ماده نقش مهمی در رشد استخوان و بافت پیوندی ایفا می‌کند.

با این حال، برای زنان باردار، این میوه بد است زیرا حاوی برمیلین است. برمیلین یکی از مروج‌های انقباض رحمی، نرم شدن رحم، ایجاد درد شکم است و ممکن است باعث سقط جنین شود.

۲- خربزه تلخ
اگرچه خربزه تلخ برای سلامتی مفید است اما از نظر تغذیه‌ای ضعیف است بنابراین برای خانم‌های باردار مناسب نیست زیرا حاوی پروتئینی است که بر روی دستگاه تولید مثل تأثیر می‌گذارد.

همچنین مصرف خربزه تلخ، میتواند باعث کاهش قند خون در دوران بارداری شود. خربزه تلخ دارای محرک‌های رحم است و منجر به سقط جنین یا تولد زودرس می‌شود.

۳- لوتگان یا چشم‌ازدها
یکی از میوه‌های کم‌شناخته شده که در این لیست قرار دارد لوتگان یا چشم‌ازدهاست. لوتگان به دلیل عطر و بوی خاص و طعم شیرین یک میوه خوش طعم است. لوتگان نه تنها آب و فیبر زیادی برای بدن انسان فراهم می‌کند، بلکه حاوی ویتامین‌ها و مواد معدنی زیادی مانند ویتامین‌های A، C، پتاسیم، آهن، فسفر نیز هست.

با این حال، این میوه همچنین جزء میوه‌هایی است که زنان باردار نباید در دوران بارداری از آن بخورند. این امر به این دلیل است که زنان باردار اغلب بی‌بوست دارند و خوردن طولانی مدت آن باعث افزایش دمای داخلی بدن می‌شود، بنابراین پدیده بی‌بوست نیز بدتر می‌شود.

۴- میوه لیچی یا سرخالو
برخلاف لوتگان، میوه لیچی باعث افزایش درجه حرارت بدن نمی‌شود. با این حال، مشکل اینجاست که میزان قند این میوه خیلی زیاد است. این امر بر میزان کلسترول بدن تأثیر می‌گذارد، باعث اضافه

وزن یا ایجاد اثرات منفی بر روی زنان باردار مبتلا به دیابت می‌شود.

۶- آلو
آلو میوه بعدی است که می‌خواهیم در این لیست از میوه‌ها به آن اشاره کنیم تا در دوران بارداری از آن پرهیز کنیم. آلو جزو میوه‌هایی است که حاوی مقدار زیادی ویتامین A است، بنابراین اگر بعد از خوردن آلو به زنان باردار مقدار زیادی کاروتن داده شود که برای چشم آن‌ها مفید است. با این حال، مانند میوه لیچی و لوتگان، آلو می‌تواند درجه حرارت بدن را افزایش دهد. بنابراین، اگر باردار هستید، محدودیت در خوردن آلو ضروری است.

۷- هلو
مصرف هلو برای زنان باردار بی‌خطر است. تنها نگرانی این است که بیش از حد از آن میل نکنند تا از افزایش قند خون جلوگیری شود.

۸- پاپایا سبز
محققان آزمایشاتی روی موش‌ها در هند انجام داده‌اند. آن‌ها به موش‌های باردار اجازه می‌دهند میوه‌های مختلفی بخورند و در آخر نتایج نشان داد که پاپایا سبز باعث سقط جنین می‌شود. هنگام آزمایش ماده (پاپین، PLE) که در پاپایا سبز موجود در رحم موش بود، نتایج نشان داد که در چرخه‌های مختلف تحریک‌پذیری و باروری، PLE باعث انقباضات رحمی می‌شود و این اثر در مراحل بعدی بارداری افزایش می‌یابد.

۹- ساپادیل
ساپادیل میوه‌ای بزرگ است و خرابی‌های نرم دارد. میوه‌ای شیرین و کمی ترش است، دانه‌های آن قهوه‌ای تیره هستند. خوردن بیش از حد ساپادیل می‌تواند منجر به حالت تهوع و استفراغ شود. زنان باردار (به ویژه افرادی که فشار خون بالا دارند) باید این میوه را محدود کنند.

مصرف مکرر ساپادیل ممکن است عامل عفونت‌های قارچی و مخمر در بدن باشد.

۱۰- زنجبیل و فلفل
وزن یا ایجاد اثرات منفی بر روی زنان باردار مبتلا به دیابت می‌شود.



کودک‌انی که در معرض کمبود آهن هستند

آهن یک ماده غذایی است که برای رشد و تکامل کودک لازم است. این ماده به ذخیره و مصرف اکسیژن در ماهیچه و همچنین حرکت اکسیژن از ریه به سایر اندام‌ها کمک می‌کند. اگر کودک شما دچار کمبود آهن در رژیم غذایی بشود، ممکن است با گذشت زمان و عدم اصلاح رژیم غذایی، کودک دچار فقر آهن بشود. کمبود آهن در کودکان ممکن است در هر سطحی از جمله خالی شدن بدن از ذخایر آهن، کم‌خونی (شرایطی که در آن خون فاقد سلول‌های خونی سالم و کافی باشد) رخ دهد. اگر این کمبود آهن در کودکان درمان نشود، می‌تواند بر رشد و تکامل بچه اثر بگذارد. نوزادان و کودکان بیشتر در معرض کمبود آهن هستند که: ● کودکانی که به صورت نابلغ و نارس به دنیا بیایند. ● کودکانی که تا قبل از سن ۱ سالگی شیرگاو یا بز نخورند. ● عدم مصرف غذاهای کمکی غنی از آهن بعد از ۶ ماهگی در کودکانی که از شیر مادر تغذیه می‌کنند. ● مصرف شیرخشک بدون آهن ● کودکان ۵-۱۵ ساله‌ای که بیشتر از ۷۱۰ میلی‌لیتر در روز از شیرگاو یا بز یا سویا استفاده می‌کنند. ● کودکانی که مشکل جسمانی مانند عفونت دارند یا رژیم غذایی محدودی دارند. ● کودکان ۵-۱۵ ساله‌ای که با سرپرست‌ها زندگی می‌کنند.

علائم و نشانه‌های کمبود آهن: ● پوست رنگ پریده ● تهوع ● تکامل و رشد کند کودک ● اشتها کم کودک ● تنفس تند و سریع غیرنرمال کودک ● مشکلات رفتاری کودک ● عفونت‌های مکرر ● علاقه‌ی بی‌مورد

به مواد غیرغذایی مانند بیخ، خاک، نشاسته، رنگ

زنجبیل و فلفل می‌توانند دمای داخلی بدن را افزایش دهند، بنابراین اگر زنان باردار زنجبیل یا فلفل مصرف می‌کنند، احتمالاً بی‌بوست را تجربه خواهند کرد. زنجبیل فعال یا زنجبیل باعث نازک شدن رگ‌های خونی می‌شود و می‌تواند در لخته شدن خون نقش داشته باشد. زنجبیل یا فلفل قرمز برای خانم‌های باردار مناسب نیست. زنان در دوران بارداری می‌توانند از زنجبیل برای اضافه کردن به رژیم غذایی خود استفاده کنند، اما نباید بیش از ۴ روز پشت سر هم از آن استفاده کنند.

۱۱- انگور



زن روز



پروین اعتصامی

هفته‌ها کردیم ماه و سالها کردیم بار نور بودیم و شدیم از کار ناهنجار نار یافتیم از یک گهر، همسنگ شد با صد خرف داشتیم از یک هنر، بودش قرین هفتاد عار گاه سلخ و غره بشمردیم و گاهی روز و شب کاش میکریم عمر رفته را روزی شمار شمع جان پاک را اندر مغاک افروختیم خانه روشن گشت، اما خانه دل ماند تار صد حقیقت را بگشتیم از برای یک هوس از بی سبب بشکستیم صدها شاخسار ... ما درین گلزار کشتیم این مبارک سرورا تا که گردد باغبان و تا که باشد آبیبار رهنمای راه معنی جز چراغ عقل نیست کوش، پروین، تا به تاریکی نباشی رهسپار

فواید ماسک هندوانه برای پوست

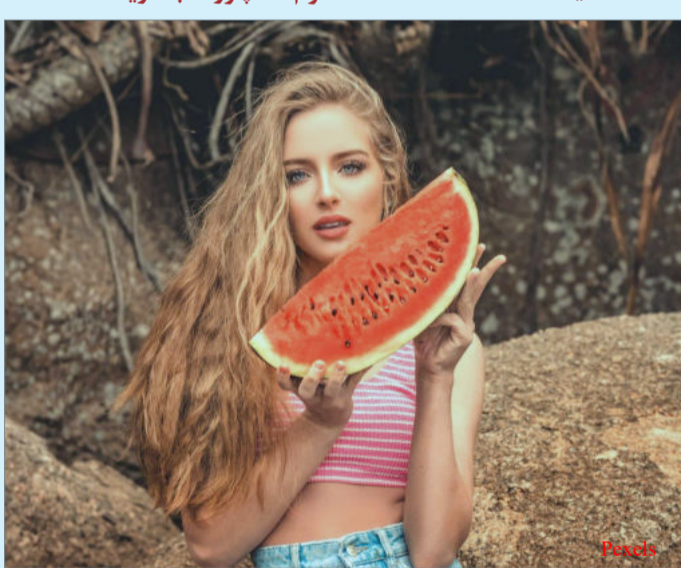
است. **مواد لازم:** هندوانه: یک چهارم فنجان (سفیده داخلی پوست) ، خیار: یک تکه ، سیب‌زمینی خام (با پوست): یک تکه ، جوانه ماش: یک قاشق غذاخوری ، ماست شیرین و تازه: یک قاشق غذاخوری روش تهیه: همه مواد را با هم در مخلوط‌کن بریزید و مدت ۲۰ دقیقه این مخلوط را روی پوست بگذارید و بعد با آب خنک آب‌کشی کنید. افرادی که پوست خشک دارند می‌توانند به جای ماست، از یک قاشق خامه استفاده کنند و بعد از شستن ماسک (برای مرطوب کردن پوست) حتما روغن بادام شیرین به صورت بمالند. همچنین دقت کنید که این ماسک را بلافاصله بعد از درست کردن به صورت بمالید. برای صرفه‌جویی بهتر است که از قسمت سفیده هندوانه استفاده کنید. البته استفاده از قسمت قرمز هندوانه هم ممانعی ندارد.

اگر می‌خواهید پوست تان صاف و شفاف شود

این ماسک را به کسانی پیشنهاد می‌کنیم که اولاً پوستی معمولی یا حساس دارند و دوم اینکه احساس می‌کنند پوست‌شان طراوت و تازگی خود را از دست داده و به دنبال راه‌حلی برای شفاف کردن پوست‌شان هستند.

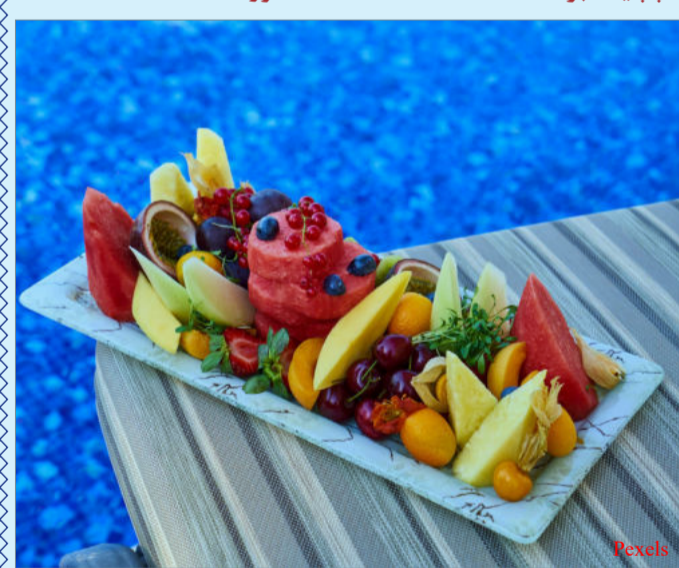
مواد لازم: بادام: مقداری ، شیر: نصف فنجان ، آب هندوانه: نصف فنجان تعدادی بادام را در شیر خیس کرده یک شب در یخچال بگذارید. سپس آن را رنده کنید و به شکل خمیر درآورید. یک قاشق غذاخوری آب هندوانه را در آن ریخته تا جایی که مخلوط شما حالت چسبی شکل پیدا کند، این مخلوط را حدود ۱۵ دقیقه روی صورت‌تان بگذارید و سپس با آب سرد آب بکشید. بادام هم پوست شما را تغذیه می‌کند و با لایه‌برداری مختصری سلول‌های مرده را برمی‌دارد و باعث نوسازی پوست می‌شود، شیر هم به‌عنوان یک پاک‌کننده حساسی پوست‌تان را تمیز می‌کند و در نهایت هندوانه پوست را آبرسانی کرده و لیکوپن موجود در آن رنگ پوست را روشن کرده و باعث درخشندگی و طراوت آن می‌شود.

اگر پوست‌تان با آفتاب سوخته است آب هندوانه می‌تواند از پوست شما در مقابل آفتاب‌سوختگی محافظت کند. **مواد لازم:** خیار: چند تکه خرد شده ، هندوانه: یک چهارم فنجان این ماسک با مخلوط کردن مقداری مسلوی خیار و هندوانه تهیه می‌شود. باید هر کدام را پوست بکنید، سپس آنها را له کرده و به مقدار مساوی با هم مخلوط کنید و حدود ۲۰ دقیقه روی پوست بگذارید. این ماسک مقابل‌سوختگی‌های پوست‌تان را التیام می‌دهد و رنگ چهره‌تان را روشن‌تر می‌کند.



پوست هندوانه را از قسمت گوشت آن به‌طور کامل پاک کنید و بشویید و چند تکه کنید. تکه‌ها را در یخچال بگذارید و در میان روز یا وقتی از این هوای گرم به خانه برمی‌گردید پوست را از داخل یخچال بردارید و روی صورت بگذارید تا حساسی پوست‌تان خنک شود. برای آرامش و شادابی پوست می‌توانید همین کار را بعد از هر کدام از ماسک‌های دیگر نیز انجام دهید.

ماسک انرژزی بخش پیشنهاد می‌کنیم این ماسک انرژزی‌بخش را حتما امتحان کنید، این ماسک پوست شما را خنک و تمیز می‌کند و ظاهر آن را جوان‌نگه می‌دارد. یک فنجان هندوانه را له کنید و سپس آن را روی صورت و گردن بمالید. بعد از ۱۵ دقیقه صورت‌تان را بشویید، خیلی زود پوست شما طراوت و تازگی خود را پیدا می‌کند. آب هندوانه را گرفته و روی پوست برای ۱۵ تا ۲۰ دقیقه قرار دهید. سپس آن را با آب سرد بشویید. این ماسک باعث می‌شود لکه‌های پوستی از بین رفته و کمرنگ‌تر شود.



آخرین میوه‌ای که می‌خواهیم در این لیست از میوه‌های متنوعه دوران بارداری از آن یاد کنیم، انگور است. اینکه زنان باردار باید انگور بخورند یا خیر، هنوز بحث برانگیز است. بسیاری از مردم فکر می‌کنند که زنان باردار باید در طول بارداری انگور بخورند زیرا این یک میوه مغذی است. این مقدار زیادی از اسیدهای آلی، آنتی‌اکسیدان‌ها و مواد معدنی را تأمین می‌کند. با این حال، بسیاری از مردم فکر می‌کنند که این میوه ممکن است در فرآیند کشت سموم بیشتری داشته باشد. از آنجا که انگور مستعد حمله حشرات است، مزارع اغلب از مقادیر زیادی از حشره کش‌ها برای محافظت از میوه‌ها استفاده می‌کنند.

انگور قرمز همچنین حاوی آنتی‌اکسیدان، رسوراترول است که در پوسته آن جمع شده است. این می‌تواند روی زنان باردار که دچار عدم تعادل هورمونی هستند، تأثیر منفی بگذارد و منجر به برخی از عوارض در دوران بارداری باشد

مردان شاخص



علی امینی (۱۳۷۱ - ۱۲۸۴)

علی امینی مجدی معروف به علی امینی، سیاستمدار ایرانی و یک دوره از اردیبهشت ۱۳۴۰ تا تیر ۱۳۴۱ نخست‌وزیر ایران بود. پس از اتمام تحصیلات خود در مدرسه دارالفنون تهران به فرانسه رفت و حقوق و اقتصاد خواند و در رشته اقتصاد موفق به اخذ درجه دکترا شد. پس از بازگشت به ایران نخست در سال ۱۳۱۰ در دادگستری مشغول به کار شد. وی ورود به دادگستری را شروع مناسبی برای ورود به کار سیاسی می‌دانست. با انتصاب داور به وزارت مالیه در سال ۱۳۱۲ او نیز که از افراد مورد اعتماد داور بود به وزارت مالیه رفت و به عنوان عضو اداره اقتصاد مشغول به کار شد. وی از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۹ مدتی را خارج از ایران گذراند تا اینکه در سال ۱۳۲۹ به ایران بازگشت و در کابینه منصور به وزارت اقتصاد منصوب شد. وی در کابینه دکتر محمد مصدق ابتدا به عنوان فرد مناسبی برای وزارت کشور در نظر گرفته شد اما به دلیل مخالفت شاه به وزارت اقتصاد و

دارایی منصوب شد. در سال ۱۳۴۰ با حمایت دولت جان اف کندی در آمریکا به سمت نخست‌وزیری منصوب شد. امینی به دلیل عدم اعتماد شاه به وی و اختلاف با شاه در مورد تنظیم بودجه در سال ۱۳۴۱ از نخست‌وزیری استعفا کرد و دیگر به عنوان نخست‌وزیر منصوب نشد. ارتباط شاه با وی محدود به مشارکت در برخی مراسم رسمی بود. امینی پس از انقلاب ایران در فرانسه زندگی می‌کرد و یکی از رهبران مخالفان جمهوری اسلامی ایران بود.



عوارض بالا بودن ویتامین ب ۱۲ در خون

اگر B-کمپلکس شما ۵۰۰٪ نیاز روزانه را تأمین می‌کند، که فقط ۶ میکروگرم برای بزرگسالان می‌باشد، یعنی ۳۰۰۰ میکروگرم B۱۲ دارد. البته در سال ۲۰۱۶ سازمان غذا و داروی ایالات متحده این میزان را به ۲.۵ میکروگرم کاهش داد. در هر صورت، برای افرادی که نقص شدید B۱۲ ندارند، این مقدار قطعاً بیشتر از نیاز است. مصرف مقداری ویتامین B۱۲ برای افراد بالای ۵۰ سال توصیه شده است؛ چون در این سن جذب ویتامین B۱۲ از غذا مشکل می‌شود. این توصیه برای کسانی که داروهای مداخله کننده با ویتامین B۱۲ مصرف می‌کنند، گیاهخواران سخت گیر، کسانی که سوهمصرف الکل و مواد مخدر دارند، یا در ریکآوری جراحی و سوختگی هستند و مبتلایان به سرطان‌های پانکراس و روده نیز پابرجاست. با این که ویتامین B۱۲ در کل بی‌خطر در نظر گرفته می‌شود، و "حداکثر میزان مصرفی" برای آن تعیین نشده، ولی گزارش‌ها نشان می‌دهد که مصرف ۲۰ میکروگرم یا بیشتر در روز موجب بروز آکنه و روزاسه می‌گردد. مطالعه‌ای نیز وجود دارد که نشان داده یک مکمل با دوز بالای ویتامین B۱۲ (با ۱۰۰۰ میکروگرم B۱۲) به جای این که کمک کند، بیشتر به بیماران دیابتی ضرر رسانده و بیماری کلیوی آن‌ها را شدت بخشیده که باعث کاهش عملکرد کلیه و افزایش خطر حمله قلبی، سکته مغزی و مرگ شده است. اگر تصمیم گرفته‌اید از مکمل ویتامین B۱۲ استفاده کنید، آن را از داروخانه‌های معتبر تهیه فرمایید. در نظر داشته باشید که مکمل‌های زیر زبانی و حل روغن میخک شونده‌ی ویتامین B۱۲ اغلب حاوی جانشین‌های برای برطرف یکی از محبوبترین قندی هستند که در برخی افراد نفخ و کردن ریزش مو درمان‌های مورد استفاده اسپهال به وجود می‌آورد. داروهای موثری وجود دارد که به تأیید سازمان غذا و داروی آمریکا (FDA) هم رسیده اند. در طرف دیگر هم هزاران هزار محصول تأیید نشده از نرم کننده‌ها گرفته تا انواع شامپوها و ویتامین‌ها وجود دارد که همگی ادعا می‌کنند می‌توانند باعث رشد مو شوند. به عنوان مثال نیوکسین نام یک برند معروف شامپو است که برای رفع ریزش مو به بازار عرضه شده؛ اما هیچ مدرک قانع کننده‌ای وجود ندارد که نشان بدهد این شامپو در مقایسه با شامپوهای دیگر موثرتر است.

این محصولات معمولاً بی ضرر

در طب گیاهی برای کاهش درد دندان است. این روغن به دلیل وجود اوژنول دارای خواص ضد باکتری و بی‌حسی‌کنندگی است. یک توپ پنبه را در مخلوطی از ¼ قاشق چای خوری روغن زیتون و دو یا سه قطره روغن میخک فرو برده و آن را در روی دندان مورد نظر قرار دهید. در سال‌های اخیر شرکت‌های داروسازی قطره میخک را تولید و در داروخانه‌ها عرضه کرده‌اند. **با زنجبیل درد دندان را فراموش کنید** زنجبیل را به قطعات کوچکترش



مرد روز



رهی معیری

دوش چون نیلوفر از غم پیچ و تاب داشت هر نفس چون شمع لرزان اضطرابی داشت اشک سیمینم به دامن بود بی سیمین تنی چشم بی خوابی ز چشم نیم خوابی داشت سایه اندوه بر جانم فرو افتاده بود خاطری هم‌رنگ شب بی آفتابی داشت محفلم چون مرغ شب از ناله دل گرم بود چون شفق از گریه خونین شرابی داشت شکوه تنها از شب دوشین ندارم کز نخست بخت ناساز و دل ناکامیابی داشت نیست ما را پای رفتن از گرانجانی چو کوه کاش کز قبض اجل عمر شهابی داشت شادی از ماتمسرای خاک میجستم رهی انتظار چشمه نوش از سربابی داشت

کمپرس سرد برای تسکین درد دندان

کافی است فقط یک یا دو قطره از این داروها را روی دندان ریخته و معجزه آن را نظاره گر باشید.

پماد ویکس مسکنی قوی برای دندان درد

استفاده از پماد ویکس یک راهکار عجیب اما موثر است. در این روش این پماد را بر روی صورت در ناحیه‌ای که دندان شما درد می‌کند همراه با یک حوله راروی آن قرار دهید، حالا بر روی طرفی از صورتتان که درد می‌کند بخوابید تا سریع تر از آنچه که تصور می‌کنید درد کاهش یابد.

میوه‌های دندان درد را تسکین می‌دهد

یکی از بهترین بی‌حس کننده‌ها دندان خیار است. یکبرش از این میوه را بر روی دندان دردناک خود قرار داده و کاهش درد را باین مسکن طبیعی تجربه کنید. علاوه بر این، برخی از مواد طبیعی مانند پیاز، سیر، علف گندم، آب نمک و اسفناج نیز در تسکین درد دندان موثراند.

هنگامی که دندان انسان درد میکند دیگر انسان توانایی هیچ کاری ندارد و باید به فکر چاره برایش درمان این درد باشد. درد دندان میتواند بر اثر موارد گوناگون باشد. تاکنون روشهای گوناگونی برای تسکین درد دندان ارائه شده که برخی از آن‌ها کارآمد بوده و برخی هم کارایی نداشته است. این بار میخواهیم شما را با چند روش دیگر آشنا کنیم.

با روش‌هایی طبیعی و خانگی و استفاده از خیار، پیاز و روغن‌های گیاهی می‌توان دردهای دندانی را تسکین داد. کمتر کسی است که حداقل یکبار در عمرش دندان درد را تجربه نکرده باشد. گاهی این دردها به قدری شدید است که مسکن‌ها هم تسکین دهنده آن نیستند. علاوه بر این در برخی شرایط امکان مراجعه به دندانپزشک وجود ندارد. در این مواقع استفاده از راهکارهای

روش‌های درمانی موثر برای ریزش مو

یکی از جدیدترین این داروها بیماتوپروست (bimatoprost) نام دارد که برای ازبایی این محصول در کاهش ریزش مو آزمایشات و تحقیقات بیشتری نیاز است. در حال حاضر از این دارو برای تقویت رشد مژه‌ها استفاده می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهند که مصرف بیماتوپروست باعث افزایش رشد، ضخامت و تیرگی مژه‌ها می‌شود.

چه گزینه‌های دیگری برای درمان ریزش مو وجود دارد؟

گزینه‌های مختلف و درمان‌های آرایشی زیاد دیگری هم برای درمان ریزش مو وجود دارد. برخی از مواردی که در اینجا به آنها اشاره می‌شود پودرهای پرپشت کننده مو، موهای تکه‌ای، کلاه گیس‌های مصنوعی، کلاه گیس‌های طبیعی، اکستنشن مو، لیزر و جراحی است. **پودرهای پرپشت کننده مو** محصولات تجاری بسیاری تحت عنوان پرپشت کننده مو در بازار وجود دارد که می‌توانید آنها را خریداری و مصرف کنید. فقط باید دقت داشته باشید که از تولیدکنندگان واقعی و مطمئن خریداری کنید.

علاوه بر ماینوکسیدل روی قسمت جلویی موها تاثیر کمتری دارد؛ این در حالیست که اکثر آقایان از طاسی و ریزش مو در ناحیه جلوی سر رنج می‌برند. از طرف دیگر استفاده ناخواسته از این دارو روی پوست صورت یا گردن می‌تواند باعث رشد موهای ناخواسته و زائد شود.

فیناستراید (پروپیشیا)

فیناستراید داروییست که فقط برای مردانی که ریزش موی آندروژنیک FDA هم قرار گرفته است. این دارو در دسته داروهای موسوم به مهار کننده آنزیم ۵-آلفا ردوکتاز قرار دارد و با مسدود کردن عملکرد هورمون‌های طبیعی در فولیکول‌های موی سر به کاهش ریزش مو کمک می‌کند. پروپیشیا نام تجاری فیناستراید است که دوز کمتری دارد و معمولاً برای درمان بزرگ شدن پروستات در آقایان میانسال و پیر تجویز می‌شود اما می‌تواند به افزایش رشد مو هم کمک کند. بنابراین به طور بالقوه بی‌فایده اند. برای کاهش سرعت ریزش مو حداقل چهار گزینه اساسی و موثر وجود دارد که شامل داروهای مثل ماینوکسیدل و پروپیشیا است. از این داروها باید به مدت طولانی استفاده کرد اما به نظر نمی‌رسد که توقف مصرف آنها باعث تشدید یا بدتر شدن ریزش موها شود. **ماینوکسیدل (روگین)** ماینوکسیدل نام داروییست که به راحتی و بدون نسخه در داروخانه‌ها عرضه می‌شود. هم خانم‌ها و هم آقایان می‌توانند از این دارو برای درمان ریزش موهایشان استفاده کنند. ماینوکسیدل روی فرق سر نسبت به ناحیه جلوی موها بهتر و بیشتر نتیجه می‌دهد. این دارو به عنوان یک محرک و تقویت‌کننده مقاومت بالا و فوق‌العاده، یک فوم و یک موس مو است. مشکل اصلی در استفاده از ماینوکسیدل این است که باید یک یا دو بار در روز از آن استفاده کرد و اکثر افراد بعد از مدتی خسته می‌شوند.



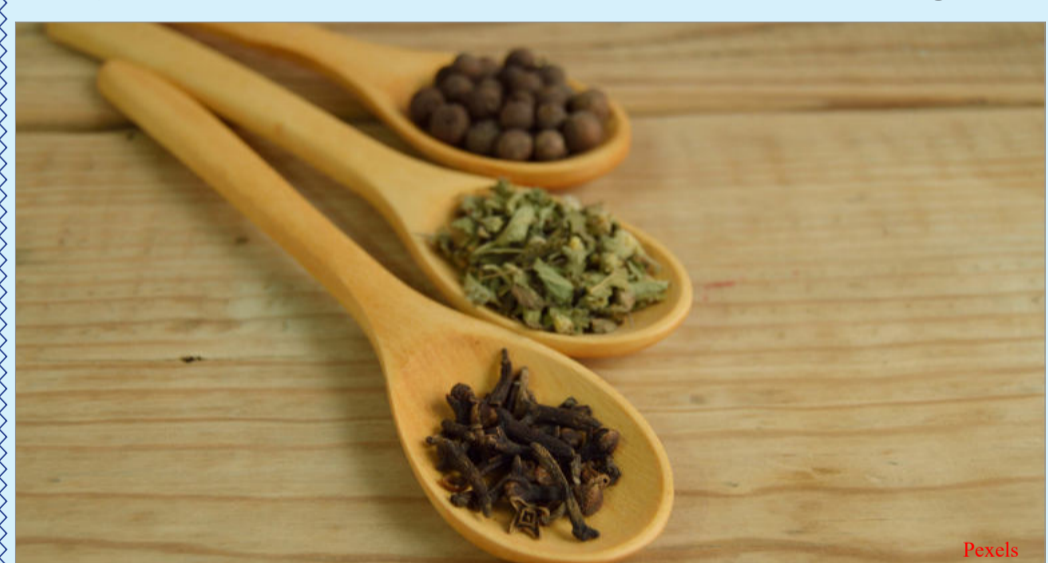
یکی از روش‌های پر کردن جاهای خالی سر استفاده از موهای تکه‌ای است. این موها از الیاف مصنوعی یا موی طبیعی انسان ساخته شده‌اند و با کیفیت‌ها و قیمت‌های مختلف در دسترسند.

عمل جراحی یا کاشت مو

روش‌های ترمیم موهای ریخته شده شامل جراحی کاشت مو (گرفتن مو از پشت سر و قرار دادن آن در جلوی سر فرد) و یا کاشت و کم کردن پوست سر بیمار (برش دور مناطق طاس سر و دوختن پوست دو طرف آن) می‌باشد. در سال‌های اخیر مراحل پیوند مو پیشرفت‌های چشمگیری داشته است و نسبت به روش‌های قدیمی بهتر و بیشتر نتیجه می‌دهد. کاشت مو به روش میکروگرافت نیز از جدیدترین تکنیک‌های درمان طاسی است که در آن جراح یک یا دو فولیکول مو را به هم پیوند می‌زند. کاشت مو به تعداد پیوندهایی که قرار است کاشته شود بستگی دارد و جزو روش‌های گران و وقت‌گیر محسوب می‌شود.

لیزر درمانی

سازمان غذا و داروی آمریکا نوعی دستگاه لیزر مخصوص تحریک رشد مو را تأیید کرده‌اند که فرد می‌تواند از آن در خانه برای تقویت رشد مو استفاده کند. این دستگاه‌ها به همراه کلاه ایمنی، کلاه مخصوص و یک شانه عرضه می‌شوند و مطالعات نشان می‌دهد که به میزان متوسطی می‌توانند نتایج قانع‌کننده‌ای در تقویت رشد مو داشته باشند.



زده و آن را بر روی محل دردناک قرار دهید. به تدریج درد شما با این راهکار تسکین پیدا می‌کند. زنجبیل‌های باقی مانده را در یخچال قرار داده و برای دفعات بعد از آن‌ها استفاده کنید. **زیره سیاه درد دندان را تسکین می‌دهد** نصف قاشق چای خوری از سرکه سیب را با یک قاشق چای خوری روغن زیره سیاه مخلوط و آن‌ها را حرارت دهید. سپس این ترکیب را پس از سرد شدن دهان خود را با آن شویید. این ترکیب از التهاب و عفونت جلوگیری می‌کند. ساده‌ترین روش تسکین درد دندان بهترین راه حل برای از بین بردن درد غیر قابل تحمل استفاده از کمپرس سرد است. کافی است که روی ناحیه دردناک را کیسه یخ قرار داده و فروکش کردن درد را به سرعت ببینید. توجه داشته باشید بعد از تسکین درد به محض امکان پذیر شدن شرایط به دندانپزشک مراجعه کنید زیرا ممکن است دندان شما عفونت کرده و در اثر بی‌توجهی در نهایت مجبور به کشیدن دندانتان شوید.

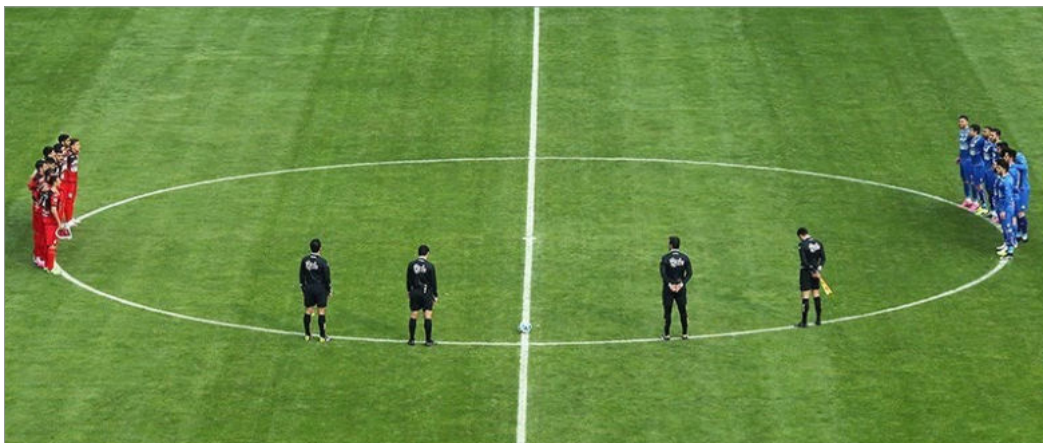
کیسه‌های چای معجزه رفع دندان درد

به منظور کاهش درد دندان یک چای کیسه‌ای داغ را مستقیم بر روی دندان‌تان قرار دهید. چای به دلیل اسید تانیک در تسکین درد تأثیرگذار است. **روغن این گل دندان درد را از بین می‌برد** طبیعی و خانگی مثل معجزه عمل کرده و درد دندان را به سرعت تسکین می‌دهند. **قطره یا شربت سرفه** قطره یا شربت‌های سرفه معمولاً حاوی مقدار کمی ماده بی‌حس کننده هستند که در کاهش و از بین بردن درد دندان موثر هستند.

طبیعی و خانگی مثل معجزه عمل کرده و درد دندان را به سرعت تسکین می‌دهند. **قطره یا شربت سرفه** قطره یا شربت‌های سرفه معمولاً حاوی مقدار کمی ماده بی‌حس کننده هستند که در کاهش و از بین بردن درد دندان موثر هستند.



جهانگیری: باید هر چه زودتر استقلال و پرسپولیس را به بخش خصوصی بفروشیم



گسترده داخلی و بین‌المللی در پی داشت و در شبکه‌های اجتماعی سحر به دختر آبی معروف شد.

بازیکنان تیم استقلال روز قبل از آغاز بازی مقابل تیم نفت مسجد سلیمان در لیگ برتر ۹۷-۹۸ برای گرامیداشت یاد سحر خدایاری تی‌شرتی مشکی روی پیراهن ورزشی خود به تن کردند که روی آن عبارت «دختر آبی» به زبان‌های فارسی و انگلیسی به چشم می‌خورد. خبرگزاری فارس و ریاغفوری کاپیتان استقلال را مسئول پوشیدن این تی‌شرت‌ها معرفی کرد. این حرکت با واکنش‌های مختلفی روبرو شد.

در سال ۱۳۵۱، پله ستاره فوتبال برزیل و جهان در دیداری که از ایران داشت، درباره باشگاه تاج گفت: به نظرم این باشگاه یکی از بهترین باشگاه‌هایی است که دیده‌ام. باشگاه تاج می‌تواند در ردیف بزرگترین باشگاه‌های جهان باشد. باشگاه شاهین (پرسپولیس بعدی) توسط دکتر عباس اکرامی استاد دانشگاه بنیانگذاری شد. او به حدی به تحصیلات اهمیت می‌داد که شرط عضویت در باشگاه را دانشگاه رفتن و درس خواندن قرار داده بود. شعار شاهین «اول اخلاق، دوم درس، سوم ورزش» بود.

این تیم که در دهه ۱۳۴۰ بازیکنان زیادی در تیم ملی ایران داشت و در میان مردم محبوب بود، به دستور سازمان ورزش و تفریحات ایران رسماً منحل شد و بیشتر بازیکنان آن به باشگاه پرسپولیس که به ابتکار علی عبده، موسس بولینگ عبده و رئیس فدراسیون بوکس جانشین شاهین شده بود منتقل شد.

پرسپولیس در ورزشگاه اختصاصی خود موسوم به آپادانا تمرین می‌کرد و عبده برای فعال نگه داشتن تیم، باشگاه‌های صاحب نامی چون ساتوپانولو و چلسی را برای بازی دوستانه به تهران آورد.

پرسپولیس پیش از انقلاب تیم زنان نیز داشت. آنها پس از تاج، دیهیم و عقاب از پیشگامان فوتبال زنان در ایران بودند.

تیم تازه‌ی پرسپولیس بازی می‌کردند، دکتر اکرامی استاد دانشگاه تهران شده استقلال (تاج) و پرسپولیس شده است.

این دو تیم فوتبال پرفرمدارتر که همیشه استخوان‌بندی تیم ملی فوتبال ایران را تشکیل داده‌اند، در چهل سال گذشته پیچ و خم‌های فراوانی را پشت سر گذاشته‌اند. این باشگاه‌ها بعد از انقلاب مصادره شده و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفتند و سپس به سازمان تربیت بدنی و بعد وزارت ورزش کنونی منتقل شدند و در چند سال گذشته، مسئولان امور همیشه در تلاش برای فروش این دو باشگاه بوده‌اند. اما تا کنون خریدار مطمئن پیدا نشده و یا کسانی مانند هدایتی عضو پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که اکنون در زندان بسر می‌برد از مشتریان پرسپولیس بوده است.

روز چهارشنبه این هفته در جلسه‌ای که با حضور اسحاق جهانگیری معاون روحانی، مسعود سلطانی فر وزیر ورزش، فرهاد دژپسند وزیر اقتصاد، محمد جواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات، محمد شریعتمداری وزیر کار و تعاون تشکیل شد، جهانگیری گفت: سیاست دولت واگذاری هر چه سریع‌تر این دو باشگاه به بخش خصوصی است. یادآور شد که رضایت هواداران بسیار زیاد این دو تیم و مردم باید در نظر گرفته شود و امیدوارم با خصوصی شدن پرسپولیس و استقلال (تاج) شاهد رشد بیشتر فوتبال باشگاهی در ایران باشیم.

جهانگیری افزود: دولت خیلی مصمم به فروش این باشگاه‌هاست و امیدوارم به زودی مطالعات کارشناسان فنی در این زمینه صورت بگیرد و شاهد واگذاری این تیم‌ها باشیم. در ۶۰ سال گذشته بیشتر اعضای تیم ملی فوتبال ایران، بازیکنان تیم‌های تاج (استقلال) و پرسپولیس، که در آغاز «شاهین» بود، بوده‌اند. موسس باشگاه تاج تیمسار پرویز خسروانی و بنای باشگاه «شاهین» که بعداً متحل شد و بازیکنانش در

سال‌هاست در دولت‌های مختلف صحبت از فروش باشگاه‌های مصادره شده استقلال (تاج) و پرسپولیس شده است.

این دو تیم فوتبال پرفرمدارتر که همیشه استخوان‌بندی تیم ملی فوتبال ایران را تشکیل داده‌اند، در چهل سال گذشته پیچ و خم‌های فراوانی را پشت سر گذاشته‌اند. این باشگاه‌ها بعد از انقلاب مصادره شده و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفتند و سپس به سازمان تربیت بدنی و بعد وزارت ورزش کنونی منتقل شدند و در چند سال گذشته، مسئولان امور همیشه در تلاش برای فروش این دو باشگاه بوده‌اند. اما تا کنون خریدار مطمئن پیدا نشده و یا کسانی مانند هدایتی عضو پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که اکنون در زندان بسر می‌برد از مشتریان پرسپولیس بوده است.

روز چهارشنبه این هفته در جلسه‌ای که با حضور اسحاق جهانگیری معاون روحانی، مسعود سلطانی فر وزیر ورزش، فرهاد دژپسند وزیر اقتصاد، محمد جواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات، محمد شریعتمداری وزیر کار و تعاون تشکیل شد، جهانگیری گفت: سیاست دولت واگذاری هر چه سریع‌تر این دو باشگاه به بخش خصوصی است. یادآور شد که رضایت هواداران بسیار زیاد این دو تیم و مردم باید در نظر گرفته شود و امیدوارم با خصوصی شدن پرسپولیس و استقلال (تاج) شاهد رشد بیشتر فوتبال باشگاهی در ایران باشیم.

جهانگیری افزود: دولت خیلی مصمم به فروش این باشگاه‌هاست و امیدوارم به زودی مطالعات کارشناسان فنی در این زمینه صورت بگیرد و شاهد واگذاری این تیم‌ها باشیم. در ۶۰ سال گذشته بیشتر اعضای تیم ملی فوتبال ایران، بازیکنان تیم‌های تاج (استقلال) و پرسپولیس، که در آغاز «شاهین» بود، بوده‌اند. موسس باشگاه تاج تیمسار پرویز خسروانی و بنای باشگاه «شاهین» که بعداً متحل شد و بازیکنانش در

رئیس کمیته ملی المپیک: بین زن و مرد در اسلام و ورزش تبعیض وجود ندارد!



مسابقات داخلی دو میدانی زنان ایران در سالن سرپوشیده؛ با حجاب اجباری اسلامی؛ سر تا پا پوشیده!

رئیس کمیته المپیک جمهوری اسلامی که در پایان ادعاهای بی‌پایه‌اش از سوی زنان و دختران حاضر در جلسه به شدت مورد سوال و انتقاد قرار گرفت، با اشاره به مهاجرت ورزشکاران زن سرشناس از جمله کیمیا علیزاده تنها دختر ایرانی برنده مدال المپیک که این روزها پناهنده شدن او به اروپا در رسانه‌های ایران و شبکه‌های بین‌المللی بازتاب جهانی داشته است، توضیح داد: وقتی از توسعه صحبت می‌کنیم منظور توسعه اجتماعی، فرهنگی، اجتماعی و ورزشی است. بنابراین در مورد مهاجرت برخی دختران ورزشکار خواهش دارم به این رویکرد، تخریبی نگاه نکنید! سالانه هزاران نفر از ایران مهاجرت می‌کنند که در این میان چند ورزشکار هم حضور دارند که البته انگیزه سیاسی ندارند. انگیزه آنها ثانویه است!

رئیس کمیته ملی المپیک در حالی خود را به کوچه علی‌چپ می‌زند که نه تنها دختران ایرانی قهرمان رشته‌های مختلف شمشیربازی، فوتبال، والیبال، کاراته، شطرنج، جودو، تکواندو و فوتبال در این سال‌ها به اروپا و آمریکا مهاجرت کرده‌اند بلکه پسران و مردان ورزشکار نیز ترجیح می‌دهند در کشورهای دیگر و زیر پرچم ملل دیگر در رقابت‌های بین‌المللی فعالیت کنند.

کیمیا علیزاده تنها دختر مدال‌آور ایران در تاریخ بازی‌های المپیک، جدیدترین ورزشکار سرشناسی است که اخیراً به هلند مهاجرت کرده و فعلاً در آن کشور به تمرین تکواندو ادامه می‌دهد. او ۲۱ سال دارد و در سال ۲۰۱۶ در المپیک ریودژانیرو مدال برنز گرفت و اکنون آماده شرکت در المپیک توکیو می‌شود. همسر کیمیا مربی تکواندو است. کیمیا در نامه‌ی در واقع بیانیه‌ای

● کیمیا علیزاده: من یکی از میلیون‌ها زن سرکوب شده در ایرانم، ما ابزاریم و هیچکدام برای آنها مهم نیستیم. - شهره بیات: در مسابقات جهانی شطرنج بی‌حجاب داوری کردم و به ایران بر نمی‌گردم.

رئیس کمیته ملی المپیک ایران می‌گوید: استراتژی ما در تمامی رویدادهای ورزشی برابری زنان و مردان است. رضا صالحی امیری که سال‌ها در دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی مسئولیت‌هایی داشته، روز سه‌شنبه در همایش ملی زن و ورزش گفت: نیاز اول ما ایجاد باور و اندیشه‌ای در متن جامعه است و اینکه باور کنیم میان زن و مرد در میانی هستی‌شناسی، فلسفی و اسلامی تبعیض وجود ندارد!

او ادامه داد: ما باور داریم که توسعه بدون حضور زنان ناقص خواهد بود و باید قبول کنیم کانون خانواده در گرو زنان است و اصلاً خانواده بدون زن و اصلاح جامعه بدون خانواده غیرممکن است. پس داشتن جامعه سالم نیازمند زنانی با نشاط و فعال است و به همین دلیل عدم مشارکت بانوان در حوزه ورزش موجب کاهش امید و اعتماد اجتماعی می‌شود.

وی افزود: در رابطه با زنان سه رویکرد وجود دارد. در رویکرد تجر، تبعیض جنسی به رسمیت شناخته شده و توانایی‌های او مورد بی‌توجهی و انکار قرار می‌گیرد. رویکرد دوم سکولاریستی است که مبتنی به استفاده ابزاری از زن است که ریشه در فمینیسم دارد. رویکرد سوم اما، تبعیض جنسی وجود ندارد و زن و مرد مکمل یکدیگرند و زن شهروند درجه یکسان به حساب می‌آید.

او پس از چهل سال که جمهوری اسلامی تلاش کرده تا زنان را از عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی اعم از هنر و ورزش و تحصیل دور نگه دارد و موفق نشده، گفت: در بازی‌های آسیایی جاکارتا اولین قدم را در این راه برداشتم و ادعا کرد که نیمی از این راه بعد از انقلاب برداشته شده و در یک پروسه ده ساله می‌توانیم نیمه دیگر راه را طی کنیم!

صالح امیری اضافه کرد: در سفری که اخیراً به لوزان داشتم بر حضور خانم‌ها در مسابقات تأکید کردیم و تضمین نمودیم امنیت بانوان را در ورزشگاه‌های ایران تا ماین کنیم چون وقتی زنان به ورزشگاه‌ها می‌آیند مردان حریم اخلاقی را رعایت می‌کنند.

(AFC) به دنبال درخواست باشگاه الکویت مبنی بر برگزاری بازی با استقلال در زمین بی‌طرف به خاطر تنش اخیر میان ایران و آمریکا و همچنین اعتراضات در ایران دستور به تعویق ۴ روزه این دیدار داد. گفته می‌شود این بازی قرار است در قطر برگزار شود. هنوز هیچیک از مقام‌های رسمی ورزشی در ایران این خبر را رد یا تایید نکرده‌اند.

پرسپولیس، سپاهان، پدیده و استقلال (تاج) نمایندگان ایران در رقابت‌های باشگاه‌های آسیا هستند.

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران از سوی فیفا برای حضور زنان در استادیوم زیر فشار قرار دارد احتمال که برخی مسئولان راضی به چنین تصمیمی باشند چندان دور ذهن نیست. اگر این خبر واقعیت باشد دست‌کم به بهانه تصمیم AFC مسئولان ورزش رژیم از فشار فیفا و افکار عمومی برای ورود زنان به استادیوم خلاص می‌شوند. در هفته‌های اخیر مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی به علت عارضه قلبی راهی بیمارستان شد و استعفا داد اما این استعفا پذیرفته نشد با این وجود تاج اصرار داشت مسئولیت خود را تحویل دهد. همان زمان شایعه شد که او به دلیل آگاهی از شرایط وخیم فوتبال ایران تحت تأثیر مسائل سیاسی قید پست و مسئولیت را زده است.



استادیوم «آزادی» (آریامهر)

این مجری به نقل از منابع آگاه گفته دلیل اصلی تصمیم کنفدراسیون فوتبال آسیا برای گرفتن حق میزبانی نمایندگان ایران در لیگ قهرمانان تنش‌های اخیر این کشور با آمریکا است. این خبرنگار عربستانی توضیح داده «تصمیم کنفدراسیون فوتبال آسیا بدین معنا نیست که حریفان تیم‌های ایرانی هم باید در زمین بی‌طرف از آنها میزبانی کنند. فقط تیم‌های ایرانی باید بازی‌های خانگی خود را در زمین بی‌طرف انجام دهند.»

پیش از این خبرگزاری الانباء کویت اعلام کرد کنفدراسیون فوتبال آسیا

از فشار فیفا و افکار عمومی برای ورود زنان به استادیوم خلاص می‌شوند.

خبرگزاری تسنیم، جمعه ۲۷ دی ماه، در خبری به نقل از ولید الفراج مجری ورزشی شبکه تلویزیونی SBC نوشت میزبانی نمایندگان ایران در لیگ قهرمانان آسیا لغو شده است.

آنطور که ادعا شده کنفدراسیون فوتبال آسیا به زودی حکم برگزاری بازی تیم‌های ایرانی با حریفان خود در بازی‌های لیگ قهرمانان در زمین بی‌طرف را ابلاغ می‌کند.

سعید معروف، کاپیتان تیم ملی والیبال ایران: کاش امید داشتیم این آخرین پرده از نمایش تزویر و بی‌خردی این بی‌کفایتان است



به دنبال انتشار دلنوشته‌ی محمد موسوی بازیکن تیم ملی والیبال ایران که در حال حاضر برای حضور در رقابت باشگاه‌های جهان در چین بسر می‌برد، درباره انفجار هوپیمای مسافری اوکراین در تهران و کشته شدن ۱۷۶ مسافر و خدمه آن، سعید معروف کاپیتان تیم ملی والیبال ایران و از بازیکنان شاخص جهان نیز مانند همبازیش در اینستاگرام خود نوشت: با متلاشی شدن هوپیمای اوکراینی و جان باختن ۱۷۶ نفر در تهران، برای جشن گرفتن به خاطر پیروزی تیم ایران در مسابقات انتخابی و برگزیده شدن برای حضور در المپیک ۲۰۲۰ ژاپن و رسیدن به آرزویی که سال‌ها برایش تلاش کرده بودم در جان مستاصل و غمگین ما، رمقی وجود ندارد.

معروف ادامه داد: استیصال و غم ما نه فقط به خاطر عزای هموطنانمان است بلکه به خاطر فردایی است که گمانم امید به روشنایی‌اش نیست. کاش امید داشتیم که این آخرین پرده از نمایش فریب، تزویر و بی‌خردی این

منابع عربی مدعی شدند میزبانان فوتبال ایران در لیگ قهرمانان لغو می‌شود

● کنفدراسیون فوتبال آسیا به دنبال درخواست باشگاه الکویت مبنی بر برگزاری بازی با استقلال در زمین بی‌طرف به خاطر تنش اخیر میان ایران و آمریکا و همچنین اعتراضات در ایران دستور به تعویق ۴ روزه این دیدار خبر داد.

● اگر این خبر واقعیت داشته باشد دست‌کم به بهانه تصمیم AFC مسئولان ورزش رژیم



در نادر قاضی‌پور از جمله نمایندگان فعلی مجلس شورای اسلامی هستند که صلاحیت آنها برای نامزدی مجدد در انتخابات مجلس شورای اسلامی رد شده است. محمود صادقی نماینده کنونی تهران در مجلس شورای اسلامی در توثیقی به رد صلاحیت خود واکنش نشان داد و «دنیا» را همراه با مجلس شورای اسلامی که هم‌اکنون نیز بر کرسی آن تکیه زده، بی‌ارزش تر از «عطسه‌ی ماده بز» دانست. وی نوشت: «قال علی (ع): لَاقْبِيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَوْهَدُ عُنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنْزٍ؛ دُنْيَايَ شَمَا نَزْدَ مِنْ أَمْرِ عَطْسَةِ مَادَةِ بَرِي كَمِ ارْزَشِ تَرِ اسْت.» صادقی از جمله نمایندگان اصلاح‌طلبی است که از روز نخست ورود به مجلس شورای اسلامی تلاش کرد با ادعاها و واکنش‌های جنجالی، اصلاح‌طلبان و فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی را با یکی به نعل و یکی به میخ زدن، در میان مخاطبان برجسته نگاه دارد. او پس از اعتراضات آبان سه بار ادعا کرد که برای کشتار و عدم شفافیت با مردم در شیوه اعلام خبر گران شدن بنزین استعفا می‌دهد اما نه تنها این کار را نکرد بلکه برای نامزدی دور بعدی انتخابات مجلس شورای اسلامی هم داوطلب شد و نام‌نویسی کرد! حالا آن را بی‌ارزش تر از «عطسه‌ی ماده بز» می‌داند!

عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان با تأیید این رد صلاحیت‌ها گفته است: «۹۰ نفر از نمایندگان فعلی مجلس، از سوی هیئت‌های نظارت رد صلاحیت شدند که اکثر آنها به دلیل سوء استفاده مالی و اقتصادی بوده است.»

عباس کدخدایی که در برنامه ویژه خبری شبکه دو صداوسیما جمهوری اسلامی حضور داشت افزود: «از حدود ۲۴۷ نفر نماینده فعلی مجلس ۹۰ نفر صلاحیت‌شان عمدتاً به خاطر مسائل مالی تأیید نشد. البته به برخی از آنها مستندات پرونده‌شان توضیح داده شد و به بقیه نیز اگر درخواست کردند این مستندات ارائه می‌شود.»

عباس کدخدایی در این برنامه تلویزیونی گفته است که «یک میلیون برگ سند از مراجع چهارگانه برای بررسی صلاحیت‌ها دریافت کردیم.» وی درباره علت رد صلاحیت همه داوطلبانی که برای شرکت در رقابت‌های انتخاباتی نام‌نویسی کرده بودند گفته است: «مهم‌ترین دلایل رد صلاحیت‌ها، محورهای مفاسد اقتصادی، مفاسد اخلاقی و ضدیت با حاکمیت است. همچنین سوء استفاده از اموال عمومی، تحصیل مال نامشروع، اختلاس، استعمال مواد مخدر، مفاسد اخلاقی، محکومیت جنایی، سابقه شرارت، چاقوکشی و سابقه فروش مواد مخدر از جمله مصادیق رد صلاحیت‌هاست.»

رد صلاحیت یک سوم از نمایندگان کنونی مجلس شورای اسلامی عمدتاً به دلیل سوء استفاده و تخلف مالی نشان‌دهنده عیار افراد «خودی» نظام است که پس از گذشتن از هزاران فیلتر، به عنوان «نمایندگان مردم» راهی مجلس شورای اسلامی می‌شوند اما در عمل فرمانبر احکام ولی فقیه هستند و با استفاده از امتیازات «نمایندگی» بار خود را با سوء استفاده‌های مالی می‌پندند!

با اینهمه برخی نمایندگان ادعا کرده‌اند که علت رد صلاحیت آنها «عدم التزام به اسلام» یا «عدم التزام به نظام» بوده است. جلیل رحیمی جهان آبادی رئیس کنونی فراکسیون اصلاح‌طلب و اقتصاد «نظام» به دلیل «عدم التزام به اسلام» عنوان شده رد صلاحیت شده است. حمیده زرابادی نماینده قزوین

در مجلس شورای اسلامی و محمد فیضی نماینده کنونی اردبیل در مجلس شورای اسلامی نیز به خبرگزاری ایسنا گفته‌اند که با استناد به بند مربوط به «عدم التزام به اسلام» رد صلاحیت شده‌اند. طیبه سیاوشی و عبدالکریم حسین زاده نیز گفته‌اند دلیل رد صلاحیت آنها برای شرکت در انتخابات سال آینده مجلس شورای اسلامی «عدم التزام به نظام» عنوان شده است. از سوی دیگر به گزارش خبرگزاری ایرنا در استان کرمانشاه و البرز کمتر از ۴۰ درصد، در استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر، اصفهان، گلستان، تهران، ایلام کردستان و آذربایجان غربی ۴۰ تا ۴۹ درصد، و در تعداد کمی از استان‌ها بالای ۶۰ درصد نامزدها تأیید صلاحیت شده‌اند. بالاترین درصد تأیید صلاحیت مربوط به استان همدان با ۶۹ درصد است. و اما از افراد سیاسی دو جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب که برای انتخابات مجلس شورای اسلامی تأیید صلاحیت شدند می‌توان از مجید انصاری، مسعود پزشکیان، الهام امین‌زاده، مصطفی کواکبیان، سیهلا جلودارزاده، احمد مازنی، پروانه مافی، محمدرضا بادامچی، سیدفرید موسوی، فریده اولاد قباد، ابوالفضل سروس، علیرضا رحیمی، محمداقبر قالیباف، الیاس نادران، حمیدرضا حاجی‌بابایی، مجتبی ذوالنوری، علیرضا محبوب و الهه راستگو، محمدرضا رضایی کوچی و زهرا سعیدی نام برد.

انتخابات استصوابی یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی قرار است دوم اسفندماه امسال برگزار شود. اکنون با رد صلاحیت‌های صورت گرفته باید دید آیا انتخابات این دور مجلس شورای اسلامی باز هم با تزریق شور و هیجان از سوی اصلاح‌طلبان همراه خواهد شد یا نه!

نظرات استصوابی و رد صلاحیت‌ها مورد توجه مایک پمپئو وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا نیز قرار گرفته است. او در توثیقی نوشته است: «انتخابات» مجلس ایران دو ماه دیگر برگزار خواهد شد، اما رژیم از الان دارد نتیجه را با رد صلاحیت بیش از ۱۰۰۰ کاندیدم دستکاری می‌کند. ما در کنار مردم ایران هستیم که می‌خواهند صدایشان شنیده شود.»

اعضای شورای عالی سیاست‌گذاری جبهه اصلاح‌طلبان نیز در بیانیه‌ای با انتقاد از رد صلاحیت داوطلبان اصلاح‌طلب اعلام کردند: «با توجه به اطلاعات اولیه مبنی بر عدم احراز گسترده صلاحیت چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب، اعضای جلسه تأکید کردند که انتظار بود حداقل با توجه به شرایط ویژه کشور نهادهای نظارتی در بررسی صلاحیت‌ها مانند گذشته عمل نمی‌کردند که متأسفانه با حذف کاندیداهای اصلاح‌طلب عملاً در تشکیل مجلسی یکدست و بدون حضور سلیق مختلف سهمیم خواهند بود و بدون تردید این روند به تضعیف بیش از پیش جمهوریت نظام منجر خواهد شد.»

شورای عالی سیاست‌گذاری جبهه اصلاح‌طلبان همچنین فعلاً اعلام کرده که «ضمن اعتراض شدید به این روند موضع نهایی خود را در قبال اقدام هیئت‌های نظارت با بررسی آخرین اطلاعات مربوط به بررسی صلاحیت‌ها در سراسر کشور درباره چگونگی مشارکت در انتخابات اتخاذ می‌کند. این شورا طبق راهبرد مصوب خود مجدداً تأکید می‌کند چنانکه در حوزه‌های انتخابیه کاندیدای شاخص اصلاح‌طلب وجود نداشته باشد، لیستی برای معرفی به مردم نخواهد داشت.»

رد صلاحیت داغ داوطلبان نامزدی در انتخابات استصوابی مجلس شورای اسلامی؛ نظام به «سوء استفاده مالی و اقتصادی» خودی‌هایش اعتراف کرد

● **رد صلاحیت یک سوم از نمایندگان کنونی مجلس شورای اسلامی عمدتاً به دلیل سوء استفاده و تخلف مالی نشان‌دهنده عیار افراد «خودی» نظام است که پس از گذشتن از ده‌ها راهی مجلس شده‌اند.**

● **در میان ۹۰ نماینده کنونی مجلس که صلاحیت آنها برای شرکت در انتخابات مجلس یازدهم تأیید نشده نمایندگان از هر دو جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا وجود دارند.**

● **شورای سیاست‌گذاری جبهه اصلاح‌طلبان با اعتراض به رد صلاحیت‌ها مدعی شده «موضع نهایی خود را در قبال اقدام هیئت‌های نظارت با بررسی آخرین اطلاعات مربوط به بررسی صلاحیت‌ها در سراسر کشور درباره چگونگی مشارکت در انتخابات اتخاذ می‌کند.»**

● **محمود صادقی نماینده کنونی تهران در مجلس شورای اسلامی در توثیقی به رد صلاحیت خود واکنش نشان داده و «دنیا» را همراه با مجلس شورای اسلامی که هم‌اکنون نیز بر کرسی آن تکیه زده، بی‌ارزش تر از «عطسه‌ی ماده بز» دانسته است!**

با اعلام نتایج بررسی صلاحیت داوطلبان شرکت در انتخابات مجلس مشخص شده است که ۹۰ نفر از نمایندگان کنونی مجلس شورای اسلامی که برای حضور در انتخابات دور آینده مجلس آماده شده بودند رد صلاحیت شده‌اند. سخنگوی شورای نگهبان علت عمده این رد صلاحیت‌ها را «سوء استفاده مالی و اقتصادی» خوانده است.

در میان خبرهای مربوط به سقوط هواپیمای بوئینگ ۷۳۷-۸۰۰ اوکراین و شکل گرفتن دور دیگری از اعتراضات سراسری در ایران، شورای نگهبان روز یکشنبه ۲۲ دی ۱۳۹۸ نتیجه بررسی صلاحیت داوطلبان شرکت در انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی را اعلام کرد. خبرگزاری ایلنا با انتشار یک نقشه آماری مشخص کرده است که در اغلب استان‌های کشور (بجز پنج استان) بیش از ۴۰ درصد داوطلبان برای نامزدی نمایندگی مجلس اسلامی رد صلاحیت شده‌اند.

بر اساس نتایج بررسی صلاحیت‌ها مشخص شد شورای نگهبان بسیاری از داوطلبان را رد صلاحیت کرده و در این فهرست بالا بلند نام ۹۰ نماینده کنونی مجلس شورای اسلامی که برای دور بعدی داوطلب شده بودند نیز به چشم می‌خورد.

در میان ۹۰ نماینده کنونی مجلس که صلاحیت آنها برای شرکت در انتخابات مجلس یازدهم تأیید نشده نمایندگان از هر دو جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا وجود دارند. محمود صادقی، علی مطهری، تابش، الیاس حضرتی، بهروز نعمتی، غلامرضا کاتب، نقوی حسینی، حمیده زرابادی

هشدار به پروازهای اروپایی بر فراز آسمان ایران؛ لغو بسیاری از پروازهای ایران از مبدأ یا به مقصد اروپا



نیز فروخته است! پیش‌بینی می‌شود ادامه‌دار شدن توقف پروازهای هما به این کشور منجر به خسارات بسیار بالا برای هما شود.

اعلام شده است که در پرواز هواپیمای اوکراینی که هفته گذشته مورد هدف موشک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفت و ۱۷۶ سرنشین آن همگی کشته شدند، ۱۰ تبعه کشور سوئد نیز جان باختند. همچنین در این فاجعه ۸۵ ایرانی و ۴ افغان و ۳ انگلیسی جان خود را از دست دادند.

از سوی دیگر با لغو بسیاری از پروازهای خارجی از تهران به مقصد اروپا در روز یکشنبه ۲۲ دی ۱۳۹۸، روابط عمومی فرودگاه بین‌المللی «امام خمینی» در بیانیه‌ای از مسافران خواست تا قبل از حرکت به سمت فرودگاه از آخرین وضعیت پروازهای خود کسب اطلاع کنند. در این اطلاعیه آمده است که «از مسافران و استقبال‌کنندگان درخواست می‌شود حتماً قبل از حرکت به سمت فرودگاه از طریق تماس با شرکت‌های هواپیمایی از وضعیت پرواز خود کسب اطلاع کنند.»

اینهمه در پی هشدار جدید آژانس امنیت هوانوردی اروپا بسیاری از پروازها از مبدأ یا به مقصد اروپا لغو شده است.

همچنین شامگاه شنبه ۲۱ دی ۱۳۹۸ آژانس حمل و نقل سوئد در تصمیمی اعلام کرد که تمامی پروازهای شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی (هما) از ایران به سوئد تا شنبه و چهارشنبه هر هفته به مقصد استکهلم و روزهای دوشنبه هر هفته به مقصد گوتنبرگ بوده است. به گزارش رسانه‌های درون ایران شب گذشته و در پی لغو پروازها به مقصد سوئد، هواپیمایی جمهوری اسلامی به کلیه مسافران خود پیام ارسال کرد که پرواز صبح شنبه به مقصد استکهلم کنسل شده است.

کنسل شدن پروازهای شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی به کشور سوئد در حالی رخ داده که بر اساس گزارش‌ها این شرکت هواپیمایی حتی بلیت‌های خود به مقصد دو شهر استکهلم و گوتنبرگ را برای نوروز ۹۹

● **آژانس امنیت هوانوردی اروپا در بیانیه‌ای به تمامی شرکت‌های هواپیمایی اروپایی هشدار داده که تا اطلاع ثانوی بر فراز آسمان ایران پرواز نکنند.**

● **پیش‌بینی می‌شود ادامه‌دار شدن توقف پروازهای هما به این کشور منجر به خسارات بسیار بالا برای هما شود.**

● **در پرواز اوکراین که هفته گذشته مورد هدف موشک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفت ده تبعه کشور سوئد نیز جان باختند. همچنین در این فاجعه ۸۵ ایرانی و ۴ افغان و ۳ انگلیسی جان خود را از دست دادند.**

در پی شلیک موشک به هواپیمای مسافربری بوئینگ ۷۳۷-۸۰۰ اوکراین و فریبکاری سه روزه جمهوری اسلامی در قبول مسئولیت انفجار این هواپیمای آژانس امنیت هوابی اتحادیه اروپا به شرکت‌های هوابی اروپایی نسبت به پرواز بر فراز آسمان ایران هشدار داده و بسیاری از پروازهای اروپایی لغو شده است. آژانس امنیت هوانوردی اروپا که قوانین مربوط به ایمنی هوانوردی غیرنظامی و مسافربری تعیین می‌کند در بیانیه‌ای جدید به تمامی شرکت‌های هواپیمایی اروپایی هشدار داده که تا اطلاع ثانوی بر فراز آسمان ایران پرواز نکنند.

این آژانس پیشتر نیز در اطلاعیه‌ای به این خطوط هواپیمایی اعلام کرده بود که در ارتفاع زیر ۲۵ هزار پایی در آسمان این کشور پرواز نکنند. با

بحران در مهندسی افکار عمومی: کارشناس «شبکه افق» تا سکه «بهار آزادی» نگیرد، از «انقلاب» دفاع نمی‌کند!

● **به نظر می‌رسد رفتن عادل فردوسی‌پور مجری برنامه «نود»، پیوستن مزدک میرزایی مفسر ورزشی به شبکه «ایران اینترنشنال» و عدم مصاحبه‌ی وریا غفوری بازیکن فوتبال با این سازمان اکنون پس از سقوط هواپیمای اوکراینی با ۱۷۶ کشته آنهم توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همچنین اعتراضات دی‌ماه ۹۸ ابعاد گسترده‌تری یافته است تا حدی که تریبون نظام و ابزار اصلی مهندسی افکار عمومی، بیش از پیش دست به دامان مجریان، برنامه‌سازان تندرو و بازجوها و نیروهای امنیتی می‌شود.**

در حالی که محمداصداق کوشکی کارشناس «شبکه افق» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در دفاع از سیاست‌های سپاه متوسل به زشت‌گویی و فحاشی شده، یک کارگردان سینما می‌گوید این کارشناس تا سکه «بهار

آزادی» نگیرد، راجع به انقلاب حرف نمی‌زند! همزمان با اعتراضات دی‌ماه ۹۸، تعدادی از مجریان و نیروهای صدا و سیما حکومت استعفا داده و کناره‌گیری کرده‌اند. توهین و فحاشی محمداصداق کوشکی کارشناس «شبکه افق» (که از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأمین مالی می‌شود)، موجب شد تا خانه سینما طی اطلاعیه‌ای از اعضایش بخواهد از همکاری با این سازمان تا اطلاع ثانوی و عذرخواهی کوشکی و صداوسیما خودداری کنند. کوشکی در یک برنامه‌ی زنده تلویزیونی با اشاره به فراخوان لغو شدهی رخشان بنی‌اعتماد کارگردان سینما برای سوگواری کشته‌شدگان هواپیمای اوکراینی در سخنانی زشت با کنایه‌های جنسی گفته: «اگر آن بچه‌های سپاه در مرز نبودند، خانمی که تو می‌آیی فراخوان می‌زنی، می‌دانی که دست امثال عبدالملک ریگی به تو و دخترت و کس و کارت می‌رسید؟ شاید هم خوشت می‌آمد، شاید هم دوست داشتی! ولی مردم ایران دوست ندارند این اتفاق بیفتد!»

در پی واکنش‌ها به اظهارات توهین‌آمیز کوشکی، علی عطشانی کارگردان سینما در یادداشتی نوشته که این کارشناس در صورتی درباره «انقلاب»، «امام» و «اسلام» حرف می‌زند که حداقل نیم سکه یا یک سکه کامل «بهار آزادی» بگیرد!

عطشانی نوشته است: «اگر تاریخ رو اشتباه نکنم سال ۸۶ بود که برای ضبط یک مجموعه مستند راجع به ۱۷ شهریور، این آقا رو بعنوان کارشناس به ما معرفی کردن، رفتم تو اتاق ایشان توی یکی از دانشگاه‌هایی که تدریس می‌کرد، و براش توضیح دادم که ما داریم به مستند می‌سازیم راجع به اتفاقات ۱۷ شهریور و خواستم ازش به مصاحبه بگیریم، براش توضیح دادم که به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی این مستند رو می‌سازیم و توضیحات شما کمک میکنه، کمی مکث کرد و گفت چقدر میدین؟ من تعجب کردم فکر کردم شوخی میکنه، در کمال

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۵۳)

(کیهان لندن شماره ۱۳۳۴)

احمد احرار

ناز نشر

مستوفی الممالک به نطق خود چنین ادامه داد: «بیانات آقای مدرس هم نشان می‌داد که حقیقتاً اعتراض واردی نداشته و فقط یک قدری بی‌لطف بودند (مدرس - بنده کمال اخلاص را دارم) بنده هم کمال تشکر را دارم که در عین بی‌لطفی بیش از چیزی که فرمودند نفرمودند و راجع به سیاست خارجه هم آن بود که آقای ذکاءالملک گفتند.

یک فرمایشی هم آقای مدرس فرمودند راجع به قضایای گذشته و ایام مهاجرت، که در آنجا هم قدری بی‌لطفی نمودند و نسبت قصور به من دادند. در آنجا هم پیش وجدان خودم خود را مقصر نمی‌دانم و تصور می‌کنم آنچه که من کرده‌ام عین صلاح مملکت بوده است و چون کاملاً به

نظامات مجلس آشنا نیستم، نمی‌دانم این حق ممکن است داده شود یا خیر، که تقاضا کنم یک کمیسیونی تشکیل شود و در آن کمیسیون راجع به آن قسمت آنچه حقایق بوده است عرض کنم و معلوم شود که دولت خط و خیانتی نکرده است (اشاره به دولت مستوفی در دوران جنگ و جریان مهاجرت). حالا که مطالب کاملاً روشن شد و حفظ اصولی هم که آقای ذکاءالملک اشاره کردند به عمل آمد، من هیچ اصراری به ماندن ندارم و اشتیاقی هم ندارم. با این که تا یک درجه به آقایان معلوم شد که مخالفت آقایان ناطقین بی‌لطفی بوده است که از این دولت بدشان می‌آمده است (یکی دو نفر از نمایندگان - این طور نیست) می‌دانم وضعیات امروزه طوری است

این مجلس چارم به خدا ننگ بشر بود - دیدی چه خبر بود

هر کار که کردند ضرر روی ضرر بود - دیدی چه خبر بود

این مجلس چارم خودمانیم، ثمر داشت؟ - و الله که ضرر داشت

صدشکر که عمرش چو زمانه به گذر بود - دیدی چه خبر بود

دیگ وکلا جوش زد و کف شد و سررفت - باد همه دررفت

ده مژده که عمر وکلا عمر سفر بود - دیدی چه خبر بود

دیگر نکند هو، نزند جفته «مدرس» - در سالن مجلس

بگذشت اگر مدعی محشر خر بود - دیدی چه خبر بود

دیگر نزنند با قر و قنبیله معلق - «یعقوب» جعلق

«یعقوب»، خر بار کش این دو نفر بود - دیدی چه خبر بود

سرمایه بدبختی ایران دو «قوام» است - این سگه به نام است

در بی شرفی عبرت تاریخ و سیر بود - دیدی چه خبر بود

بر سلطنت آن کس که قوام است و بخوبی - شد دوسیه‌ها پر

زین دزد که دزدیش، از اندازه به در بود - دیدی چه خبر بود

هر دفعه که این قحبه رئیس الوزرا شد - دیدی که چه‌ها شد

ایندوره چه گویم که مضارش چقدر بود - دیدی چه خبر بود؟

تکفیر «سلمان، نمازی و دعایی - ملت به کجائی؟

این مسئله کی منطقی اهل نظر بود - دیدی چه خبر بود

از من به قوام این بگو؛ الحق که نه مردی - زین کار که کردی

ریدی به سر هر چه که عمامه به سر بود - دیدی چه خبر بود

با «آشتیانی» ز چه این مرد کم از زن - شد دست به گردن؟

ای کاش که بر گردن این هر دو تبر بود - دیدی چه خبر بود

دیدی که مدرس وکلا را همه خر کرد - همه تر کرد

در مجلس چارم خر نر با خر نر بود - دیدی چه خبر بود

زد صدمه «مدرس» بسی از کینه به ملت - با «نصرت دولت»

آن پوزه که عکس العمل قرص قمر بود - دیدی چه خبر بود

شهنزاده «فیروز»، همان قحبه خائن - با آن پُر چون جن

هم صیغه «کرزن» بدو هم فکر ددر بود - دیدی چه خبر بود

خواهرزن کرزن که «محمّدولی میرزا» ست - مطلب همه اینجاست

چون موش، مدام از پی دزدیدن زر بود - دیدی چه خبر بود

هر چند که «یعقوب» بنام است به پستی - در دزدپرستی

این مرد که زان مرد که هم مرد که تر بود - دیدی چه خبر بود؟

سرمایه پستی و خداوند تلون - آقای «تدین»

این زن جَلب از «داور» زن قحبه بتر بود - دیدی چه خبر بود

آقای «لسان» عرعرو تیزولگدی داشت - خوب، این چه بدی داشت؟

چون چاره‌اش آخر دوسه من یونجه تر بود - دیدی چه خبر بود

می خواست «ملک» خود برساند به وزارت - با زور سفارت

افسوس که عمامه برایش سر خر بود - دیدی چه خبر بود

آن مرد که خر، که وکیل همدان است - دیدی که چه سان است

یکبار چه کون از بن پا تا پس سر بود - دیدی چه خبر بود

آن «معمدا السلطنه» ی خائن مابون - در پشت تریبون

یکروز که در جایگه خویش پکر بود - دیدی چه خبر بود

این مجلس چارم چه بگویم که چه‌ها داشت - «سلطان علما» داشت

پس من خرم این مرد که گر نوع بشر بود - دیدی چه خبر بود

این مجلس شورا نبیدی، بود کلویی - یک مجمع خوبی

از هر که شب از گردنه بردار و ببر بود - دیدی چه خبر بود

تنها نه همین کاخ سزاوار خرابی است - این حرف حسابی است

ای کاش که سرتاسر ری زیر وزیر بود - دیدی چه خبر بود

ای ری، تو چه خاکی که چه ناپاک نهادی - تو شهر فساد

از شر تو یک مملکتی پر ز شر بود - دیدی چه خبر بود

ای کاش که یک روز ببینم که در این شهر - از خون همه نهر

در هر گذری لخته خون تا به کمر بود - دیدی چه خبر بود

این طبع تو «عشقی» به خدایی خداوند - از کوه دماوند

محکم تر و معظم تر و آتشکده تر بود - دیدی چه خبر بود

بازگردیم به گزارش عبدالله مستوفی از جلسه تاریخی مجلس شورای ملی در ۲۱ خرداد ۱۳۰۲.

«مستوفی الممالک پس از این بیانات سراپا عصبی از کرسی خطابه پایین آمده خطاب به وزرا گفت آقایان

بفرمائید و همگی به استثنای سردار سپه از مجلس خارج شدند.»

«ادامه دارد»

تأملات بهنگام؛ اسلام سیاسی: عصاره کین خواهی

و جان‌ارزانی



گردهمایی در تونرو به یاد کشته‌شدگان سقوط پرواز ۷۵۲

است. از این روست که مناسک عزاداری برای حسین، همواره سرشار از ترویج خونخواهی و انتقام از «اشقیا» و ستایش از منتقمین خون او بوده و هست. نزد شیعیان اما، انتقام از «اشقیا» به مرور زمان از شمول قاتلین حسین بن علی به هر که مخالف شیعه و معارض اوست، توسعه پیدا کرده و همراه با این موضوع، دامنه ترور و خشونت شیعیان علیه مخالفین و منکرین شیعه‌گری گسترده شده است. در حال حاضر و چهارده قرن پس از واقعه کربلا، تقریباً هر کسی که مخالف شیعه‌گری باشد، در نگاه شیعیان سیاست‌زده زمان حاضر، مشمول تعریف «اشقیا» شده و مستوجب انتقام و به قتل رسیدن است. این کینه‌ورزی کور، همواره موجب فجایعی پر هزینه و جبران‌ناپذیر شده و می‌شود. برای نمونه، پس از قتل قاسم سلیمانی، ترکیب واژگانی «انتقام سخت» چندی بر زبان اوپاش هواخواه جمهوری اسلامی جاری بود. عملیاتی شدن این واژگان که در مجموع تلفاتی بالغ بر هشتاد کشته در مراسم نعلش کشی سلیمانی در کرمان و ۱۷۶ مقتول در جنایت شلیک پدافند هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به هواپیمای اوکراینی - بعلاوه صدها میلیون دلار خسارت مالی به خزانه کشور - در پی داشت، این «انتقام سخت» را به «افضاح سخت» بدل کرد. هر چند افضاحاتی از این دست، در تاریخ شیعه‌گری کم نیستند اما «انتقام» و «کین‌خواهی» چنان در سرشت شیعه‌گری تنیده شده که پرداخت هرگونه هزینه‌ای را در تبلیغ این مفاهیم محوری در گفت‌وگو شیعه‌گری، برای مؤمنان به این مسلک، توجیه می‌کند.

تکمله

بسیاری از دولتمردان جهان غرب، چند صباحی است که پس از بارها گزیده شدن از نیش افعی اسلام سیاسی، دریافته‌اند که امکان اصلاح در این تگرش به اسلام ممکن نیست. این دریافت درست، با ظهور ترامپ در سپهر سیاسی آمریکا و حضور افرادی چون مایک پمپئو و مایک پنس در دستگاه اداره ایالات متحده، نقشی پر رنگ و محوری در سیاست خارجی دولت ایالات متحده پیدا کرده است. در این دو سال اخیر، وزیر خارجه آمریکا چند بار به صراحت اعلام کرده که آنچه حکومت کنونی ایران را اداره می‌کند، یک دستگاه بزرگ مافیایی است که یک مشت گانگستر شیعه‌ان را اداره می‌کند. دولت فعلی ایالات متحده، سیاست خارجی‌اش را بر این واقعیت استوار کرده که بایستی سر این افعی را چنان کوید که توان نیش زدن از آن سلب شود. بر مبنای این واقعیت، برخورد با جمهوری اسلامی نمی‌تواند شبیه برخورد با یک حکومت عادی - حسی مستبد - باشد. جمهوری اسلامی، تنها یک حکومت شیعه‌مذهب نیست بلکه یک فرقه مافیایی آخرالزمانی است که هیچ ارزشی برای جان آدمیان قائل نیست و اموراتش را بر پایه یک جهانبینی مبتنی بر دروغ، خدع و خدعه اداره می‌کند. طبیعی است که رفتار جامعه جهانی با این فرقه تبهکار، هیچگاه نباید مثل مراده با یک حکومت عادی و محترم در دنیای متمدن، تنظیم شود.

در جوامعی که توجه به «فردیت» و احترام به «کرامت انسان» محور اداره و سامان‌یافتگی آنهاست، هیچ دولتمرد یا مسئولی در مواجهه با بلایای طبیعی یا فجایع غیرطبیعی، در مقام پذیرش مسئولیت و عذرخواهی، برای خود یا دیگران، آرزوی مرگ نمی‌کند. علت این امر این است که جان انسان‌ها در این جوامع، ارزشمندترین سرمایه برای حفظ و قوام جامعه است و حفظ و صیانت زندگی فرد فرد باشندگان آن کشور - حتی مجرمین و منفورین اجتماع - واجب‌ترین وظیفه مسئولین و اداره‌کنندگان آن جامعه است. برخلاف چنین جوامعی، در کشورهای شیعه‌گرا که ایدئولوژی مذهبی یا بینش اشتراکی در آنها حاکم است، فردیت و جان هر انسانی، بی‌قدر و کم‌ارزش است و به راحتی می‌شود از آنها برای پیشبرد مقاصد ارباب قدرت، مایه گذاشت.

صاحب این صفحه کلید چندبار پیش از این نوشته که: «شهادت‌طلبی» روی بزرگ کرده و نام دیگر «جان‌ارزانی» و بی‌ارزشی حیات انسان‌ها، نزد باورمندان به اسلام سیاسی است. چون نیک بنگریم، آنچه بیش از هر چیز موجب بقاء سپاه پاسداران تبهکار جمهوری اسلامی یا فرقه آدمکش حزب‌الله لبنان و باقی سازمان‌های تروریستی اسلامی است، جان‌ارزان اعضای این گروه‌هاست. در واقع، تنها سرمایه فرقه‌های متنوع اسلام سیاسی، همین جان بی‌ارزش و بی‌قدر مؤمنان به این مسلک است. شخص باورمند به چنین بینشی، دشمن زندگی و بهزیستی است و مرگ - بخصوص اگر مرگ «دیگری» باشد - به هر بهانه‌ای ارجحندتر از زندگی می‌شمارد.

کین خواهی و انتقام‌جویی، محور اصلی گفت‌وگو شیعه‌گری است

روش جمهوری اسلامی از بدو تأسیس، مثل همه تبهکاران و جانپان عالم، مصداق «النصر بالرعب» بوده و بر این اساس ترور، گروگانگیری، غارت اموال مخالفین، تجاوز به نوامیس غیر خودی‌ها، خدعه و پیمان‌شکنی، رویه جاری و روزمره این فرقه تبهکار است. این مسلمانان «پاکیزه»، با استناد به آیات قرآن و سنت پیامبرشان، با «دلی آرام و قلبی مطمئن» مرتکب همه گونه جنایت شده و می‌شوند.

این مافیایی ایدئولوژیک، برای انجام هر جور تبهکاری و وحشیگری مجوز شرعی دارد و از این نظر صدبار خطرناک‌تر از گروه‌های تبهکار معمولی است. در مسلک شیعی - اسلامی این فرقه تبهکار، شما می‌توانید آدم بکشید و به بهشت بروید. می‌توانید آدم‌زدی بکنید و در عین حال، قهرمانی شجاع و خداجو باشید. می‌توانید همواره زبان به دروغ بکشایید و در عین حال ادعای شرافت کنید و نمونه اعلاای اخلاق اسلامی باشید.

مفاهیم «انتقام» و «کین خواهی» در هیچ یک از فرق و مذاهب اسلامی به قوت و اهمیتی که در مسلک شیعه پا گرفته‌اند، حضور ندارند. از ماجرای کربلا به بعد، اغلب شعبات شیعه بیش از آنکه مذاهب معنوی باشند، فرقه‌هایی با دستورالعمل‌های سیاسی بوده‌اند که انتقام از مخالفان شیعه‌گری، در ایدئولوژی و جهان‌بینی سیاسی آنها نقشی محوری ایفا کرده

● مفاهیم «انتقام» و «کین خواهی» در هیچ یک از فرق و مذاهب اسلامی به قوت و اهمیتی که در مسلک شیعه پا گرفته‌اند، حضور ندارند. از ماجرای کربلا به بعد، اغلب شعبات شیعه بیش از آنکه مذهبی معنوی باشند، فرقه‌هایی با دستورالعمل‌های سیاسی بوده‌اند که انتقام از مخالفان شیعه‌گری، در ایدئولوژی و جهان‌بینی سیاسی آنها نقشی محوری ایفا کرده است. از این روست که مناسک عزاداری برای حسین، همواره سرشار از ترویج خونخواهی و انتقام از «اشقیا» و ستایش از منتقمین خون او بوده و هست.

● جمهوری اسلامی، تنها یک حکومت شیعه‌مذهب نیست بلکه یک فرقه مافیایی آخرالزمانی است که هیچ ارزشی برای جان آدمیان قائل نیست و اموراتش را بر پایه یک جهانبینی مبتنی بر دروغ، کینه و خدعه اداره می‌کند.

یوسف مصدقی - حضور ده‌ها نفر ایرانی دو تابعیتی - به ویژه کانادایی‌های ایرانی تبار - در میان ۱۷۶ انسانی که در موشک‌پرانی سپاهیان اسلام به هواپیمای اوکراینی به شکل فجیعی کشته شدند، موجب شد که دولت‌های غربی، به دادخواهی اتباع خود برخیزند و اوپاش گرداننده «شترک سپاهی جمهوری اسلامی» را وادار به اعتراف به جنایت‌شان کنند. شک نیست که اگر اعتبار و منافع فرنگی‌جماعت در این فاجعه آسیب ندیده بود، این جنایت هم مثل باقی جنایات این چهار دهه حکومت جمهوری اسلامی، به سرعت ماستمالی و فراموش می‌شد.

آنچه اما در میان هیاهوی این فاجعه کمتر به آن پرداخته شد، تحلیل بینش حاکم بر اذهان و واژگان دست‌اندرکاران این فاجعه بود. عاملان و آمران فاجعه اخیر - که همگی از بارزترین نمونه‌های ایمان به اسلام سیاسی به شمار می‌آیند - آلوده به بینشی هستند که بر مرگ کینه‌توزی شیعیان سوار است و از سرمایه جان‌ارزان این جماعت، تغذیه می‌کند.

جان‌ارزان، مهم‌ترین سرمایه اسلام سیاسی است

روز یکشنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۹۸، حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در مجلس شورای اسلامی حاضر شد تا به توجیه جنایت ارتكابی زیردستانش در نیروی پدافند هوایی سپاه بپردازد. عمده سخنان پیریشان و سرشار از دروغ حسین سلامی، نه ارزش نقل کردن دارند و نه حتی قابل کوچکترین توجهی هستند. آنچه اما بد نیست قدری به آن پرداخته شود، بخشی از سخنرانی این سردار شکمباره سپاه اسلام است که در آن با قید سوگندهای شداد و غلاظ آرزو می‌کرد که کاش خودش و خانواده‌اش هم در آن هواپیما حضور می‌داشتند و کشته می‌شدند. فارغ از اینکه این سردار راستین سپاه اسلام دروغگوی بی‌شرمی است که محال است - حتی در راه عقاید و آرمان‌های جنایتکارانه‌اش - حاضر به سوختن و قطعه‌قطعه شدن باشد، نوع بیان او حاکی از بینشی است که میان اکثریت پاسداران جمهوری اسلامی، ساری و جاری است. برای این جماعت، جان آدمیان، حتی جان همپالکی‌ها و هم‌مسلك‌های خودشان، آنچنان کم‌ارزش و بی‌قدر است که به راحتی حاضرند آرزوی مرگ خود و دیگران را به هر بهانه‌ای در گفتار و رفتارشان بنمایند.

ماست‌ها را کیسه کردن!

اصطلاح بالا کنایه از: جا خوردن، ترسیدن، از تهدید کسی غلاف کردن و دم در کشیدن است. فی‌المثل گفته می‌شود: «فلانی چون سنبه را پرزور دید ماستها را کیسه کرد.»

یا در مثال دیگر «به محض اینکه صدای مدیر یا ناظم بلند شد بچه‌ها ماستها را کیسه کردند» و غیره...

اکنون ببینیم وقتی که ماست داخل کیسه می‌شود چه ارتباطی با ترس و تسلیم و جا خوردن پیدا می‌کند. داستان از این قرار است:

کریمخان ملقب به مختار السلطنه سردار منصوب در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار مدتی رئیس فوج فتحیه اصفهان بود و زیر نظر ظل‌السلطان فرزند ارشد ناصرالدین شاه انجام وظیفه می‌کرد.

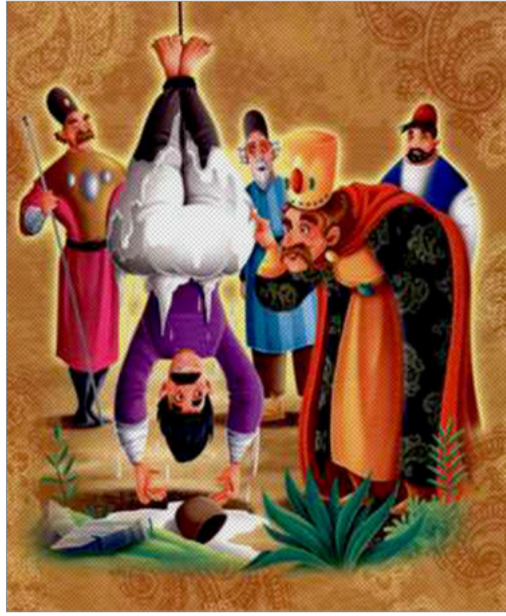
مختار السلطنه پس از چندی از اصفهان به تهران آمد و به علت ناامنی و گرانی که در تهران بروز کرده بود حسب‌الامر ناصرالدین شاه حکومت پایتخت را برعهده گرفت. در آن زمان که هنوز حکومت مشروطه در ایران برقرار نشده و شهرداری (بلدیه) وجود نداشته است حکام وقت با اختیارات تامه بر کلیه امور و شئون قلمرو حکومتی خود من جمله امر خواربار و تثبیت نرخها و قیمتها نظارت داشته‌اند و محتکران و گرانفروشان را شدیداً مجازات می‌کردند.

گدایان و بیکاره‌ها در زمان حکومت مختار السلطنه به سبب گرانی و نابسامانی شهر ضمن عبور از کنار دکانها چیزی برمی‌داشتند و به اصطلاح ناخونک می‌زدند. مختار السلطنه برای جلوگیری از این بی‌نظمی دستور داد گوش چند نفر از گدایان متجاوز و ناخونک زن را با میخهای کوچک به درخت نارون در کوچه‌ها و خیابان‌های تهران کوبیدند و بدین وسیله از بابت گدایان و بیکاره‌ها دفع شر و رفع مزاحمت شد. روزی به مختار السلطنه اطلاع داده شد که نرخ ماست در تهران خیلی گران شده و طبقات پایین از این ماده غذایی که ارزانترین چاشنی و قاتق نان آنهاست نمی‌توانند استفاده کنند. مختار السلطنه دستورات غلاظ و شداد صادر کرد و ماست‌فروشان را از گرانفروشی برحذر داشت.

چون چندی بدین منوال گذشت برای اطمینان خاطر شخصاً با قیافه ناشناخته و متنکر به یکی از دکانهای لبنیات‌فروشی رفت و مقداری ماست خواست. ماست‌فروش که مختار السلطنه را نشناخته و فقط نامش را شنیده بود پرسید: «چه جور ماست می‌خواهی؟» مختار السلطنه گفت: «مگر چند جور ماست داریم؟»

ماست‌فروش جواب داد: «معلوم می‌شود تازه به تهران آمدی و نمی‌دانی که دو جور ماست داریم: یکی ماست معمولی، دیگری ماست مختار السلطنه!»

مختار السلطنه با حیرت و شگفتی از ترکیب و خاصیت این دو نوع ماست پرسید. ماست‌فروش گفت: «ماست معمولی همان ماستی است که از شیر می‌گیرند و بدون آنکه آب



داخلش کنیم تا قبل از حکومت مختار السلطنه با هر قیمتی که دلمان می‌خواست به مشتری می‌فروختیم. الان هم در پستوی دکان از آن ماست موجود دارم که اگر مایل باشید می‌توانید ببینید و البته به قیمتی که برایم صرف می‌کند بخرید! اما ماست مختار السلطنه همین طغار دوغ است که در جلوی دکان و مقابل چشم شما قرار دارد و از یک ثلث ماست و دو ثلث آب ترکیب شده است!

از آنجایی که این ماست را به نرخ مختار السلطنه می‌فروشیم به این جهت ما لبنیات‌فروشها این جور ماست را ماست مختار السلطنه لقب داده‌ایم! حالا از کدام ماست می‌خواهی؟ این یا آن؟!»

مختار السلطنه که تا آن موقع خونسردیش را حفظ کرده بود بیش از این طاعت نیاورده به فرایشان حکومتی که دورادور شاهد صحنه و گوش به فرمان خان حاکم بودند امر کرد ماست فروش را جلوی دکانش به طور وارونه آویزان کردند و بند تنبانش را محکم بستند. سپس طغار دوغ را از بالا به داخل دو لنگه شلوارش سرازیر کردند و شلوار را از بالا به مچ پاهایش بستند.

بعد از آنکه فرمانش اجرا شد آن گاه رو به ماست‌فروش کرد و گفت: «نقدر باید به این شکل آویزان باشی تا تمام آبهایی که داخل این ماست کردی از خشکت تو خارج شود و لباسها و سر صورت ترا آلوده کند تا دیگر جرأت نکنی آب داخل ماست بکنی!»

چون سایر لبنیات‌فروشها از مجازات شدید مختار السلطنه نسبت به این ماست‌فروش آگاه گردیدند همه و همه ماستها را کیسه کردند تا آبهایی که داخلش کرده بودند خارج شود و مثل همکارشان گرفتار قهر و غضب مختار السلطنه نشوند. عبارت ماستها را کیسه کرد از آن تاریخ ضرب‌المثل شد و در موارد مشابه که حاکی از ترس و تسلیم و جاخوردگی باشد مجازاً مورد استفاده قرار می‌گیرد.

الماس‌های مشهور جهان

بجز الماس‌های دریای نور و کوه نور که در شماره‌های گذشته کیهان سرنوشت آنان به چاپ رسید، الماس‌های مهم دیگر جهان به قرار زیر است:

الماس کولینان یک یا «ستاره آفریقا»

این برلیان (الماس تراش خورده) بیش از ۵۳۰ قیراط وزن دارد. در واقع «کولینان یک» سنگین‌ترین الماس جهان است که آن هم خودش از یک قطعه الماس که بزرگترین الماس کشف شده، تراشیده شده است.

بلور الماس اولیه «کولینان یک» وزنی معادل ۲۱۰۶ قیراط داشته که به یاد مدیر عامل معدن کیمبرلی، «کولینان» نامگذاری شده است.

این سنگ همراه با ۱۰۴ قطعه برلیان ریز و درشت دیگر از همان الماس ۲۰۰۰ قیراطی اولیه در امستردام هلند تراشیده شده و در سال ۱۹۰۸ میلادی به ادوارد هفتم، پادشاه انگلستان تقدیم گردیده. «کولینان یک» قریب به ۱۰۰ سال است که در برج لندن نگهداری می‌شود و به دلایلی که معلوم نیست به آن «ستاره آفریقا» هم می‌گویند.

فلور تین
این برلیان ۱۳۷/۲۷ قیراط وزن دارد و از قدیم به عنوان اسطوره از آن یاد شده است. فلور تین در سال ۱۶۵۷ در مالکیت خانواده‌ای ایتالیایی در فلورانس قرار داشت، اما در قرن ۱۸ میلادی در تاج سلطنتی خاندان «هابزبرگ» دیده شد و پس از جنگ جهانی اول تا به امروز نیز مفقود شده است.

تیفانی
الماس تیفانی ۱۲۹ قیراط وزن دارد و در سال ۱۸۷۸ میلادی در معدن کیمبرلی در افریقای جنوبی کشف شده است. الماس یاد شده ابتدا ۲۸۷ قیراط وزن داشت، ولی وقتی توسط



الماس کولینان یک یا «ستاره آفریقا»

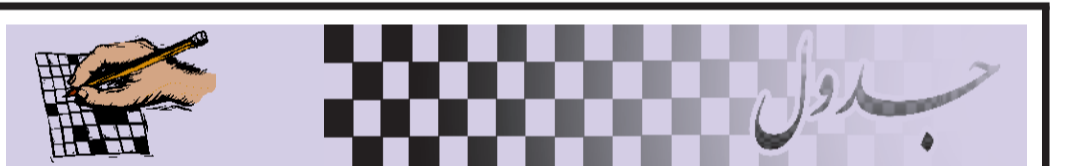
تیفانی، جواهر فروش معروف نیویورکی خریداری شد، دوباره تراشیده شد. جواهر تراشی تیفانی اعلام کرده که این الماس فروشی نیست و قرار است در خانواده تیفانی نگهداری شود.

ناسک
این برلیان با وزن تقریبی ۹۰ قیراط ابتدا در معبد شیوا قرار داشت، اما در سال ۱۸۱۸ میلادی توسط انگلیسی‌ها به این کشور برده شد و در سال ۱۹۲۷ مجدداً در نیویورک تراشیده شد. وزن فعلی آن ۴۴ قیراط است و در حال حاضر در اختیار مالکین خصوصی جواهر در ایالات متحده آمریکا قرار دارد.

الماس شاه
این الماس ۸۸/۷۰ قیراط وزن دارد و از هندوستان به ایران آورده شد. الماس «شاه» به طور طبیعی تراشیده شده و دارای سه سطح حکاکی است که اسامی سلاطین صاحب آن بر روی آن سطوح نوشته شده است. این الماس در سال ۱۸۲۹ میلادی از طرف محمد شاه قاجار به تزار نیکلای اول هدیه شد و از آن تاریخ به بعد در کاخ کرملین نگهداری می‌شود.

کولینان چهار
این برلیان ۶۳/۶۰ قیراط وزن دارد و یکی از ۱۰۵ الماس بریده شده از بزرگترین قطعه الماس کشف شده در جهان (کولینان یک) می‌باشد. «کولینان چهار» پیش از این در تاج

یک برلیان ۴۴/۵ قیراطی در سال ۱۸۳۰ میلادی توسط بانکداری به نام «هوپ» در لندن خریداری شد. احتمالاً در جریان انقلاب کبیر فرانسه از صاحب اصلی آن دزدیده شده و دوباره تراشیده شده است. در حال حاضر این برلیان تاریخی در موزه «اسمیت سونین» در آمریکا قرار دارد.
درسدن
این الماس ۴۱ قیراطی در حال حاضر در تالار سبز شهر «درسدن»، در آلمان نگهداری می‌شود. از تاریخچه اولیه این الماس اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما کارشناسان عقیده دارند که این برلیان در حدود سال ۱۷۰۰ میلادی در اختیار «اگوست شیر پنجه»، دوک ساکسون قرار داشته است.



عمودی:

- شاعر نامدار و رمانتیک روس
- نام پیشین بابل - بهزیستی - حرف تعجب
- نوعی موسیقی - غرامت - قسمتی از پا
- اشاره به دور - مرارت - واحد سنتی اندازه‌گیری وزن - اشمئزاز
- بیم - تنبیه
- توان - سرچشمه - منظره
- از سلاطین ایران
- نبرد - ناراحتی‌ها و دردها
- سپرده - سخن گفتن - ملجأ
- تکرار یک حرف - عالی و بلندپایه - بیابان - رودخانه‌ای در روسیه
- از آموختنی‌ها - حرف ندا - تکمیل شده - از اقوام ایرانی
- دریای وسیع - پشیمانی
- ورزشی است - از گل‌ها - تکرار یک حرف
- حرف‌های است ارجمند - مؤثر - معاضدت
- ظرفی است - از آثار خواندنی ویکتورهوگو

افقی:

- ایرانشناس و پژوهشگر عالیقدر و بزرگ ایران و استاد ممتاز و فقیه دانشگاه تهران
- «نه» به‌عربی - از وسایل موسیقی - شاعر و غزلسرای معاصر و فقیه ایران و سراینده «مرا بوس»
- از شهرهای ایران - خاندان ایرانی در خدمت عباسیان - بر گونه نوازند خوانندگان خوش صدا و قدیمی ایران
- دانه‌ای است - فریاد و بانگ بلند - پیامبران
- تازه - زیبایی - بلخ
- صحرا - واحد - رشته و ریسمان
- سکون - یاری - سه‌چهارم کره زمین
- پژوهشگر، شاعر و ادیب

جدول شماره قبل

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

جدول اعداد (سودوکو)

6									
5									
9									
8									
4									
3									
1									

عمودی:

- از تنیس‌بازان بزرگ جهان
- ناقل بیماری - از سدهای بزرگ جهان
- جانشین - مقصود
- محل تهیه چای، قهوه و شربت
- بلدرچین - مقدمه درک
- صحرا - شکلی است هندسی
- روان - زبان موسیقی - نقاش
- واحد - تکرار یک

حل جدول شماره قبل

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۵	۹	۳	۸	۶	۲	۷	۴	۱	۱۰
۲	۱۰	۳	۷	۶	۵	۹	۸	۴	۱	۲
۳	۹	۸	۶	۷	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰
۴	۱۰	۳	۷	۶	۵	۹	۸	۴	۱	۲
۵	۹	۸	۶	۷	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰
۶	۱۰	۳	۷	۶	۵	۹	۸	۴	۱	۲
۷	۹	۸	۶	۷	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰
۸	۱۰	۳	۷	۶	۵	۹	۸	۴	۱	۲
۹	۹	۸	۶	۷	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰
۱۰	۱۰	۳	۷	۶	۵	۹	۸	۴	۱	۲
۱۱	۹	۸	۶	۷	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰

● تا چه مدت شما ۲۸ نفر در این اطاق بودید؟

چند ماهی با هم بودیم. خیلی جالب بود، مثلا راجع به ادبیات صحبت می کردیم. درباره شعرهای سایه (هوشنگ ابتهاج) و سیاوش کسرایی، دیدگاههای متفاوتی که وجود داشت. خوب به خاطر می آید، من از شعر آرش کمانگیر سیاوش کسرایی تعریف کردم و گفتم: همین یک شعر هم که از او باقی مانده باشد، نام او را در ادبیات شعری ایران ماندگار کرده است. روحیه خوب و همبستگی زندانیان در این اطاق و یا کیفیتی که از آن صحبت کردم، مدتی بعد توجه زندانبانان را جلب کرد تا ما زندانیان این اطاق را متفرق کنند. همین کار را هم کردند و ما را به اطاقهای دیگر تقسیم کردند. تا این فضای حداقل خوبی که فراهم شده بود را نداشته باشیم. در این تقسیم کردنها، من وارد اطاقی شدم که ۹ نفر زندانی در آنجا بودند. چند روز بعد، متوجه شدم که دو سه نفر از این اطاق، قبلا در بندی از زندان اوین بودند که پسرم انوشه هم در آنجا بود. وقتی با نام طاهری خودم را معرفی کردم، یکی از آنان پرسید، آیا با انوشه طاهری نسبتی دارم؟ گفتم، پدرش هستم که او هم در زندان است. ولی نمی دانم در کدام زندان است؟ از اینکه فهمیدند من پدر انوشه هستم، مرا بوسیدند و خیلی ابراز خوشحالی کردند و به من تبریک گفتند که انوشه پسر من است. آنان از انوشه بسیار با احترام تعریف کردند که همواره مواظب رفقای زندانی بود و چقدر انسان مهربانی است و آن زندانیانی که قدری افسرده شده بودند، او همیشه مواظبشان بود و دلداریشان می داد. می گفتند که انوشه چقدر اشعار و بخصوص اشعار انقلابی از حفظ است و برای آنها شعر می خوانده و لذت می بردند و روحیه می گرفتند. می توانید تصور کنید که من الان در زندانی هستم که در بند دیگر آن پسرم زندانی است و با زندانیان سیاسی ای در این اطاق مواجه می شوم که با این عبارات از پسرم به من خبر می رسانند. نمی توانم بیان کنم که به عنوان یک پدر در آن لحظه چه حالی به من دست داد. وقتی این دوستان هم اطاق زندانی فهمیدند که من پدر انوشه هستم، مواظبت و توجهشان به من حالت خاصی داشت.

حدود چند هفته بعد، یک جوانی را به این اطاق آوردند، از زندان یکی از شهرستانها. نمی دانم از زندان بروجرد بود یا یکی از شهرهای جنوبی به اوین منتقل کرده بودند. او خیلی آتشین مزاج بود و شعرهای انقلابی به زبان می آورد که می خواهد پرچم سرخ را به اهتزاز درآورد و از این گونه شعرها آن هم در زندان لاجوردی. خلاصه متوجه شدیم که او شرایط زندان اوین و لاجوردی را نمی شناسد. به او گفتم، پسر جان! با این حرفها برای خودت مشکل ایجاد می کنی، هر وقت توانستیم از این جهنم جان سالم بدر ببریم، فرصت زیادی برای این حرفها است. بعد از چند روز به تدریج به اتفاق چند نفر از زندانیان دیگر این اطاق، توانستیم این جوان پرشور و آتشین مزاج را آرام کنیم.

● از اواخر سال ۱۳۶۲ یا اواسط سال ۱۳۶۳ به تدریج تغییراتی در زندانها پیدا می شود. این وضعیت جدید مربوط می شود به طرز برداشت و تلقی آیت الله منتظری در برخورد با زندانیان سیاسی و مخالفت او با تواب سازی اسدالله لاجوردی و دیگر اعمال وحشتناک او با زندانبانان سیاسی. تا آن مقطع زمانی، مقاماتی در حکومت اسلامی و در راس آنها آیت الله خمینی از اعمال لاجوردی در زندانها پشتیبانی می کردند. خاطرات و تجربیات خودتان را از این دوره و تغییرات در زندان اوین بفر ما بید.

- اولین بار که به این اختلاف درون حکومت درباره زندان متوجه

سالمها وقت لازم است تا ابعاد همه جانبه جنایات رژیم در زندانها روشن شود

پرونده این جنایات زمانی می تواند بسته شود که جمهوری اسلامی در کار نباشد

خاطرات رضا طاهری در گفتگو با حمید احمدی (۳)

باز نشر

هم که تمنان نبود. آن روز خیلی به ما سخت گذشت. وقتی وارد آن اطاق شدیم، معلوم بود که قبلا زندانی ای در اینجا نبوده و یک انباری بود که بوی رطوبت می داد. اعتراض کردیم که این چه جایی است ما را آوردید؟ گفتند الان درستش می کنیم و رفتند ۶- ۵ بخاری علاوه الدین آوردند تا اطاق را گرم کنند. بخارهایی که آورده بودند همه کهنه و شکسته و با بوی دود بخاری، همه مان سردرد گرفتیم. صدا کردیم که این بخاریها خراب است، سردرد گرفتیم، اینها را ببرید. آن بخاریها را بردند و رفتند یک تعداد بخاری دیگر آوردند، اگر چه این بخاریها هم کهنه بود، ولی بهتر بود. بعد تعداد زیادی پتو آوردند و پتوها هم بوی داد. آن شب را به سختی سر کردیم ولی روزهای بعد وضع بهتر شد.

● از این ۴۰ نفر، آیا کسانی از همان زندانبانان اطاق ۲۸ نفره که قبلا درباره آن صحبت کردید هم بودند؟

- بله، آن دسته دوستانی که بالای ۶۰ سال بودند، در آن اطاق ۲۸ نفره با هم بودیم و چند نفر جدید مثل محمد علی جعفری، هنرپیشه معروف، جمشید هرمز

● برادر محمود هرمز از مسئولان جمعیت طرفداران صلح قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؟

- بله، دکتر جاویدفر را هم به این اطاق آوردند. او کاندیدای حزب توده از کرمانشاه بود که مرا به عنوان توده ای خوب می شناخت و مدتی هم مسئول حزبی من بود و با خانه ما رفت و آمد داشت. او انوشه را هم خوب می شناخت. در این مدت زندان، در اثر شکنجه هایی که به دکتر جاویدفر کرده بودند، یک چشمش کور شده بود. او را در جریان قتل عام زندانیان سیاسی تابستان سال ۱۳۶۷ اعدام کردند.

دکتر جاویدفر قبلا مدتی در بندی در اوین زندانی بود که انوشه هم آنجا بود. وقتی از حال انوشه پرسیدم، خیلی غمگین شد و گفت: او نمیدانست که تو هم در زندان هستی. شروع کرد از انوشه حرف زدن که چگونه او با روحیه باورنکردنی به همه زندانیان دور و برش کمک می کند، به کسانی که علاقمند بودند، درس انگلیسی می داد. به زندانبان خسته، دلداری می داد و شعرهای انقلابی می خواند. پس از اینکه حرفهایش را تمام کرد، نگاهی به چشمانم انداخت و گفت: رضاجان! به تو تبریک می گویم که انوشه پسری داری، امیدوارم از زندان آزاد بشود و به مردم و جامعه بتواند خدمت کند. از او تشکر کردم. از او پرسیدم که چشمت چه آسیبی دیده؟ گفت: «آقدر شکنجه ام کردند و در یکی از ضربه ها با لگدی که به چشمم وارد کرده بودند، یک چشم من کور شده است.»

در زندانهای آن سالها، از این دست اعمال ضدبشری خیلی زیاد بود. هنوز سالهای دراز وقت لازم است تا ابعاد همه جانبه جنایاتی که رژیم در زندانها روشن شود. واقع، پرونده این جنایات زمانی می تواند بسته شود که جمهوری اسلامی در کار نباشد.

در این اطاق، یک نفر دیگر را هم مدتی بعد آوردند به نام صاحب الزمانی، توده ای بودند. سن او کمتر از ۶۰ سال بود، چون مریض بود، او را هم به این اطاق آورده بودند. تعریف می کرد، موقعی که برای بازداشتش آمده بودند، خود را از پشت بام به بیرون پرتاب کرده بود و یک پایش شکست. او می گفت: ۴ ماه است که هر روز می گویند می آیم ترا برای معالجه می بریم و هنوز که هنوز است، دارند می آیند. روزی که من از زندان می خواستم آزاد شوم، پیغامی برای خانواده اش داد تا آن را برسانم. این کار را کردم و به همسرش که به کمک مالی احتیاج داشت، کمک کردم. متأسفانه، او را هم در تابستان سال ۱۳۶۷ در قتل عام زندانبانان سیاسی اعدام کردند.

دنباله دارد

گذر از کوههای سَرهَر (۳)



رضا طاهری و همسرش نزهت حافظی در میان فرزندان (سال ۱۳۴۹)
(از راست) ردیف پائین: بابک، عباس، خسرو؛ ردیف بالا: کاوه، سیامک و انوشه

منتظری را پخش کردند که خطاب به زندانیان بود و زندانبانان را نصیحت می کرد، مواظب خودتان باشید. ما هم داریم اقداماتی می کنیم تا زمینه ای فراهم شود از زندان بیرون بیایید و به کشورتان خدمت کنید. خلاصه حرفهایش این بود که فعلا زمینه تغییراتی در زندانها فراهم شده، این موقعیت را درک کنید.

● با این تغییراتی که با انتخاب نمایندگان آیت الله منتظری به عنوان مسئولین جدید در زندانها پیش آمد، در وضع شما چه تغییری حاصل شد؟

- در این بند زندان که من بودم، روزی اسم چهار نفر را خواندند. اسم من جزو این چهار نفر بود. حدود ۴۰ نفر بودیم که سن شان ۶۰ سال به بالا بود. یعنی این تعداد زندانبانان ۶۰ سال به بالا را خواستند در یک محل جمع کنند تا وضع بهتری را برای آنها به خاطر بالا بودن سنشان فراهم کنند. آن موقع، آنقدر به اصطلاح شیر تو شیر بود که حتی قبلا محلی را که قرار بود ما را ببرند آماده نکرده بودند. عصر روز ۴ آذر ۱۳۶۳، این ۴۰ نفر را از اطاقها و یا بندهای مختلف جمع کردند. آن روز هوا خیلی سرد بود و باران شدیدی هم می بارید. چون جایمان را آماده نکرده بودند، حدود ۳ ساعت بیرون توی سرما ایستادیم. همه ما از سرما می لرزیدیم و لباس درست و حسابی

به عنوان مسئولین زندان انتخاب شدند. یک معمم جوانی بود به نام مجید انصاری و یک نفر دیگر هم بود. الان اسمش یادم رفته است و آمده بود و از سابقه زندانش در زمان شاه صحبت می کرد و گفت: «اگر شکایتی دارید، بگویید. یک صندوق شکایات هم درست کرد، آدم چاخانی به نظرم آمد. دو نفر دیگر هم بودند به نامهای فروتن و ناصری.»

● این ناصری همان ناصری که در ایام کشتار بزرگ زندانبانان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ دستیاران «کمیسون مرگ» بوده، نباید بوده باشد؟

- خیر، نبوده. این ناصری دیگری است. این شخص معمم بود، و آن یکی که جزو گروه کمیته کشتار سال ۱۳۶۷ بود، اسمش ناصریان بود. من با این ناصری که همراه مجید انصاری و دیگران بعد از لاجوردی به زندان آمده بودند، صحبت کردم و مدتی بعد تقاضایی از او کردم که انجام شد، بعدا راجع به آن صحبت می کنم. بعد از آمدن این زندانبانان جدید، تغییراتی در زندان داده شد و در واقع، آمدن حجازی به زندان اوین و آن سخنرانی اش، مقدمه آن بود. خوب به خاطر دارم، مدت کوتاهی بعد از این تغییرات، روزی ما را بردند به سالی و از طریق همان سیستم تلویزیون مداربسته، صدای آیت الله

شدم، در زمان آمدن فخرالدین حجازی به زندان اوین بود. روزی همه زندانبانان سیاسی را جمع کردند، دقیقا یادم نیست که آمدن حجازی در چه ماهی در سال ۱۳۶۳ بود. من آن روز هم مریض بودم و به سختی می توانستم راه بروم ولی خودم را کشاندم به آنجا و به دیوار تکیه دادم و ناظر شنیدن حرفهای حجازی بودم. فخرالدین حجازی در آن روز طی یک سخنرانی گفت: «من از طرف حضرت آیت الله العظمی منتظری جانشین رهبر انقلاب به اینجا آمده ام و از طرف ایشان برای شما پیغام آوردم که جای شما در اینجا نیست و جای شما درون ملت است که باید کاری بکنید تا بیایید بیرون و به کشورتان خدمت کنید.» موقعی که حجازی چنین حرفهایی را با این مضمون می زد، لاجوردی هم کنارش ایستاده بود. زندانبانان شعارهایی به نفع آیت الله منتظری دادند. وقتی صحبتهای حجازی تمام شد و می خواست بروم، لاجوردی رو کرد به حجازی و گفت: «آقای حجازی! بنده عرض دارم، اینها را اینجوری نبینید، اینها خوب بشو نیستند.»

در واقع، لاجوردی درست نقطه مقابل حجازی موضع گیری کرد و سپس گفت: «آقای حجازی! می خواهید به شما نشان بدهم؟ بلافاصله اشاره کرد و خانمی را صدا کرد - معلوم بود که همه این کارها

را از قبل برای این صحنه سازی آساز کرده بود - به نام خانم فامیلی. لاجوردی خطاب به این خانم گفت «بلند شو و کارهای خودت را بگو!» این خانم وقتی خواست شروع کند تا مطابق میل لاجوردی حرف بزند، یک مرتبه ساکت شد و چیزی به زبان نیاورد. لاجوردی با حالت آشفته گفت «بگو! بگو!» اما این خانم هیچ کلمه ای به زبان نیاورد. یک نفر دیگر را صدا کرد ولی قبل از اینکه این صحنه سازی لاجوردی ادامه پیدا کند، فخرالدین حجازی نگاه معنی داری به لاجوردی انداخت و گفت: «آقای دادستان! متشکرم، آقای دادستان! متشکرم» حجازی این کلمه متشکرم را با چنان لحنی گفت که معلوم می شد نه تنها لاجوردی را تایید نکرده، بلکه به طور مشخص یک توهین بود به لاجوردی.

حجازی پس از ادای این کلمات، از سن بالای محل سخنرانی پایین آمد و بدون اعتناء به لاجوردی به راهش ادامه داد و رفت. لاجوردی فهمید که حجازی خیلی بدش آمده، مثل یک پادو به دنبالش راه افتاد. بعد از آن روز، ما دیگر لاجوردی را ندیدیم. در حالی که لاجوردی در آن روزها مرتب به زندان اوین می آمد چون مشغول گسترش دادن زندان اوین بودند و کسانی داشتند دل کوه را می شکافتند تا زندان اوین را که گسترش دهند. بعد از آن، از طرف آیت الله منتظری کسان جدیدی

علی خامنه‌ای می‌گوید آن چندصد نفری که عکس قاسم سلیمانی را پاره کردند ملت ایران نیستند!



برای پر کردن جمعیت نمازگزار در مصلی صدها نظامی اعم از سرباز و دانشجوی نظامی به اجبار به نماز جمعه منتقل شدند

به پایگاه‌های تقریباً خالی آمریکا در عراق پرداخت و گفت: «ضربه‌ای در خور تدبیر بود اما مهمتر از ضربه نظامی ضربه حیثیتی به هیبت ابرقدرتی آمریکا بود.» او افزود «در واکنش به این حمله اعلام کردند تحریم‌ها را افزایش می‌دهند اما با این کار نمی‌تواند آبروی از دست رفته آمریکا را برگرداند.» او همچنین تاکید کرد: «فریاد انتقام، سوخت حقیقی موشک‌هایی بود که به پایگاه آمریکا اصابت کرد.»

رئیس‌جمهوری اسلامی در ادامه خطبه‌ها با اشاره به اینکه «حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی را به چشم یک فرد نگاه نکنیم و به چشم یک مکتب و مدرسه دست‌آموز نگاه کنیم» توصیه کرد «سپاه قدس را نباید به عنوان یک مجموعه و سازمان اداری ببینیم، بلکه به عنوان یک نهاد انسانی و دارای انگیزه‌های بزرگ و روشن انسانی مشاهده کنیم.»

او در این بخش با نادیده گرفتن تمام ادعاهایی که تا کنون از سوی نظام مطرح می‌شد که در سوریه و عراق حضور نظامی ندارد تاکید کرد: «سپاه قدس رزمندگان بدون مرز هستند و هر جایی نیاز باشد حضور پیدا می‌کنند.» او در ادامه در مخالفت با معترضان و مخالفان سیاست‌های جاه‌طلبانه جمهوری اسلامی گفت: «فریب‌خوردگانی که شعار نه غزه نه لبنان سر دادند، نه جان خود بلکه حتی راحتی و منافع‌شان را هم حاضر نشدند در راه ایران فدا کنند. ملت ایران نشان داد از خط مجاهدت شجاعانه دفاع می‌کند و به نمادهای مقاومت عشق می‌ورزد و طرفدار مقاومت است و طرفدار تسلیم نیست... دلقک‌های آمریکایی که به دروغ و با رذالت می‌گویند در کنار مردم ایران هستند، ببینند مردم ایران چه کسانی هستند. آیا چند صد نفری که به عکس سردار عزیز ما اهانت می‌کنند مردم ایران هستند یا جمعیت عظیم و میلیونی که خودشان را در خیابان‌ها نشان می‌دهند؟»

سقوط هواپیما ابهاماتی داشت
بخش دیگری از خطبه‌های خامنه‌ای مربوط به سرنگونی هواپیمای اوکراینی بود که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا «رزمندگان بدون مرز» درون مرزهای ایران در حوالی تهران هدف موشک قرار گرفت و ۱۷۶ کشته بر جای گذاشت؛ او در این سخنان طولانی فقط در اینجا به خانواده قربانیان تسلیت گفت ولی به عنوان فرمانده کل قوا از مردم و بازماندگان عذرخواهی نکرد بلکه با تشکر از فرماندهان سپاه پاسداران برای اینکه در مورد سقوط آن مجبور شدند توضیح بدهند تاکید کرد: «این حادثه ابهاماتی دارد و باید پیگیری شود و از حوادث مشابه هم بطور جدی پیشگیری شود. پیگیری مهم است مهمتر از آن پیشگیری از تکرار این حوادث است.»

عده‌ای احساساتی‌اند جوان‌اند و فریب می‌خورند
او در ادامه گفت: «همان اندازه‌ای که ما از حادثه سقوط هواپیما غصه خوردیم و غم بر دل ما فرود آمد، دشمن ما به همان اندازه خوشحال شد، به خیال اینکه مستمسکی به دست آورده است که بتواند سپاه پاسداران، نیروهای مسلح و نظام جمهوری اسلامی ایران را زیر سوال ببرد... حادثه سقوط هواپیما حادثه تلخی بود و در آن شکی نیست لکن عده‌ای به تبع رادیو و تلویزیون انگلیس و آمریکا موضوع را چنان نمایش دادند که یوم‌الله ناشی از شهادت سلیمانی و ابومهدی المهندس را به

رئیس‌جمهوری اسلامی حضور هواداران نظام در مراسم تشییع جنازه سلیمانی که ده‌ها تن در آن زیر دست و پا کشته و زخمی شدند و حمله موشکی به پایگاه تقریباً خالی آمریکا در عراق را «یوم‌الله»، «معجزه» و «دست قدرت الهی» خواند!

خامنه‌ای به جوانان معترض حمله کرد و گفت: آیا چند صد نفری که به عکس سردار عزیز ما اهانت می‌کنند مردم ایران هستند یا جمعیت عظیم و میلیونی که خودشان را در خیابان‌ها نشان می‌دهند؟

او با توهین به مردم معترض ایران گفت: فریب‌خوردگانی که فریاد زدند نه غزه نه لبنان، هیچ آرامش خود را نیز فدای ایران نکردند.

خامنه‌ای بدون آنکه به عنوان فرمانده کل قوا از بازماندگان فاجعه سقوط هواپیما عذرخواهی کند گفت: سانحه سقوط هواپیما ابهاماتی دارد و باید پیگیری شود و از حوادث مشابه هم بطور جدی پیشگیری شود.

رئیس‌جمهوری اسلامی که از فعال شدن مکانیسم ماشه عصبانی است گفت: «انگلیس خبیث، فرانسه و آلمان به معنای واقعی کلمه پادو آمریکا هستند، مذاکره‌شان با دغل و فریبکاری آمیخته است» ولی بعد گفت که از مذاکره با همین «خبیث‌ها» و «پادو‌ها» ابایی ندارد!

رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، جمعه ۲۷ دی‌ماه، در نماز جمعه تهران خطبه خواند و به عنوان فرمانده کل قوا بدون عذرخواهی از خانواده قربانیان سرنگونی سقوط هواپیمای اوکراینی با ۱۷۶ سرنشین توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حمله موشکی به پایگاه‌های خالی آمریکا و حضور حامیان نظام در مراسم تشییع جنازه قاسم سلیمانی را که ده‌ها نفر در آن زیر دست و پا کشته و زخمی شدند، «یوم‌الله» نامید.

علی خامنه‌ای در بخشی از این خطبه‌ها، روزهای حمله به پایگاه آمریکا در عراق و حضور حامیان نظام در مراسم تشییع جنازه قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس را «نقطه عطف تاریخ و تاریخ‌ساز» دانست و با اشاره به اینکه اینکه این روزها عادی نیستند گفت: «اینکه یک نیرویی یک ملتی این قدرت و توان روحی را دارد که به یک قدرت متکبر زورگوی عالم این گونه سیلی بزند، نشان دهنده دست قدرت الهی و ایام‌الله است». خامنه‌ای گفت چنین رویدادی «معجزه» و «دست قدرت الهی» است.

رئیس‌جمهوری اسلامی با اشاره به جزئیاتی از جریان کشته شدن سلیمانی و همراهانش گفت: «در میدان با او روبرو نشدند او را دزدانه و بزدانه، دولت آمریکا او را ترور کرد و خودشان اعتراف کردند این مایه روسیاهی آمریکا در این منطقه شد. تا قبل از این حادثه اینطور کارها مخصوص رژیم صهیونیستی بود. رهبر حماس را ترور کردند، رهبر جهاد را ترور کردند و گفتند ما ترور کردیم. آمریکایی‌ها آدم خیلی کشتند در عراق، افغانستان، هر چه توانستند آدم ترور کردند منتهی اعتراف نمی‌کردند. اینها اعتراف کردند که ترور کردیم. خدای متعال پشت سر افراد می‌زند تا اعتراف کنند. اعتراف کردند که ما ترور جهاد هستیم رسوایی از این بزرگتر می‌شود.» خامنه‌ای بار دیگر به تمجید از حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

● رضا تقی‌زاده: این حمله موقعیتی را در اختیار آمریکا قرار داد که بتواند کارت‌های بعدی را بازی کند

● رضا تقی‌زاده: تهدید آمریکا علیه جمهوری اسلامی که از طریق سفارت سوئیس در تهران به مقامات نظام اعلام شد بسیار جدی و بیشتر چراغ قرمز بود تا چراغ سبز!

● «در حمله موشکی به عین‌الاسد عملاً لطمه‌ای به آمریکا وارد نشد اما موقعیتی را در اختیار آمریکا قرار داد که بتواند کارت‌های بعدی را بازی کند.»

● «با اجرای مکانیسم ماشه بدون مصوبه تازه‌ای تحریم‌های شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی بر خواهد گشت.»

● «جمهوری اسلامی سه چهار ضربه از مردم در داخل کشور و با کشته شدن قاسم سلیمانی در خارج از کشور توسط آمریکا خورده‌اند و حالا اقدام اروپا هم با فعال کردن مکانیسم ماشه اضافه شده است.»

● «ترامپ می‌گوید مذاکره بکنند یا نکنند مهم نیست. یعنی آنها به روند سیاست‌های خودشان توجه می‌کنند. تحول چشمگیری که اکنون وجود دارد، تاکید ترامپ بر رعایت موازین حقوق بشری است و اینکه این‌بار به روشنی می‌گوید اینترنت را قطع نکنید و تظاهرکنندگان را نکشید! اینها به خط قرمز تبدیل می‌شود.»

مقامات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادعا می‌کنند در حمله موشکی به دو پایگاه آمریکایی در عراق که ۱۸ دی‌ماه (۸ ژانویه) صورت گرفت دست‌کم ۸۰ آمریکایی کشته و ۲۰۰ نفر زخمی شدند اما مقامات آمریکایی از جمله دونالد ترامپ می‌گویند این حملات هیچ تلفات جانی در پی نداشته است.

حتی پیش از انجام این حمله نیز گزارش‌ها و تحلیل‌های منتشر شده از سوی کارشناسان و همچنین اظهارات مقامات رسمی آمریکا بیانگر آن بود که دولت آمریکا و نیروهای آمریکایی مستقر در پایگاه عین‌الاسد از حمله موشکی سپاه پاسداران اطلاع داشته و کاملاً آماده بودند.

سرهنگ انتوانت چیس فرمانده پایگاه ساعت ۱۱ شب ۶ ژانویه (حدود دو ساعت و نیم قبل از اصابت موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به نیروهای تحت امرش در پایگاه عین‌الاسد دستور داد که به پناهگاه‌ها بروند.

سرهنگ میلز کگینز یک سخنگوی ائتلاف به رهبری آمریکا حاضر در پایگاه به خبرنگارانی که برای بازدید به عین‌الاسد رفته بودند نیز گفته بود، «در ساعت ۱۱:۳۰ تمامی اطلاعات رسیده حاکی از اتفاقی قریب‌الوقوع بود. به ما گفته شد که بدترین اتفاق احتمالاً یک حمله موشکی است. به همین دلیل ما از قبل آگاه بودیم.»

به گفته او به محض شلیک موشک‌ها، نیروهای آمریکایی از طریق منابع اطلاعاتی در جریان قرار گرفتند که موشک‌ها در حال پرواز به سمت عین‌الاسد هستند.

در همین حال رویترز به نقل از دو نظامی عراقی مستقر در پایگاه عین‌الاسد حمله حدود هشت ساعت قبل از حمله موشکی ایران به این پایگاه سربازان عراقی و آمریکایی

چرا موشک‌پرانی سپاه پاسداران به پایگاه عین‌الاسد بی‌پاسخ ماند؟



دو سرباز آمریکایی در حال جارو کردن آثار باقی مانده از حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به پایگاه «عین‌الاسد»

در تکاپو برای انتقال تسلیحات و نظامیان مستقر در پایگاه به سنگرهای مستحکم و امن بوده‌اند. سرهنگ تیم گرلند یکی از فرماندهان نیروهای آمریکایی مستقر در پایگاه عین‌الاسد به خبرنگاری فرانسه گفته «ساعت‌ها پیش از آنکه سپاه پرتاب موشک به سوی این پایگاه را آغاز کند، فرماندهان آمریکایی از آن عملیات آگاهی داشته و کلیه نفرات را به پناهگاه‌های امن فرستاده‌اند.» او می‌گوید «پرتاب موشک برای نمایش، کاری بی‌سابقه است.»

از سوی دیگر محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی ۱۸ دی‌ماه تاکید کرد که این حمله با اطلاع دولت و نیروهای مسلح عراق صورت گرفت که این اظهارات از سوی مقامات نظامی جمهوری اسلامی رد نشد. این «نمایش موشکی» نشان داد که جمهوری اسلامی حتی پس از حذف خونین قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و چند فرمانده دیگر و همراهان آنها در عراق، از دیوانگی پرهیز کرده و با اطلاع پیشاپیش و انجام یک حمله نمایشی، همچنان امیدوار به معامله در حیاط خلوت است.

«انتقام سخت» از سوی مقامات ارشد جمهوری اسلامی از جمله علی خامنه‌ای که به «سیلی» کاهش یافت، اگر واقعی می‌بود نمی‌بایست مستقیم و غیرمستقیم به اطلاع آمریکایی‌ها برسد! پس چرا مطرح شد؟! برای ساکت کردن حزب‌اللهی‌ها و هواداران قاسم سلیمانی که این احتمال مطرح است که سردارشان قربانی خود جمهوری اسلامی شده باشد؟! کیهان لندن در گفتگو با دکتر رضا تقی‌زاده تحلیلگر مسائل سیاسی به طرح پرسش‌هایی در این زمینه پرداخته است.

● این حمله که شواهد نشان می‌دهد با چراغ سبز آمریکا بوده چه پیامی داشت؟

نمی‌دانم که چراغ سبز بوده یا توافق قبلی ولی این را می‌دانم که تهدید آمریکا علیه جمهوری اسلامی که از طریق سفارت سوئیس در تهران به مقامات نظام اعلام شد بسیار بسیار جدی بود و حتی تلویحا گفته شد در صورت تخطی جمهوری اسلامی از خط قرمزهای آمریکا، مثلاً کشته شدن سرباز آمریکایی یا پیمانکار آمریکایی، ممکن است آمریکا از مجموعه‌ی ظرفیت دفاعی خود علیه جمهوری اسلامی استفاده کنند و وقتی جنگ عادی با استفاده از تجهیزات نظامی متعارف، پورش هوایی، استفاده از موشک و جنگ سایبری انجام می‌شود، جنگ اتمی یعنی استفاده از کلاهک موشک‌هایی که بار اتمی کمتری دارند؛ و این در پیامی که از طریق سفارت سوئیس به جمهوری اسلامی منتقل شد مورد اشاره قرار گرفت و همین هم دلیل واکنش محمدجواد ظریف بود که آن را گستاخانه تلقی کرد.

آمریکایی‌ها آماده بودند برای خنثی کردن تهدید از هر ظرفیتی استفاده کنند و این را نمی‌دانم می‌شود به عنوان چراغ سبز از طرف آمریکا به جمهوری اسلامی تعبیر کرد یا چراغ قرمز!

● در نهایت اما یک «حمله کنترل شده» یا به تعبیر سرهنگ تیم گرلند «نمایش موشکی» صورت گرفت. آمریکا با چه هدفی اجازه چنین مانوری را داد؟ سیاست داخلی آمریکا در

معادلات دونالد ترامپ مهم است. مناسبات آمریکا و اروپا نیز در این تصمیم‌گیری‌ها مهم است. جمهوری اسلامی وقتی اقدام به حمله موشکی علیه خاک کشور همسایه کرد این به عنوان تجاوز به حدود ملی آن کشور محسوب می‌شود؛ چنانکه دیدیم پادشاه عربستان در بیانیه‌ای صریحاً به آن اشاره کرد؛ از دید مردم آمریکا نیز یک هجوم غیرعادی علیه منافعی آمریکا به شکل مستقیم بود. در جایی که حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گوید ما در این حمله فقط نشان دادیم که نقطه‌زن هستیم! حالا توضیح اینکه کدام نقطه را زدند نمی‌دهد اما در نتیجه‌ی نقطه‌زن بودن که می‌خواستند ثابت کنند در فناوری موشک پیشرفت کرده‌اند عملاً لطمه‌ای به آمریکا وارد نشد اما موقعیتی را در اختیار آمریکا قرار داد که بتواند کارت‌های بعدی را بازی کند.

یکی از این کارت‌ها تصمیم اتحادیه اروپا بود که «مکانیسم ماشه» را علیه جمهوری اسلامی به کار انداختند. مفهوم به کار انداختن مکانیسم ماشه رسیدن به تحریم‌هایی است که قبلاً شورای امنیت در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ علیه ایران تصویب کرده بود و یکی از این مصوبات با اشاره به ذیل ماده ۷ منشور ملل است که ایران را یک تهدید منقطع‌الهی معرفی می‌کند و تلویحا اجازه‌ی اقدام نظامی برای خنثی کردن این تهدید را می‌دهد. در فاصله حداکثر دو ماه که با به کار افتادن مکانیسم ماشه می‌تواند عملاً تاثیر آن را در سه یا چهار مرحله دید، بدون مصوبه تازه‌ای، تحریم‌های شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی بر خواهد گشت. اروپا یک سال است در مقابل فشارهای آمریکا مقاومت می‌کند اما بالاخره ماشه اتمی را کشید. مسئله حکومت امروز ایران مسئله نمایش قدرت و یا رسیدن به نقطه ضعف است. سه چهار ضربه از مردم در داخل کشور و با کشته شدن قاسم سلیمانی در خارج از کشور توسط آمریکا خورده‌اند و حالا اقدام اروپا هم با فعال کردن مکانیسم ماشه اضافه شده که در حقیقت یک نمایش اتحاد سیاسی بین کشورهای دو سوی آتلانتیک است که حتی هضم آن هم برای جمهوری اسلامی دشوار است. رواق دونالد ترامپ یک اقدام حساب شده انجام داد که نتایج راهبردی آن به مراتب بیشتر از نتایج موضعی و کوتاه‌مدت آن است. در انتقام خون یک پیمانکار آمریکایی که در حمله راکتی حشدالشعبی کشته شد و همچنین به تلافی حمله به سفارت آمریکا در بغداد «حاج قاسم» و رفقا کشته شدند. یک روز پیش از آنهم در حملات آمریکا به میل حشدالشعبی در ۴۵ و ۴۶ حشدالشعبی در الانبار ده‌ها نفر کشته و زخمی شدند اما پس از حمله موشکی سپاه پاسداران به عین‌الاسد آمریکا هیچ واکنشی نشان نداد

● با این توضیحات آیا می‌توانیم بگوییم حمله به عین‌الاسد دام ترامپ برای جمهوری اسلامی بود؟ - حالا اگر اسم آن را «دام» بگذاریم اینطور نیست که بگویند شما به ما حمله کنید! اما توضیحی که می‌دهند این است که اگر از خط قرمزهای آمریکا عبور شود ما واکنش نشان می‌دهیم و آنها هم از پیش می‌گویند هدف را انتخاب کردیم و این زمان قرار است شلیک کنیم...

ادامه در صفحه ۱۷

سه سناتور جمهوریخواه خواستار رسیدگی به نقض احتمالی قوانین آمریکا به دلیل فعالیت‌های حمایتی نایاک از جمهوری اسلامی شدند



شنبه ۲۵ ماه مه ۲۰۱۹ (چهار خرداد) هزاران نفر از کاربران توییتر با ترند کردن هشتگ «#NIACLobbies4Mullah» (لایبی نایاک برای ملاحا) اعلام کردند «شورای ملی ایرانیان آمریکا» (نایاک) صدای مردم ایران نیست

● نایاک که به عنوان یک موسسه غیرانتفاعی در آمریکا ثبت شده ولی روابط بسیار نزدیکی با مقامات بلندپایه رژیم ایران دارد و به دلیل تلاش‌های این نهاد برای دلالتی جهت ملاقات میان مقام‌های ایران و آمریکا در راس موضوعات مربوط به امنیت عمومی قرار گرفته است.

● شمار زیادی از تریبون‌هایی که به نقل از نایاک سخن‌پراکنی می‌کنند و نایاک آنها را حمایت می‌کند مدام خوراک‌های تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی را تکرار می‌کنند.

● فعالیت نایاک‌ها سبب شد قانونگذاران به دنبال تحقیقاتی باشند که ببینند آیا اقدام آنها برخلاف قوانین آمریکاست یا نه.

به گزارش «واشنگتن فری بیکن» سه سناتور جمهوریخواه آمریکایی تام کاتن، تد کروزر و مایک براون در نامه‌ای به ویلیام بار رئیس دادگستری آمریکا خواستار بررسی نقض احتمالی قانون «ثبت نهادهای خارجی» توسط گروه نایاک شده است.

نایاک متهم به تبلیغ و لابیگری برای جمهوری اسلامی ایران است. این گروه در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما با دادن اطلاعات غلط باعث ارزیابی غلط کنگره آمریکا شده‌اند تا زمینه توافق اتمی در سال ۲۰۱۵ فراهم شود.

نایاک که به عنوان یک موسسه غیرانتفاعی در آمریکا ثبت شده روابط بسیار نزدیکی با مقامات بلندپایه رژیم ایران دارد و به دلیل تلاش‌های این نهاد برای دلالتی جهت ملاقات میان مقام‌های ایرانی و آمریکایی در راس موضوعات مربوط به امنیت عمومی قرار گرفته است.

وقتی دولت اوباما تصمیم به انعقاد توافق اتمی با جمهوری اسلامی گرفت، نایاک به عنوان نوعی واسطه و دلال و به گفته بن رودس قائم‌مقام مشاور امنیت ملی آمریکا مانند «تاق پژواک» عمل می‌کرد و با سانسور و تحریف و اطلاعات غلط در مناسبات بسته با کاخ سفید و شبکه‌ای از مقامات دولت اوباما تلاش می‌کرد خود را تنها صدای موجود در ایران قلمداد کند. آنها شرایطی را برای سیاستمداران و رسانه‌ها فراهم می‌کردند تا قرارداد اتمی به نتیجه برسد و برای رسیدن به این هدف، نقش حمایتی رژیم ایران در بی‌ثباتی منطقه و عملیات تروریستی کمرنگ می‌کردند.

فری بیکن نوشته است، در هفته‌های اخیر نایاک مطالبی را منتشر کرده که در آنها کشته شدن قاسم سلیمانی توسط دولت ترامپ محکوم می‌شود.

شمار زیادی از تریبون‌هایی که به نقل از نایاک سخن‌پراکنی می‌کنند و نایاک آنها را حمایت می‌کند مدام خوراک‌های تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی را تکرار می‌کنند. این فعالیت‌های نایاک‌ها سبب شد قانونگذاران ایالات متحده به دنبال تحقیقاتی باشند تا اقدامات احتمالی آنها را که می‌تواند خلاف قوانین آمریکا باشد پیگیری کنند.

در بخشی از نامه سه سناتور به رئیس دادگستری آمده که تبلیغات ظاهراً بی‌ضرر نایاک پوششی بر رفتارهای مشکل‌آفرین این گروه است. روابط نزدیک نایاک با رژیم ایران و نقش آن در گسترش تبلیغات جمهوری اسلامی در سراسر آمریکا سال‌هاست که در واشنگتن مورد بحث بوده است.

اخیراً نایاک موارد بحث برانگیزی در مورد حضور نظامی آمریکا در منطقه مطرح کرده است. برای مثال ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹ نایاک یک ایمیل به شکل یادداشت غیررسمی منتشر کرده است که در آن آمده دلیل حمله به سفارت آمریکا در بغداد، اقدامات نظامی آمریکا علیه گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت رژیم ایران در عراق بوده است.

همچنین نهم ژانویه ۲۰۲۰ نایاک و گروه کوچکتر وابسته به آن «نایاک اکشن» توییت‌ها و ریتوییت‌هایی را انجام داده‌اند که شامل تئوری‌هایی می‌شود که نقش جمهوری اسلامی ایران در حمله موشکی به هواپیمای بوئینگ اوکراینی را منحرف می‌کنند. فری بیکن همچنین به ماجرای دادگاه حسن داعی و نایاک در سال ۲۰۱۳ اشاره کرده و نوشته این نهاد ۱۸۰ هزار دلار بودجه برای دفاع از خود خرج کرد اما در نهایت شکست خورد و رسوایی به بار آورد. فری بیکن می‌نویسد دادگاه ایالتی کلمبیا مدعی شده که کار تریتا پارسای بی‌ارتباط به این ارزیابی نیست که او اولین و محکم‌ترین وکیل مدافع رژیم ایران است.

بر اساس نامه سه سناتور، نایاک اخیراً کنفرانسی نیز برگزار کرده که در آن برای برنی سندرز و الیزابت وارن نامزدهای انتخاباتی ۲۰۲۰ تبلیغ شده است. همچنین مشخص شده که تریتا پارسای بنیانگذار نایاک ملاقات‌هایی را بین محمدجواد ظریف در دورانی که

سفر جمهوری اسلامی در سازمان ملل بود و سفیر کنونی جمهوری اسلامی در سازمان ملل با برخی اعضای کنگره فراهم کرده است. اولیور ریول یک مأمور سابق FBI می‌گوید «این قبیل فعالیت‌های نایاک باعث شد در مورد آن تحقیقاتی کنیم. برقرار کردن چنین ملاقات‌هایی میان اعضای کنگره و سفیر ایران در سازمان ملل به عقیده من نیازمند این است که آن شخص یا آن سازمان به عنوان یک مقام به عنوان عامل خارجی ثبت شده باشد که در این پرونده می‌تواند ایران باشد.»

سناتورهای از این نگران هستند که نایاک بطور مداوم به نیابت از رژیم اسلامی ایران در حال طراحی سناریوها و برنامه‌هایی برای همکاری با جمهوری اسلامی باشد.

بخش فارسی صدای آمریکا نیز بخش‌های دیگری از این نامه را منتشر کرده است. این سه سناتور به خطاب به رئیس دادگستری آمریکا نوشته‌اند «به عنوان اعضای کنگره، از تلاش شهروندان و گروه‌های ذینفع برای بهره‌گیری از حقوق قانونی خود در دادخواهی از دولت استقبال می‌کنیم. جامعه آمریکاییان ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نیست و در واقع بخش فعالی از زندگی اجتماعی آمریکاست. اما ما نگران برخی از این سازمان‌هایی هستیم که به نظر می‌رسد نماینده این جامعه هستند، بطور مشخص نایاک، اما ممکن است مشغول لابیگری و انجام فعالیت‌های روابط عمومی با هماهنگی با جمهوری اسلامی ایران یا از طرف آن باشند.»

همچنین در این نامه اشاره شده که «سند قانونی ثبت نهادهای خارجی»، افراد و انجمن‌هایی که به نمایندگی از یک کارفرمای خارجی در عرصه سیاسی و نیمه‌سیاسی فعالیت می‌کنند را ملزم می‌کند که رابطه خود با کارفرمای خارجی و داد و ستدهای خود را در این رابطه بطور آشکار اعلام کنند.»

این سه سناتور جمهوریخواه در ادامه از وزیر دادگستری آمریکا می‌خواهند با تحقیقات در این زمینه روشن کنند که آیا باید نایاک به دلیل نقض قوانین ثبت نهادهای خارجی مورد بازرسی قرار بگیرد تا از شفافیت‌های مربوط به

اروپایی‌ها به دنبال تحریم جمهوری اسلامی پس از شلیک سپاه پاسداران به بوئینگ اوکراینی



هواپیمای بوئینگ اوکراینی با ۱۷۶ سرنشین ۱۸ دی ماه توسط پدافند سپاه هدف قرار گرفت و سقوط کرد

حومه تهران گفت که با متحدان بین‌المللی برای تحقیق مستقل و شفاف درباره ساقط شدن هواپیمای مسافربری اوکراینی راب‌اینی می‌کند. دومینیک راب با اشاره به اینکه «مردم ایران بزرگترین قربانیان سرنوشتی این هواپیما هستند» گفت: «بریتانیا در خشم مردم ایران شریک است.» وی تأکید کرد لندن بعد از خروج از اتحادیه اروپا نظام تحریمی تازه‌ای تعریف می‌کند تا با آن بتواند تحریم‌های تازه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران وضع کند. دومینیک راب همچنین افزود «کارهایی که داریم انجام می‌دهیم و در موردش با متحدان بین‌المللی خود درباره آن هماهنگی کرده‌ایم و با طرف‌های آمریکایی و کانادایی نیز مذاکره کرده‌ایم. این است که به زودی یک نظام تحریمی مشابه قانون ماگنیتسکی تدوین کنیم.»

وزیر امور خارجه انگلیس در ادامه عنوان کرد «اولویت ما امنیت کارکنان و شهروندانمان در منطقه است. یک انتخاب روشن وجود دارد. اینکه آیا ایران قوانین بین‌المللی را نقض کند و منزوی شود یا اینکه بار دیگر از این قوانین پیروی کند. این به نفع مردم ایران است.»

در مقابل اما بخش فارسی اسپوتنیک روسیه به نقل از یک منبع نوشته است «اتحادیه اروپا در این مرحله دلیلی برای اعمال تحریم‌ها نمی‌بیند.» این خبرگزاری همچنین نوشت گروهی در بروکسل متذکر شده‌اند که ابتدا باید نتایج تحقیقات مشخص شود.

از اصلی‌ترین دلایل آنها برای طرح این درخواست است. به گزارش روزنامه اسرائیلی «اورشلیم پست» لوکاس مندل و پتراس استرویشز دو عضو کمیته امور خارجه پارلمان اروپا خواستار اعمال تحریم علیه جمهوری اسلامی به دلیل ساقط کردن هواپیمای مسافربری اوکراینی شده‌اند. روز سه‌شنبه ۲۴ دی‌ماه کمیته امور خارجه پارلمان نشست برای بررسی تشدید تنش‌ها در ایران و عراق برگزار خواهد شد. لوکاس مندل عضو اتریشی کمیته خارجی پارلمان اروپا می‌گوید «سقوط هواپیمای اوکراینی عبور از خط قرمز بود. او تأکید کرده جمهوری اسلامی پس از سه روز انکار و دستکاری شواهد سرانجام اعتراف کرد به هواپیما شلیک کرده است و باید پاسخگو باشد و اکنون زمان گسترش تحریم‌هاست همچنان که در مورد روسیه نیز این تصمیم گرفته شد.»

پتراس استرویشز دیگر نماینده این کمیته از لیتوانی نیز گفت: «پس از سقوط هواپیمای مالزی در سال ۲۰۱۴ وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا بلافاصله اعلام کردند که تحریم‌ها علیه روسیه را گسترش خواهند داد و اکنون باید در مورد ایران نیز این اتفاق بیفتد اما اینبار واقعا باید از پس آن بربییم.»

از سوی دیگر وزیر خارجه انگلیس روز دوشنبه، ۱۳ ژانویه، با حضور در پارلمان این کشور درباره شلیک موشک از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به هواپیمای اوکراینی در

تعدادی از مقامات سیاسی اروپا به دنبال اعمال تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی هستند. هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری اوکراینی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حوالی تهران و سرکوب اعتراضات

● لوکاس مندل عضو اتریشی کمیته خارجی پارلمان اروپا: ساقط کردن هواپیمای اوکراینی عبور از خط قرمز بود.

● پتراس استرویشز عضو پارلمان اروپا از لیتوانی: پس از سقوط هواپیمای مالزی در سال ۲۰۱۴ وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا بلافاصله اعلام کردند که تحریم‌ها علیه روسیه را گسترش خواهند داد و اکنون باید در مورد ایران نیز این اتفاق بیفتد.

● دومینیک راب: مردم ایران بزرگترین قربانیان سرنوشتی این هواپیما هستند.

● وزیر خارجه انگلیس تأکید کرد لندن بعد از خروج از اتحادیه اروپا نظام تحریمی تازه‌ای تعریف می‌کند تا با آن بتواند تحریم‌های تازه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران وضع کند.

مایک پمپئو: مردم ایران از سپاه پاسداران تحت امر دزدسالاری خامنه‌ای به تنگ آمده‌اند



مایک پمپئو

مردم ایران هستیم. به گزارش صدای آمریکا برابان هوک می‌گوید «معتراضان در مورد اقدامات خجالت‌بار سپاه پاسداران شعار می‌دهند و پوسترهای قاسم سلیمانی را، که رژیم آدر خیابان‌ها نصب کرده، پاره می‌کنند.» وی با اشاره به اینکه مردم معترض در ایران می‌گویند «سلیمانی قاتل است و خامنه‌ای هم همینطور» گفت «حق با معترضان است!»

وزارت خارجه ایالات متحده نیز نقل قولی از پرزیدنت ترامپ را در توییتر بازنشر کرده که می‌گوید: «در مبارزه شجاعانه مردم ایران برای آزادی، آمریکا در کنار آنهاست.»

شنبه‌شب صدها نفر از مردم در تهران، همدان، رشت، بابل، اصفهان و شیراز دست به اعتراض زدند و علیه

● مقامات ارشد آمریکا از اعتراضات مردم علیه جنایت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله در رابطه با شلیک به یک هواپیمای مسافربری که در آن ۱۷۶ تن کشته شدند حمایت کردند.

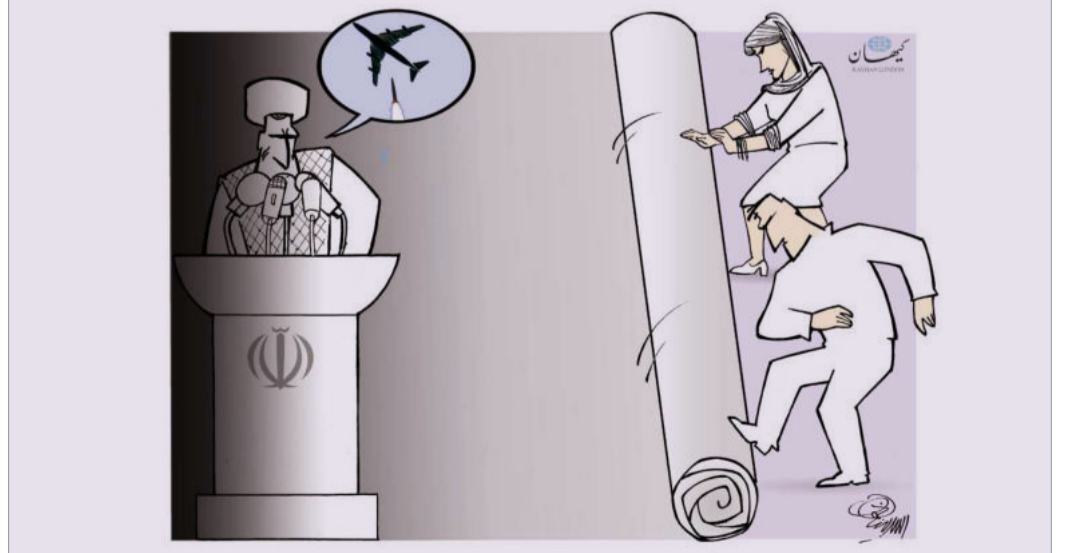
● مجلس شورای اسلامی و فرماندهان سپاه روز یکشنبه در جلسه غیرعلنی به بررسی سانحه‌ی مرگبار سقوط خواهند پرداخت.

وزیر خارجه آمریکا، شنبه ۱۱ ژانویه (۲۱ دی‌ماه)، با انتشار ویدئویی از تظاهرات مردم در تهران در اعتراض به سپاه و علی خامنه‌ای پس از شلیک به هواپیمای بوئینگ اوکراینی در توییتر بر حمایت ایالات متحده از اعتراضات مردم ایران پرداخت. مایک پمپئو نوشت: «پیام مردم ایران شفاف است. آنها از دروغ‌ها، فساد، بی‌عرضگی و خشونت‌های سپاه پاسداران تحت امر دزدسالاری خامنه‌ای، به تنگ آمده‌اند. ما در کنار مردم ایران که شایسته آینده‌ای بهتر هستند ایستاده‌ایم.»

نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران نیز گفت یک بار دیگر اعتراض‌های گسترده ضد رژیم در ایران رخ داده و ما صد درصد در کنار

چنین نخواهد ماند...

با اعتراف جمهوری اسلامی به اینکه هواپیمای مسافربری اوکراینی از روی «خطا» مورد شلیک ضد هوایی قرار گرفته، تهران صحنه‌ی تظاهرات اعتراضی شده است. در این فاجعه‌ی مرگبار ۱۷۶ تن کشته شدند که بیشتر آنها ایرانی، دانشجوی و جوان و نوجوان بودند.



دومینوی تحریم «فجر»...

هر کدام از این به اصطلاح فیلمسازان و اهالی سینما، کارنامه شفاف اما تاریک در وابستگی تام و تمام به جمهوری اسلامی دارند. چنانکه همین دیروز ویدئویی از نادر طالبزاده فیلمساز و کارشناس امور «اسرائیل» منتشر شد که گفت، ده تا هوابمایی دیگر هم بیافتند در مقابل «آن اتفاق اصلی» هیچ است! علاوه بر این، انتشار این فهرست حاکیست چنان کفگیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به کف دیگ خورده که برای داوری فیلمها، شان علی استون پسر الیور استون فیلمساز آمریکایی پیشنهاد می‌شود که از دولت محمود احمدی‌نژاد تا کنون، به روش‌ها و شکل‌های

بحران در مهندسی افکار عمومی:

سیاست‌های خودشان توجه می‌کنند. تحول چشمگیری که اکنون وجود دارد، تأکید ترامپ بر رعایت موازین حقوق بشری است و اینکه این‌بار به روشنی می‌گوید اینترنت را قطع نکنید و تظاهرکنندگان را نکشید! اینها به خط قرمز تبدیل می‌شود. همچنین ریتوییت کردن کاربران ایرانی و عمامه گذاشتن روی سر ناسی پلوسی بخشی از سیاست‌های داخلی آمریکا است. ترامپ امیدوار است در انتخابات پیروز شود اما مصمم است هیچ جای ایهامی در این مورد باقی نماند. اگر درگیری بزرگی شکل می‌گرفت به زبان

دومینوی تحریم «فجر»...

این نیست که ترامپ به جمهوری اسلامی برای نمایش و قدرت‌نمایی امکان داده تا هواداران نظام راضی شوند و هم احتمال اقدامات تلافی‌جویانه آتش‌به‌اختیارها کاهش پیدا کند و هم راهی برای مذاکره باز شود؟ می‌شود اینطور حدس زد اما حرف‌های مایک پمپئو وزیر خارجه ایالات متحده در ۴۸ ساعت گذشته بر اساس «تسلیم مطلق» است. این جایی برای مذاکره باقی نگذاشته! ترامپ می‌گوید مذاکره بکنند یا نکنند مهم نیست. یعنی آنها به روند

رضا پهلوی به کشورهای غربی می‌گوید:

ولی بدون احزاب سیاسی از کجا می‌خواهیم بدانیم چه کسانی می‌توانند کشور را اداره کنند؟! ما باید به این مسائل از الان فکر کنیم. در این رژیم که چنین احزابی شکل نمی‌گیرند، من کشوری را در ذهن دارم با احزاب مختلف از چپ تا راست، لیبرال و سوسیالیست و دمکرات و... که پایبند به انتخابات آزاد و دموکراسی هستند. در دموکراسی، حکومت، انتخابات را برگزار نمی‌کند بلکه احزاب انتخابات را برگزار می‌کنند. نیروهای اپوزیسیون امروز کار سختی در برابر دارند و باید این راه را باز کنند بدون اینکه درگیر مسائل سیاسی بشوند؛ جمهوریخواهان یا طرفداران پادشاهی باید دستور کار مشترک داشته باشند و تصمیم بدهند که صدای همه را خواهند شنید. در این کشوری که سرشت متنوع دارد مسلماً خواست‌های سیاسی مختلفی وجود دارد و همه باید این امکان را داشته باشند که احزاب خود را تشکیل بدهند تا در شرایط عادی بتوانند با مشارکت احزاب، دولت‌های بعدی را هر چند سال یک بار شکل بدهند. این پایان روندی است که امروز در آغاز آن هستیم. امروز که داریم به سقوط این رژیم نزدیک می‌شویم باید به آن شرایطی فکر کنیم که پس از سقوط بتوان کارها را در دست گرفت وگرنه دچار هرج مرج خواهیم شد. ولی پیام من این است، نگرانی شما از اینکه مبدا دچار هرج مرج بشود، نباید باعث بشود که به این شرایط تن بدهید!

● الان دوران انتخابات در آمریکاست. اپوزیسیون آزادپخواه ایران چطور باید رفتار کند که درگیر رقابت‌های حزبی ایالات متحده نشود؟ -همانطور که گفتم نخستین آرزوی فعالان سیاسی و مدافعان حقوق بشر

از صفحه ۵

مختلف، جیب دستگاه‌های فرهنگی حکومت را خالی کرده و برای شرکت در جشنواره بین‌المللی فیلم «فجر» نیز از برگزارکنندگان پول گزاف و کلانی گرفته است. پیشنهاده‌های حمزه بازیگر لبنانی نیز خالی از لطف نیست. چنانکه انتشار تصاویر بدون حجاب این بازیگر لبنانی همزمان با اکران فیلم سینمایی «کتاب قانون» به کارگردانی مازیار میری، در سال ۱۳۸۷، بازتاب گسترده‌ای نزد مردم داشت. تداوم و اعلام گسترده‌ی تحریم‌ها، رسانه‌های حکومت را به تهدید و ارباب‌واداشته است. در پی انتشار مطلبی در خبرگزاری تسنیم مبنی بر تلاش یک منتقد سینما برای بیرون

از صفحه ۱۱

ترامپ می‌بود. ترامپ می‌خواهد جلوی اتفاقاتی مثل بمب‌گذاری در سال ۱۹۸۳ در مقر تفنگداران آمریکایی‌ها در بیروت را بگیرد. آمریکایی‌ها یک تمرین سالانه برای استفاده از ظرفیت‌های جنگی در صورت درگیری اتمی دارند. سال ۲۰۱۶ یکی از محل‌های این درگیری اروپا و دیگری ایران و شبه‌جزیره کره بود. در مورد ایران به عنوان ایده‌آل‌ترین محل رزمایش یاد شده بود. مردم عادی شاید خیلی گوش نمی‌دهند اما ترامپ تلویحا از قدرت نظامی بی‌ظنیر خود تعریف می‌کند و ظرفیت‌های تجهیزات نظامی می‌گوید که اینهمه خطرناک است.

از صفحه ۵

خودی‌نامزدی انتخابات مجلس شورای اسلامی گفت: «برادران عزیز، خواهران عزیز، ملت عزیز ایران، حضور ملت ایران مهمترین عامل اقتدار است و این حضور در جاهای متعددی است که یکی از مهمترینش انتخابات است. حضور ملت ایران در انتخابات، کشور را بیمه می‌کند. دشمن را مایوس می‌کند. سعی و تلاش‌شان بر این است که نگذارند با انواع و اقسام حیل که مردم با شوق در انتخابات شرکت کنند مردم باید با شوق در انتخابات شرکت کنند.» او در پایان تأکید کرد که مراقبت کنید مبادا دشمن بتواند در این زمینه خواسته خود را تحقق بخشد که عبارت است از کهرنگ کردن و بی‌رونی کردن انتخابات. خامنه‌ای دقیقی نیز به زبان عربی برای مردم عرب منطقه خطابه‌ای خواند که به مسائل منطقه‌ای و کشته شدن قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس معاون حشدالشعبی مربوط می‌شد.

بحران در مهندسی افکار عمومی:

پس از اعلام استعفای صبا راد و زهرا خاتمی‌راد، دو مجری صداوسیما جمهوری اسلامی، همزمان با آغاز اعتراضات دی‌ماه، همچنان ریزش نیروهای این سازمان ادامه دارد و حتی به لغو همکاری چهره‌های موثری چون محسن تنابنده و احمد مهران‌فر رسیده است! شامگاه دیروز محسن تنابنده بازیگر و نویسنده سریال «پایتخت» به عنوان یکی از پربیننده‌ترین سریال‌های این سازمان و احمد مهران‌فر دیگر بازیگر این سریال اعلام کردند که همکاری‌شان با صداوسیما را متوقف می‌کنند. مهران‌فر گفته است که «پایتخت ۶» آخرین حضور او در تلویزیون خواهد بود و به دلیل توهین‌هایی که به سینماگران معتبر و محترم شده او نیز دیگر به هیچ عنوان در سریال‌های تلویزیونی و برنامه‌های صداوسیما حاضر نخواهد شد. شهرام لاسمی مجری برنامه‌های کودک و نوجوان که با شخصیت «قلقلی» شناخته می‌شود نیز جزو هنرمندانی است که پایان همکاری خود را با این سازمان اعلام کرده است. واکنش این سازمان اما در قبال ریزش نیروهایش و استعفاهای آنها بسیار زشت و خالی از آداب همکاری و حرفه‌ای و صنفی است. رسانه‌های این سازمان از استفاده‌دهندگان با واژه‌هایی چون «مجری برنامه آشپزی» «بازیگر چلغوز» و «کارگردان دریپت» یاد

بیش از ۲۳۰ کشته حاصل «انتقام سخت» از مردم عادی! صبیح «حاج قاسم» آرام می‌گیرد!؟

● شعار روشن مردم در اعتراضات: «دیکتاتور سپاهی، داعش ما شما بید!» ● آرش سبحانی: ستار بهشتی عمویی چون حسن نصرالله ندارد. پویا و ندا و سهراب و امید و... هزاران جوان پرپر شده بدست حکومت نکبت اسلامی هم همینطور.

شنبه شب ۱۱ ژانویه (۲۱ دی‌ماه)، صدها نفر از مردم در تهران، رشت، بابل، همدان، شیراز و اصفهان در اعتراض به جنایات هولناک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در هدف قرار دادن هوابمایی مسافربری اوکراین که از تهران عازم کی‌یف بود دست به اعتراض زدند و علیه علی خامنه‌ای و سپاه و کلیت نظام جمهوری اسلامی شعار دادند.

«دیکتاتور سپاهی، داعش ما شما بید» و «یا سلیمانی قاتله، رهبر شمش باطله» شعارهای تازه‌ای بود که در جریان این اعتراضات سر داده شد. پس از کشته شدن قاسم سلیمانی در حمله پهپادی ارتش آمریکا حوالی فرودگاه بغداد موج «انتقام سخت» در میان وفاداران رژیم به راه افتاد که پرچمدار آن علی خامنه‌ای بود. وی در ۱۳ دی‌ماه در پیامی اعلام کرد «انتقامی سخت در انتظار جنایتکاران است و... شهید سلیمانی چهره‌ی بین‌المللی مقاومت است و همه‌ی دلیستگان مقاومت خونخواه اویند.» پس از خامنه‌ای دیدگر کارگزاران نظام از یکسو و رسانه‌های حکومتی و سرآمد آنها صداوسیما جمهوری اسلامی از سوی دیگر مرتب بر طبل «انتقام سخت» کوبیدند بی‌خبر از آنکه دود آن، مثل همیشه، بجای آمریکا در چشم مردم می‌رود. زینب سلیمانی دختر فرمانده نیروهای قدس سپاه خطابه‌خوان «جبهه مقاومت» شد و خواست تا «عمو جان نصرالله» و «اسماعیل هنیه» تقاص خون پدرش را بگیرند. زینب سلیمانی از معدود زنانی است که در جمهوری اسلامی به او اجازه داده شد پیش از خطبه‌های نماز جمعه سخنرانی کند گویی او نیز می‌دانست که جمهوری

از صفحه ۱۱

می‌کنند! این در حالیست که همین افراد تا قبل از کناره‌گیری مشغول تأمین منافع این بوق تبلیغاتی نظام بودند! محمد سرشار مدیر «شبکه پویا» در واکنش به خداحافظی شهرام لاسمی که از دهه شصت تا کنون در برنامه‌های کودک فعال بوده، نوشته است: «آقای شهرام لاسمی (اگر یادتان باشد، همان قلقلی دهه شصت) در کارمند صداوسیماست، نه برنامه‌ای در شبکه کودک داشته و نه برنامه‌ای در دست تولید دارد. ایشان دقیقاً با بجای صداوسیما خداحافظی کرده!»؟ «به نظر می‌رسد رفتن عادل فردوسی‌پور مجری برنامه «نود»، پیوستن مزدک میرزایی مفسر ورزشی به شبکه «ایران اینترنشنال» و عدم مصاحبه‌ی وریا غفوری بازیکن فوتبال با این سازمان اکنون پس از سقوط هوابمایی اوکراینی با ۱۷۶ کشته آنهم توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همچنین اعتراضات دی‌ماه ۹۸ ابعاد گسترده‌تری یافته است تا حدی که تربیون نظام و ابزار اصلی مهندسی افکار عمومی، بیش از پیش دست به دامان مجریان، برنامه‌سازان تندرو و بازجوها و نیروهای امنیتی می‌شود. چنانکه پیشتر مشخص شد، مجریان برنامه‌ی «۲۰:۳۰» چون آمنه سادات ذبیح‌پور و علی رضوانی بازجوی پرونده‌هایی چون فعالان محیط زیست و سپیده قلیان بودند.

اسلامی قدرت و شهامت رویارویی با آمریکا را ندارد و از همین رو به رهبران گروه‌های تروریستی وابسته به حکومت متوسل شد! دختر قاسم سلیمانی ۲۰ دی در خطبه‌های پیش از نماز جمعه سلاح در دست خطاب به خانواده سرباران آمریکایی در سخنانی عجیب آنها را به گرفتن انتقام از فرزندانشان تهدید کرد! در نهایت کمتر از یک هفته پس از همه این جنجال‌ها، ۱۷۶ کشته



در شلیک پدافند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به هوابمایی بوئینگ اوکراین، کشته شدن ۵۶ کشته و ۲۱۳ زخمی، بنا بر گزارش‌های داخلی، در مراسم تشییع جنازه قاسم سلیمانی در کرمان و کشته و زخمی شدن تعدادی از حامیان او در جاده‌ها بر اثر تصادف ماشین یا اتوبوس تنها بخشی از پیامدهای خونین گرفتن انتقام خون سلیمانی است! این رویدادهای مرگبار و خونین، زینب پس از هزاران کشته و زخمی و زندانی و مفقود در اعتراضات سراسری آبان ۹۸، واکنش‌های مختلفی در داخل و خارج از کشور به همراه داشته است از جمله چهره‌های نام‌آشنای رسانه‌ای و هنرمندان که مردم بیشتر با آنها آشنا هستند و به عنوان یکی از گروه‌های مرجع توجه بیشتری به خود جلب می‌کنند مجبور شدند از سکوت همیشگی دست بردارند. آنها تلاش می‌کنند تا با سبک و سیاق

کارشناسان نظامی به کیهان لندن....

در برخی از رسانه‌های حامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادعا شد که هوابمایی اوکس آمریکایی که در منطقه پرواز می‌کردند سبب اختلال در سیستم رادار پدافند شدند. صداوسیما جمهوری اسلامی نیز از زبان یک کارشناس ادعا کرد «جنگ الکترونیک» بوده و دشمن به وسیله ارسال سیگنال‌های مزاحم روی امواج الکترومغناطیس سیستم‌های مخابراتی سبب می‌شود کار نرمال سامانه‌ها به هم بریزد.» حتی با فرض اینکه سیستم‌های راداری و ارتباطی پدافند سپاه با اختلال و جنگ الکترونیک (جنگال) روبرو شده باشند ایراد از ضعف سیستم‌های راداری و شبکه سراسری پدافند در مقابل حملات ادعایی است که نتوانسته آنها را خنثی کند. بابک تقوایی کارشناس نظامی این ادعا را که اختلال در سیستم ناشی از پرواز هوابمایی جنگال آمریکایی بوده رد می‌کند. او به کیهان لندن می‌گوید: «هیچ هوابمایی جنگ الکترونیک آمریکا توانایی ندارد در چنین فاصله‌ای روی پدافند ایجاد اختلال کند مگر اینکه بر فراز شهر پرواز کند. از طرفی حمله سایبری روی سیستم‌های پدافندی اثر ندارد چون سیستم‌ها آنالوگ هستند.» یکی از بزرگترین دروغ‌های حاج‌زاده و حسین سلامی این است که مدعی شدند به سمت ایران موشک کروز شلیک شده است!

خود به نوعی صدای جامعه باشند. در کنار انصراف شماری از داوران جشنواره «فجر» و استعفا دو مجری صداوسیما جمهوری اسلامی و یادداشت‌های انتقادی بازیگران سینما و تلویزیون، گروهی از هنرمندانی هم که در خارج از کشور زندگی می‌کنند و محدودیت کمتری برای ابراز نظر دارند، این روزها مواضع روشن‌تری اتخاذ می‌کنند. آرش سبحانی خواننده و نوازنده و از بنیانگذاران گروه «کیوسک» که همواره در مخالفت با جمهوری اسلامی فعال بوده، در توییتی نوشته «ستار بهشتی عمویی چون حسن نصرالله ندارد. پویا و ندا و سهراب و امید و... هزاران جوان پرپر شده به دست حکومت نکبت اسلامی هم همینطور. عموهایشان مردم ایرانند که در خیابان‌ها مرگ دیکتاتوری را جشن خواهند گرفت، با هم، بزودی.» از سوی دیگر، مهناز افشار بازیگری که معلوم نیست در کدام صحنه نقش بازی می‌کند، در توییتی می‌نویسد: «خواهرم! زینب سلیمانی، تو هم دختر همین سرزمینی؛ انتقام سخت که برای خون پدرت طلب کردی تا همینجا داغ بی‌پایانی بر هموطن‌هاست تحمیل کرده. خشمی، فریادی، انتقامی آنگه هست، دیگران هم دارن. لطفا تفنگت رو زمین بگذار و در کنار مردمی که انتقام گیرنده‌های ندارن عزاداری کن!» آنچه مردم در تظاهراتی که شنبه شب شعار دادند پاسخ به «جنگ طلایی» و «انتقامجویی» سردمداران رژیم و حامیان آنهاست که نماد آن زینب سلیمانی است که هر چه بخواید می‌تواند بگوید از جمله هر چه خواستن از گروه‌های تروریستی منطقه برای خونخواهی پدرش که دستش به خون مردم ایران و عراق و سوریه آلوده است، اما حکومت با سرکوب مرگبار، این امکان را از مردم می‌گیرد که خواست و اراده‌ی خود را در امنیت جانی با تجمعات مسالمت‌آمیز ابراز کنند و یا حتا برای عزیزان خود که در تظاهرات سراسری و یا سقوط فجیع هوابیما توسط حکومت، مراسم یادبود بگیرند و سوگواری کنند! در روزهای اخیر صدها پیام خطاب به زینب سلیمانی در شبکه‌های اجتماعی از جمله در توییت از طرف کاربران به اشتراک گذاشته شده است.

از صفحه ۱۸

ساده‌ترین پرسش‌ها این است که موشک کروز از کجا شلیک شد؟ به سمت کجا رفت؟ اگر وارد آسمان ایران شد کجا سرنگون شده؟ چرا به هدف نخورد و اگر در آسمان منفجر شده چرا گزارشی منتشر نشده و شاهدی بر آن نیست؟! آیا اگر چنین می‌بود، جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر سر نمایش شواهد تبلیغاتی گسترده به راه نمی‌آنداختند؟! **اعدام گروهبان قندعلی** منبع نظامی دیگری به کیهان لندن می‌گوید: «این حمله فقط از برادران خودمان بر می‌آید، وقتی در سوریه و غزه و لبنان خمپاره‌اندازها را روی سقف مدارس می‌گذارند و از سپر انسانی استفاده می‌کنند یا بارها پدافند خودی جنگنده‌های خودمان را هدف قرار داده نباید از این اتفاق تعجب کرد. احتمال دارد دلیل ساقط کردن انگیزه‌های مختلف آن قابل بحث است. مثلاً احتمال دارد افرادی داخل هوابیما بودند که نباید به مقصد می‌رسیدند. اما در رادار فرق بین موشک کروز با هوابیما مسافربری کاملاً مشخص است. انواع کدها و شناسه پرواز وجود دارد که در لحظه می‌شود فرق بین موشک و هوابیما را تشخیص داد این دیگر فرضیه و احتمال نیست.» این منبع نظامی در پایان می‌گوید، «نداختن قصور به گردن یک اپراتور اعدام گروهبان قندعلی برای مختومه کردن پرونده است.»



اگر هواپیمایی به هر دلیل از مسیر منحرف شود چون وارد منطقه P یا R نشده ابتدا باید به آن هشدار دهند؛ اما در مکالمات برج با خلبان هیچ خطراتی به او داده نشده است و مهم تر اینکه بوئینگ او کراین به هیچیک از این مناطق نزدیک نشده است.»

این منبع آگاه نتیجه می گیرد که «محتمل ترین حالت این است که به این هواپیما عمدی شلیک شده اما احتمالاً نه با اراده ای اپراتور بلکه با تحمیل خطای سیستم او را به اشتباه انداخته اند» او پاسخی به اینکه چه کسانی با چه انگیزه ای این خطا را تحمیل کردند نداد.

کد ترانسپوندر برای تشخیص پرنده دوست از دشمن

یک منبع فرودگاهی نیز به کیهان لندن می گوید: «خلبان بوئینگ طبق روال پیش از پرواز کد ترانسپوندر و اسکواک را دریافت کرده است. بنابراین احتمال اینکه رادارها نتوانند کد را تشخیص دهند تقریباً صفر است چون هیچ هواپیمایی قبل از بستن کد ترانسپوندر Take Off نمی کند.»

کد ترانسپوندر تمامی هواپیماهای غیر نظامی در اختیار واحدهای نظامی مستقر در اطراف یک فرودگاه قرار می گیرد و پدافند بر اساس آنها اجسام پرنده دوست و دشمن را روی صفحه رادار از هم تشخیص می دهد.

این منبع فرودگاهی می گوید اگر فرض بگیریم شلیک به هواپیما عمدی نبوده پس اپراتور قدرت تشخیص هواپیمای دوست از دشمن را نداشته، حتی تشخیص نداده کد هواپیما غیر نظامی است نه نظامی، نمی دانسته پرنده از مسیر نرمال باند برخاسته، حتی نمی دانسته فرودگاه کدام طرف است»

او همچنین می گوید در مورد اینکه وضعیت جنگی و اضطراری است هیچ خطری به ما ابلاغ نشد.

انداختن مسئولیت به دوش اپراتور

حاجی زاده در بخشی از سخنان خود می گوید «اپراتور موظف بوده در این شرایط تماس بگیرد و تاییدیه بگیرد و خط او از همین نقطه است منتهی ظاهراً سیستم ارتباطی او با اختلال مواجه بوده و نتوانسته ارتباط برقرار کند.»

مقامات ارشد نظامی جمهوری اسلامی علت شلیک به هواپیمای مسافری را «خطای انسانی» معرفی می کنند. با فرض عمدی نبودن شلیک، اینکه گفته می شود سیستم ارتباطی دچار «اختلال» شده چیزی نیست جز «خطای سیستم!» تناقض اینجاست که هر نوع اختلال در دستگاه ارتباطی برای کسب دستور شلیک «ارتباطی با اینکه روی رادار بجای هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ موشک کروز دیده شده ندارد!»

روز یکشنبه ۲۳ دی ماه حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران در جلسه غیرعلنی مجلس شورای اسلامی دلایل هدف قرار گرفته شدن هواپیمای اوکراینی برای نمایندگان شرح داد و بار دیگر به «خطای انسانی» تاکید کرد اما در توضیح خواسته یا ناخواسته اعتراف می کند ایراد از سیستمها بوده است.

سلامی گفت: «موشک کروز به لحاظ سرعت اساساً یک هواپیما بدون سرنشین بزرگ است فقط خلبان ندارد و با همان مختصات هواپیمایی باسرنشین حرکت می کند و در موقعی که هواپیماها در ارتفاع پایین حرکت می کنند کروزها هم با ارتفاع پایین حرکت می کنند... ارتباط برادرمان [آپراتور] با SOC [مرکز عملیات] قطع شده و خبر ارتفاع [؟] کروزها را نشنیده بود روی صفحه رادار او به یقین رسیده که این یک تهدید جدی است موقعیت هواپیما به سامانه در جهتی بود که نسبت به این سامانه نزدیک شونده بود.» ادامه در صفحه ۱۷



کارشناسان نظامی به کیهان لندن می گویند:

سپاه پاسداران همچنان در مورد دلایل سقوط هواپیمای بوئینگ اوکراینی دروغ می گوید

شونده به یک مرکز حساس نظامی سپاه و در ارتفاع و شکل پروازی یک هدف متخاصم قرار می گیرد.

ادعای چرخش هواپیما به سمت تاسیسات نظامی دروغ است

یک منبع آگاه نظامی به کیهان لندن می گوید «ادعای ستاد کل نیروهای مسلح در مورد چرخش هواپیما به سمت تاسیسات نظامی دروغ است. بر اساس اطلاعاتی که در رادارها ثبت است این هواپیما پس از برخاستن از باند در مسیر و ارتفاع نرمال حرکت می کرد که بر اساس الگوی ترافیکی بوئینگ پروازها بود و سیستمهای نظامی و پدافندی اطراف این محدوده سالیان سال است

برای تصمیم گیری داشته که منجر به تصمیم بد او در هدف گیری می شود.» حد فاصل صفر مرزی ایران (نفت شهر - کرمانشاه) و عراق تا فرودگاه «خمینی» بین ۷۵۰ تا ۷۷۰ کیلومتر فاصله است.

در بیانیه ستاد کل نیروهای مسلح اعلام شده اهداف هوایی به سمت مراکز راهبردی در کشور به واحدهای دفاعی واصل و اهداف متعددی در برخی صفحات رادار مشاهده شد. اواصل شدن: رسیدن ا با فرض اینکه یک موشک از پایگاه آمریکایی «التاجی» در عراق به سمت تهران شلیک شود ابتدا رادارهای کرمانشاه و همدان باید آن را رصد و

مطبوعاتی حاضر شد و در تشریح جزئیات آن ادعا کرد: «تمام یگانهای آفندی و پدافندی در آماده باش صد درصد بودند. وضعیت آمادگی در شرایط جنگی و بالاترین سطح آماده باش توسط شبکه یکپارچه پدافند به سامانهها ابلاغ می شود و تعدادی سامانه پدافندی به رینگ پدافند هوایی تهران اضافه شد.»

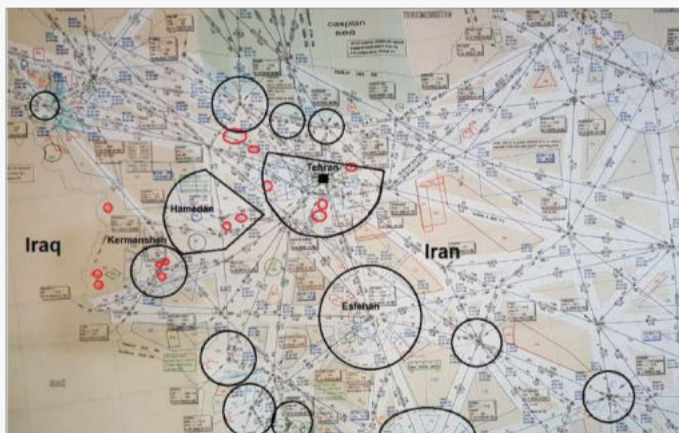
حاجی زاده در بخش دیگری می گوید: «توسط شبکه یکپارچه اعلام می شود که موشکهای کروز به سمت کشور شلیک شده در یک یا دو مرحله تاکید می شود که این موشکهای کروز در مسیر هستند.»

حاجی زاده در ادامه می گوید:

فرمانده نیروی هوافضای سپاه برای قبول مسئولیت این فاجعه هولناک و تشریح جزئیات این رویداد نشست خبری برگزار کرد.

این نشست خبری ساعتی پس از اطلاعیه ستاد کل نیروهای مسلح برگزار شد. اطلاعیه ای که سه نکته فنی مهم اما مشکوک در آن قید شده بود: (۱) پروازهای جنگی نیروهای آمریکایی پیرامون کشور افزایش یافته و برخی اخبار نیز از مشاهده اهداف هوایی به سمت مراکز راهبردی در کشور به واحدهای دفاعی واصل و اهداف متعددی در برخی صفحات رادار مشاهده شد.

(۲) پرواز شماره ۷۵۲ خطوط هوایی

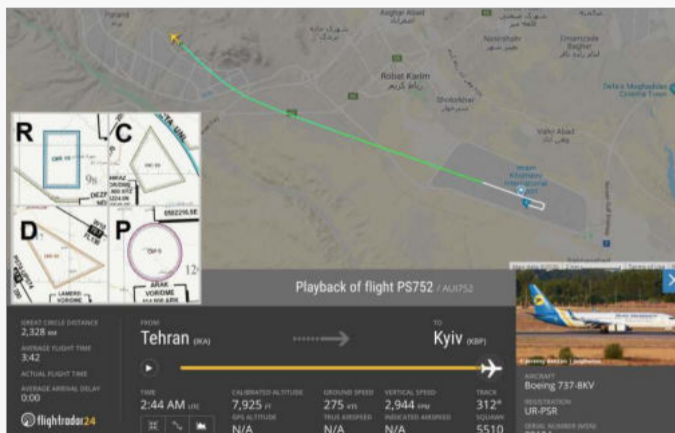


با ارگانی که مالکیت حریم هوایی با آنهاست مخاطره آمیز است.

(C) مناطق هشدار پرواز احتمالی (Caution) هستند. در هنگام پرواز خلبان باید در این مناطق مراقب سایر پروازها باشد و پرواز پهبادهای در آن باید زیر ۱۰۰ متر باشد.

یگانهای پدافندی محافظت می شوند و در آنها مناطق حساس یا حیاتی وجود دارد.

(D) مناطق پرواز خطرناک (Danger) است. این مناطق عموماً مناطق برگزاری رزمایشها، میدانهای تیر، مناطق تست توپخانه و امثال آن هستند. پرواز در این مناطق بدون هماهنگی



در سمت چپ نقشه بالا ۴ علامت درج شده: (P) مناطق پرواز به کلی ممنوع (Prohibited) است. این مناطق دائماً توسط پایگاههای پدافند هوایی محافظت می شوند.

(R) مناطق پرواز محدود (Restricted) و با مجوز قبلی است. این مناطق معمولاً توسط

اوکراین از فرودگاه «خمینی» حرکت نموده و در هنگام چرخش، کاملاً در حالت نزدیک شونده به یک مرکز حساس نظامی سپاه و در ارتفاع و شکل پروازی یک هدف متخاصم قرار می گیرد. (۳) سقوط هواپیمای مسافری ناشی از خطای انسانی سیستم پدافندی بوده است.

حاجی زاده چه گفت؟

ساعتی پس از صدور این اطلاعیه امیرعلی حاجی زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران در نشست

● چهار منبع آگاه شامل سه کارشناس نظامی و فرودگاهی داخل ایران و یک کارشناس نظامی خارج از کشور در گفتگو با کیهان لندن دیدگاهشان را در مورد ادعاهای فرماندهان سپاه و ستاد کل نیروهای مسلح در مورد شلیک به هواپیمای بوئینگ اوکراینی را بیان کردند.

● منبع آگاه نظامی اول: «ادعای ستاد کل نیروهای مسلح در مورد چرخش هواپیما به سمت تاسیسات نظامی دروغ است. بر اساس اطلاعاتی که در رادارها ثبت است این هواپیما پس از برخاستن از باند در مسیر و ارتفاع نرمال حرکت می کرد، سیستمهای نظامی و پدافندی اطراف این محدوده سالیان سال است که مستقرند.»

● «تمام پرسنل پدافند می دانند جنوب غربی تهران Departure Leg فرودگاه است. هواپیمای بوئینگ مسیر نرمال می رفته ... محتمل ترین حالت این است که به این هواپیما عمدی شلیک شده اما احتمالاً نه با اراده ای اپراتور بلکه با تحمیل خطای سیستم او را به اشتباه انداخته اند.»

● منبع فرودگاهی: «خلبان بوئینگ طبق روال پیش از پرواز کد ترانسپوندر و اسکواک را دریافت کرده است. بنابراین احتمال اینکه رادارها نتوانند کد را تشخیص دهند تقریباً صفر است چون هیچ هواپیمایی قبل از بستن کد ترانسپوندر Take Off نمی کند.»

● بابک تقوایی کارشناس نظامی این ادعا را که اختلال در سیستم ناشی از پرواز هواپیماهای جنگال آمریکایی بوده رد می کند.

● منبع نظامی دوم: «این حمله فقط از برادران خودمان بر می آید، دلایل و انگیزه ها و احتمالات و فرضیات مختلف آن قابل بحث است اما در رادار فرق بین موشک کروز با هواپیمای مسافری کاملاً مشخص است دیگر احتمال و فرضیه نیست.»

● «انداختن قصور به گردن یک اپراتور اعدام گروهبان قندعلی برای مختومه کردن پرنده است.»

● ادعا می شود به سمت تاسیسات نظامی ایران موشک کروز پرتاب شده! ولی از کجا پرتاب شده؟ کجا منهدم شده؟ سرنوشت موشک چه شده؟ چرا هیچ شواهدی در دست نیست؟!»

در روز ۲۱ دی ماه ۹۸ سه روز پس از هدف قرار گرفتن بوئینگ ۷۳۷ اوکراینی حوالی تهران توسط پدافند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،